



دوره دهم / شماره ۴ / تابستان ۱۳۹۲ / ۴۸ صفحه  
فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

نشانی پستی دفتر مجله:  
تهران، صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵  
تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۲۱۱۶۱ (داخلی ۲۵۲)  
تلفن مستقیم: روزهای سه شنبه ۸۸۲۰۵۷۷۱  
پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۲۰۱۴۸۲  
مدیر مسئول: ۱۰۲ / دفتر مجله: ۲۵۲ / امور مشترکین: ۱۱۴  
وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
پیام نگار: [goran@roshdmag.ir](mailto:goran@roshdmag.ir)  
ABCD134290@yahoo.com: پیام نگار هیئت تحریریه  
تلفن امور مشترکین: ۷۷۲۲۱۶۵۱، ۷۷۲۲۱۶۵۲  
شمارگان: ۱۲۰۰۰  
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سر دبیر: دکتر سید محسن میر باقری  
مدیر داخلی: یونس باقری  
هیئت تحریریه: فریبا انجمنی، یونس باقری،  
سید مهدی سیف، سید هادی محدث، دکتر مجید معارف،  
دکتر سید محسن میر باقری، سید محمد حسین میر باقری  
و مسعود وکیل  
طراح گرافیک: نوید اندرودی  
ویراستار: کبری محمودی

## سرمقاله ۲/

چگونگی نزول دفعی و تدریجی قرآن کریم / آیت الله جوادی آملی / ۴

دبیران و دبیرخانه درس دینی و قرآن / گفتگو با موسی عمرانی / رضاعلی ابراهیم زاده گرجی / ۷

تأملی بر معانی تفسیر و تأویل / دکتر علی نجارپوریان / ۱۰

سؤال از تو پاسخ از من، معرفی پایگاههای پاسخگویی / علی رضا شعبانی فرد / ۱۴

علل گرایش قرآن به قصه / نسرين سجادپور و مهدی مروجی / ۱۷

رب العالمین، گلچینی از جلوههای جمال در سورههای قرآن / علی چراغی / ۲۲

اقامه نماز یا اقامه جماعت؟ گفتگو با محمدرضا عاقل زاده / رضاعلی ابراهیم زاده گرجی و یونس باقری / ۲۴

شحات انور / سعید حسام پور و عظیم جبار / ۲۰

راهنمای برنامه درسی درس آشنایی با مفردات قرآن / ۲۴

قرآن و نام امامان / ۲۸

امام علی (ع) و قرآن / ۴۰

فلسطینیان و فروش زمینهای خود / ۴۲

آشنایی با سه جلد اول تفسیر موضوعی حضرت آیت الله جوادی آملی / ۴۶

## قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران:

مجله رشد آموزش قرآن، نوشتهها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت بهویژه معلمان دورههای مختلف را در صورتیکه در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، میپذیرد. لازم است در مطالب ارسالی، موارد زیر رعایت شود.

چکیده‌ای از کل محتوای ارسال شده حداکثر در ۲۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. پی نوشت ها و منابع کامل باشد و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه مورد استفاده باشد. در متنهای ارسالی تا حد امکان از معادل های فارسی واژهها و اصطلاحات استفاده شود. اصل مقاله‌های ترجمه شده به پیوست آن ارسال شود. نشر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژههای علمی و فنی دقت شود. شکل قرار گرفتن جدولها، نمودارها و تصاویر، پیوست در حاشیه مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود. مطالب مندرج در مجله، الزاماً میبایست نظر دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نیست و مسئولیت پاسخگویی به پرسشهای خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. مقاله‌های دریافتی در صورت پذیرش یا رد، بازگشت داده نمیشود. مجله در پذیرش، رد، ویرایش و یا تلخیص مقاله‌های رسیده مجاز است.

# آموزش قرآنی



به نتیجه رسیده است. پس از اشاره اجمالی به این اسناد و برخی بندهای مهم آن، چند توصیه کوتاه نیز تقدیم عزیزان می‌شود. این توصیه‌ها می‌تواند قدردانی از کسانی باشد که در تدوین این اسناد و فراهم آوردن فرصت‌های لازم برای ارتقای جایگاه قرآن کریم در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دست داشته‌اند و نیز گامی کوچک در تحقق این اهداف بزرگ به حساب آید.

## اسناد مورد نظر

● منشور توسعه فرهنگ قرآنی، شورای مرکزی این منشور و نیز کمیسیون آموزش عمومی قرآن به ریاست وزیر آموزش و پرورش، کمیسیون پژوهش‌های قرآنی به ریاست وزیر علوم و آموزش عالی و کمیسیون تبلیغ و ترویج فعالیت‌های قرآنی به ریاست وزیر ارشاد اسلامی. این سه کمیسیون همراه با کارگروه‌های خود در ذیل شورای مرکزی منشور فعالیت دارند.

● بند ۹ از قسمت الف ماده ۱۹ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-)

دستیابی به هر هدفی لوازم طبیعی و ضروری خود را طلب می‌کند؛ بی‌دلیل نیست که در معارف دینی ما آمده است: «ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها»: حتی خداوند متعال نیز ابا دارد که امور را غیر از طریق اسباب و علل آن انجام دهد.

کارشناسان، صاحب‌نظران، فعالان و دست‌اندرکاران امور قرآنی سال‌هاست در تلاش‌اند در نظام فرهنگی و تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای برای آموزش، انس، پژوهش، تبلیغ و ترویج قرآن کریم فراهم آورند. امید است که از این رهگذر برای سند بی‌مانند دین الهی، معنویت راستین و تنها راه واقعی معرفت جهان هستی، یعنی قرآن کریم، علاوه بر آنچه به لطف الهی در فرهنگ عمومی جامعه وجود دارد، در اسناد نظام تعلیم و تربیت کشور، اعم از آنچه به شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت‌خانه‌های فرهنگی کشور و... برمی‌گردد، جایگاه رفیع، جدی و ارزشمندی فراهم آورند.

خوشبختانه این تلاش‌ها از طریق اسناد ذیل

# اسناد بالاحسنی

۱۳۹۰) مصوب ۸۹/۱۰/۱۵ به این شرح است: ارائه برنامه جامع آموزش قرآن اعم از روان خوانی و فهم قرآن و برنامه تلفیقی قرآن، معارف اسلامی و عربی، با اهداف قرآنی.

● «راهکار ۱-۳ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی به این شرح: توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه و تقویت انس با قرآن در دانش آموزان و توسعه فرهنگ سواد قرآنی با اصلاح برنامه ها و توانمندسازی معلمان در راستای تقویت مهارت روخوانی و روان خوانی در دوره ابتدایی، آشنایی با مفاهیم کلیدی قرآن در دوره متوسطه اول و آموزش معارف قرآنی در متوسطه دوم براساس منشور توسعه فرهنگ قرآنی.

## توصیه ها

■ درس قرآن و فعالیت های قرآنی مراکز آموزشی و فرهنگی کشور را جدی بگیریم و حق آن را برای رضایت خدا و در نزد او، درست ادا کنیم.

■ خود ما با قرآن کریم مأنوس باشیم، یعنی هر روز مقداری قرآن بخوانیم. برای درک معنای مستقیم آیات بکوشیم و دانسته های خود را در این امر به کار گیریم. در معنای آیات، تا آنجا که در توان علمی ماست، تدبر و تفکر کنیم.

■ دانش آموزان را به آنچه خود در ارتباط با قرآن انجام می دهیم تشویق و ترغیب کنیم و همیشه در همه فعالیت ها پی گیر تلاش آن ها باشیم تا انس با قرآن کریم، با تعریفی که در بند دوم آمده است، در آن ها درونی شود.

■ با همکاری مدیر مدرسه و سایر مراکز آموزشی و فرهنگی، به شیوه های ساده و برنامه های کوتاه و امکان پذیر، زمینه آشنایی و انس بیشتر سایر دبیران و همکاران فرهنگی با قرآن کریم را فراهم آوریم.

■ برای خانواده های دانش آموزان، به ویژه مادران گرمایی، با کمک اولیای مدرسه، جلسات توجیهی و آموزش بر حول محور قرآن کریم برگزار کنیم تا به تدریج آن عزیزان نیز با قرآن بیش تر مأنوس شوند.

سردبیر



# قرآن کریم

## چگونگی نزول دفعی و تدریجی

آیت الله جوادی آملی

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که باید مورد بحث قرار گیرد، کیفیت نزول و تجلی قرآن کریم است. خدای سبحان در سورة مبارکه «قدر» می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم» (إنا أنزلناه فی لیلة القدر) و در جای دیگر، نزول قرآن را در شبی مبارک می داند: «حم» والکتاب المبین \* إنا أنزلناه فی لیلة مبارکه إنا کنّا منذرین» (دخان / ۳). جمع این دو آیه و برخی آیات دیگر نشان می دهد که قرآن کریم به صورت دفعی در شب مبارک قدر نازل شده است.

از سوی دیگر، تاریخ مسلم و شأن نزول آیات نشان دهنده آن است که قرآن به صورت تدریجی و طی ۲۳ سال نازل شده است. در خود قرآن نیز آیاتی بر نزول تدریجی اجزای آن تصریح دارند. در آیه کریمه ای فرموده است: «وقرانا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً» (اسراء / ۱۰۶) یعنی، قرآن را متفرق نازل کردیم تا تو آن را به تدریج دریافت و به تدریج بر مردم تلاوت کنی. در آیه کریمه دیگری، اعتراض کافران را بیان می فرماید که می گفتند چرا قرآن بر تو، مانند «تورات» موسی، یکباره نازل نشده است؟ «وقال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جملة واحدة» (فرقان / ۳۲) خدای سبحان در جواب این اعتراض، خطاب به رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرماید: «کذلک لنثبت به فؤادک ورتلناه ترتیلاً» (فرقان / ۳۳). یعنی نزول تدریجی قرآن، برای تثبیت قلب توست.

بنابراین، ظاهر آیات قرآنی در مسئله کیفیت نزول قرآن متفاوت است. برخی از آن ها بر نزول دفعی و یکباره قرآن و برخی دیگر بر نزول تدریجی و در طول زمان رسالت آن حضرت دلالت دارند. این معنا از نظر قرآن شناسی مسلم است که هرگز اختلاف و تعارضی بین آیات کریمه قرآن وجود ندارد. خود قرآن نیز در این باره می فرماید: «ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً» (نساء / ۸۳) یعنی اگر این قرآن از نزد غیر خدای سبحان می بود، به طور یقین اختلاف فراوانی بین آیاتش راه می یافت ولی از آنجا که از ناحیه ذات اقدس الله است، هیچ گونه تعارض و اختلافی در آن راه ندارد، بلکه هماهنگی و انسجام فوق العاده ای نیز در سراسر آن به چشم می خورد. (الله نزل أحسن الحدیث کتاباً متشابهاً مثانی - زمر / ۲۳).

کلید واژه: قرآن کریم، ترول، ترول وحی، ترول تدریجی



قرآن کریم که تجلی ذات اقدس الله است، بهترین گفتاری است که آیاتش متشابه و مثانی‌اند و با یکدیگر تشابه، هماهنگی و هم‌بستگی دارند. نه تنها اختلاف ندارند بلکه مکمل و تمام‌کننده یکدیگرند. برای هر یک از دو دسته آیات یادشده محملی است که با محمل دیگر هماهنگ است. برای تبیین انسجام بین آیات مزبور می‌توان چنین گفت: قرآن کریم دوگونه نزول داشته که یکی به صورت دفعی انجام گرفته است و دیگری به صورت تدریجی. هر دسته از آیات مورد اشاره نیز بر یکی از این دو گونه نزول دلالت دارد.



**برخی گفته‌اند: قرآن کریم تنها یک نزول تدریجی داشته است و آیاتی که بر نزول قرآن در شب مبارک قدر دلالت دارند، مربوط به آغاز نزول قرآن هستند که در شب قدر صورت گرفته است که این سخن با ظاهر قرآن سازگاری ندارد**

### نقد یک نظر

برخی برای جمع کردن میان این دو دسته از آیات گفته‌اند: قرآن کریم تنها یک نزول تدریجی داشته است و آیاتی که بر نزول قرآن در شب مبارک قدر دلالت دارند، مربوط به آغاز نزول قرآن هستند که در شب قدر صورت گرفته است. زیرا شروع

کارهای مهم و متدرّج، مبدأ تحقق آن‌ها به حساب می‌آید. پس به لحاظ مبدأ نزول گفته شده که قرآن در شب قدر نازل شده است. این سخن با ظاهر قرآن سازگاری ندارد؛ زیرا ظاهر آنجا که فرمود: «إنا أنزلناه فی لیلة القدر» (قدر/۱) و نیز در سورة مبارکه «دخان» که نخست به قرآن و کتاب مبین قسم می‌خورد و سپس می‌فرماید: ما آن را در شب مبارکی نازل کردیم، مجموع قرآن مقصود است نه بخشی از آن. علاوه بر اینکه خود قرآن می‌فرماید: نزول قرآن در ماه مبارک رمضان صورت گرفته است: «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن» (بقره/۱۸۵) و چون شب قدر هم در ماه مبارک رمضان است، پس اگر منظور اولین نزول قرآن باشد نه همه آن، آغاز رسالت باید در ماه رمضان باشد. در حالی که تاریخ مسلم امامیه بر آن است که بعثت آن حضرت در ماه رجب واقع شده است و اگر منظور آغاز نزول وحی نباشد، اختصاصی برای شب مبارک و لیلة القدر نیست؛ زیرا هر بخش از قرآن در زمانی خاص نازل شده است. بنابراین، ماه مبارک و شب مبارک، ظرف نزول تمام قرآن است نه

خصوص آیات آغازین آن. وگرنه باید مبدأ رسالت، ماه مبارک رمضان باشد نه ماه اَصْبَحَ رَجَب و نه بخشی از مجموع قرآن؛ زیرا در آن صورت، میان ماه رمضان و غیر آن فرقی نمی‌بود.<sup>۱</sup>

استاد علامه طباطبایی (قدس سره) در تفسیر وزین «المیزان» فرموده‌اند: «قرآن کریم در دو مرتبه نازل شده؛ مرتبه‌ای از آن بسیط و یکپارچه و مصون از تغییر است و مرتبه دیگری به صورت تفصیلی و غیربسیط است و صلاحیت تغییر و تحول به گونه ناسخ و منسوخ و مانند آن را دارد. آنچه در شب مبارک قدر بر قلب مطهر رسول اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- نازل شده، همان مرتبه بسیط قرآن است و آنچه طی دوران رسالت بر آن حضرت- صلی الله علیه و آله و سلم- نازل شده، همان مرتبه تفصیلی و غیربسیط است که با ناسخ و منسوخ همراه است». (المیزان، ج ۲: ۱۸-۱۵). این تحقیق ایشان با بعضی از شواهد قرآنی و روایی قابل تطبیق است، لیکن

باید عنایت کرد که نزول قرآن کریم در شب قدر نمی‌تواند به صورت بسیط محض باشد؛ زیرا به فرموده خود قرآن، شب قدر شبی است که هر امر حکیم و یکپارچه‌ای تفریق و تفصیل می‌یابد (فیها یفرق کل امر حکیم- دخان/۴). شب قدر، شب تقدیر و اندازه‌گیری و گسترش است و چنین شبی با آن مرتبه از قرآن که بسیط محض است تناسبی ندارد. قرآن مانند امور دیگر، هم دارای مرحله «حکیم» بسیط، واحد، ثابت و مانند آن است و هم دارای مرحله «تفریق» ترکیب، تکثیر تدریج و نظیر آن. آنچه در شب مبارک قدر نازل می‌شود، باید متناسب با تفریق باشد نه جمع؛ چون در آن شب هر چیز حکیم و جمع، به صورت تفریق ارائه می‌شود.

### نزول اجمالی در عین کشف تفصیلی

قرآن کریم دارای سه مرتبه عالی، متوسط و نازل است، مرتبه عالی قرآن همان ام‌الکتاب و کتاب مکنونی است که در مقام لدن و نزد ذات اقدس الله است. مرتبه

وجود دارد، با تقدیری بودن شب قدر و تفریق تناسب دارد.<sup>۲</sup>

### پاسخ به یک اشکال

با این بیان، ابهام و اشکال دیگری نیز حل می‌شود که اگر شب قدر، شب اندازه‌گیری است و لازمه‌اش عدم بساطت قرآن است، پس چرا از کلمه «انزال» استفاده شده است؟ ماده «نزل» اگر به باب افعال برود، می‌شود «انزال» و

استعمال آن بدون قرینه در امور دفعی است

نه تدریجی و تفصیلی. اگر این ماده به باب

تفعیل برود، می‌شود «تنزیل» و استعمال آن

در امور تدریجی و تفصیلی است نه دفعی

و یکپارچه و بسیط؛ مگر با شاهد و قرینه.

در آیاتی که نزول قرآن را در شب قدر بیان

می‌دارند، از کلمه «انزال» استفاده شده است

نه «تنزیل». این خود مانعی برای اثبات نزول

دفعی قرآن در شب قدر است. زیرا اگرچه

کلمه «انزال» با نزول دفعی سازگاری دارد و متناسب است،

با تقدیری بودن و تفصیلی بودن شب قدر سازگاری ندارد.

رفع این مشکل با بیان گذشته روشن می‌شود که گرچه قرآن

نازل شده در شب قدر، امری بسیط و یکپارچه است، در عین

بساطت و اجمالی که دارد، واجد نوعی تفصیل نیز هست

که هماهنگ با تقدیری بودن شب قدر است. کلمه «انزال»

هم اگر در این باره نازل شده، از جهت بساطت قرآن در این

شب است. شاید آنچه در این باره رسیده که همه قرآن در

ماه مبارک و شب قدر یک جا نازل شده است، ناظر به همین

معنا باشد؛ نه مانند الواح موسی (علیه‌السلام) به صورت کتاب

دفعی و مدوّن معنوی (نه صوری) بر رسول اکرم - صلی الله

علیه و آله و سلم - نازل شده باشد. چون چنین نزول دفعی

با حکمت تدریجی بودن آن - که در برخی آیات بازگو شد -

هماهنگ نیست. البته نزول دفعی آن به این معنا امتناع عقلی

ندارد لیکن در این حال، آن حکمت یاد شده ناظر به حال اّمت

اسلامی خواهد بود، نه به لحاظ شخص رسول اکرم - صلی الله

علیه و آله و سلم.

### مقام «لدن» مقام قضای الهی و

### همان مرتبه بسیط محض قرآن

### است که حضرت رسول -

### صلی الله علیه و آله و سلم - آن

### را در مقام رفیع و بلند و بدون

### واسطه دریافت کردند

متوسط قرآن همان است که در دست فرشتگان

مقرب است، و مرتبه نازل آن هم عین قرآنی است که

لازمه‌اش الفاظ و مفاهیم است و به صورت عربی مبین تنزل

یافته و جامعه انسانی در خدمت آن است. مرتبه نازله قرآن

به صورت تفصیلی و طی سالیانی نازل شده و این نزول هم

نزولی تدریجی است که در این قسمت بحثی نیست. رسول

اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در مرتبه عالی، قرآن را

با مرتبه عالی قلب دریافت کرده‌اند و

در مرتبه نازله، قرآن را با سمع و بصر

قلب گرفته‌اند و در شب قدر، با مرتبه

متوسطه قلب. مرتبه عالی قرآن - که در

مقام لدن جای دارد - حقیقتی بسیط

و محض است که هیچ‌گونه کثرت و

تفصیلی در آن راه ندارد و نزول آن

مرتبه، بر وجود مبارک رسول گرامی

اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - در

شب معراج و بدون واسطه فرشتگان و به صورت مستقیم رخ

داده است و چنان که پیش از این گفته شد، حضرت رسول

اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در مقامی حقیقت مکنون

قرآن را از ذات اقدس الله تلقی کردند که فرشته مقرب و

جبرئیل امین گفت: «لو دنوت أنملة لاحترق» (بحار، ج ۱۸،

۳۸۲).

مقام «لدن» مقام قضای الهی و همان مرتبه بسیط

محض قرآن است که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله

و سلم - آن را در مقام رفیع و بلند و بدون واسطه دریافت

کردند. قرآن در شب قدر، که هر قضایی در آن «قَدَر»

می‌شود، توسط جبرئیل، که روح امین است، بر قلب مطهر

پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نازل شد: «نزل به الروح

الامین» علی قلبک لتکون من المندرين» (شعراء/ ۱۹۴ -

۱۹۳). البته در این مرحله، مرتبه بسیط محض قرآن، از

بساطت محض مقام لدن خارج شده و به نوعی تفصیل یافته

که متناسب با شب قدری است که هر محکمی در آن تفصیل

می‌یابد: «فیها یفرق کل أمر حکیم» (دخان/ ۴). بنابراین،

آنچه در شب مبارک قدر نازل شده، مرتبه متوسطی است

بین مرتبه عالی بسیط و مرتبه نازل تفصیلی آن. از این

جهت، چون بسیط است با نزول دفعی در شب قدر متناسب

است و چون بسیط محض نیست و نوعی تفصیل در آن

پی‌نوشت

۱. برای تحقیق بیشتر، رک: تفسیر تسنیم، ذیل آیه ۱۸۵ سوره بقره.

۲. شاید بتوان این مطلب را از بحث استاد علامه (رض) درباره آیه اول

سوره هود استفاده کرد.

# دبیران و دبیرخانه درس دینی و قرآن

گفتگو

گپ و گفتی با موسی عمرانی، دبیر دبیرخانه راهبری  
کشوری درس دینی و قرآن مستقر در خراسان رضوی  
رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی



اشاره

همکار ما، موسی عمرانی، چند سالی است که در سمت دبیر دبیرخانه راهبری کشوری درس دینی و قرآن، مستقر در شهر مشهد، مشغول انجام امور مربوط به این درس است. وی ضمن تحصیل در حوزه علمیه، دوره دانشجویی را نیز تا مقطع کارشناسی ارشد طی نموده است.

● آقای عمرانی، از ضرورت‌های تشکیل دبیرخانه «دینی و قرآن» بگویید و بفرمایید وظیفه اصلی دبیرخانه چیست؟

○ عمرانی: فلسفه شکل‌گیری دبیرخانه به ضرورت شکل‌گیری گروه‌های آموزشی برمی‌گردد. به این علت که گروه‌های آموزشی حلقه واسطه و پل ارتباطی میان حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی با دبیران در فضای آموزشی هستند، شایسته است بیشتر از آنچه در حال حاضر شناخته می‌شوند، معرفی گردند.

گروه آموزشی یک درس در آموزش و پرورش تقریباً مانند گروه‌های آموزشی یک درس در دانشگاه است. دبیران و استادان یک رشته درسی در آن گروه عضویت دارند و برای

گرفتن تصمیم‌های مشترک با هدف گره‌گشایی‌های علمی و چگونگی تدریس و آموزش آن درس و ایجاد وحدت رویه با هم مشورت و همفکری می‌کنند. فعالیت آنان با فعالیت‌های کارشناسان آموزشی در معاونت‌های مربوطه فرق دارد. کارشناسان آموزشی با انبوهی از امور مربوط به سازماندهی دبیران، آزمون‌ها، چگونگی مدیریت مدارس برابر چارت تشکیلاتی، نظارت بر اجرای صحیح و دقیق آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها و... مواجه‌اند. بنابراین، آنچه در گروه آموزشی هر درس، در ساعت اختصاص داده شده تعقیب می‌شود، کاملاً با کارهایی که در شکل‌آفرینی انجام می‌پذیرد متمایز است؛ اگرچه همفکری و تعامل، که ضرورت پیشرفت در جهت اهداف است، همواره وجود دارد.

برخی از اهدافی که گروه‌های آموزشی، آن‌ها را پیگیری می‌کنند، عبارت‌اند از:

۱. بررسی سؤالات امتحانی؛
۲. ارزیابی از نحوه تصحیح اوراق امتحانی؛
۳. آموزش طراحی سؤال مفهومی و استاندارد و ارائه الگو؛
۴. چگونگی تدریس فعال و گسترش آن؛

## برقراری ارتباط با کارشناس قرآن در معاونت پرورشی، ستاد اعتلا و تعمیق تربیت دینی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، و ستاد همکاری‌های علمی حوزه علمیه و آموزش و پرورش به منظور وصل این ستادها و کارشناسی‌ها به نیروهای حاضر در صف و کلاس مورد توجه است

۵. نقد و بررسی کتاب‌های درسی و تعامل با دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی؛
  ۶. آشناسازی معلمان با روش‌های تدریس برتر و ارتقای آن‌ها؛
  ۷. کمک به توسعه بهره‌گیری از فناوری‌های الکترونیکی در فضای آموزشی؛
  ۸. پاسخ‌گویی به سؤالات همکاران و رفع اشکالات درسی؛
  ۹. هماهنگی به هنگام و اطلاع‌رسانی سریع در زمینه بارم‌بندی‌ها و موارد حذفی کتاب؛
  ۱۰. برگزاری کارگاه‌های تعاملی؛
  ۱۱. جمع‌آوری ایده‌های آموزشی و انعکاس آن‌ها؛
  ۱۲. توجه و تشویق همکاران به پژوهش در راستای سند تحول؛
  ۱۳. تلاش برای به روز کردن اطلاعات علمی و آموزشی همکاران با ارائه نشریات از جمله مجله رشد آموزش قرآن و منابع مورد نیاز و معرفی آن‌ها.
- اضافه بر این‌ها، در گروه دینی و قرآن، باید با انبوهی از دبیران در گستره تمامی پایه‌ها و رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کار دانش ارتباط ایجاد کرد.
- برقراری ارتباط با کارشناس قرآن در معاونت پرورشی، ستاد اعتلا و تعمیق تربیت دینی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، و ستاد همکاری‌های علمی حوزه علمیه و آموزش و پرورش به منظور وصل این ستادها و کارشناسی‌ها به نیروهای حاضر در صف و کلاس نیز مورد توجه است. همچنین، با عنایت به ضرورت گسترش مطالعات میان رشته‌ای، ضمن اینکه برگزاری کارگاه‌های علم و دین در راستای اجرای سند تحول برای تمامی دبیران که باید فرزندان این مرز و بوم را براساس آموزه‌ها و تعالیم دینی و قرآنی تربیت کنند، اهمیت دارد، حضور فعال گروه آموزشی درس دینی و قرآن در این عرصه محسوس‌تر و ضروری‌تر به

نظر می‌رسد.

بنابراین، شایسته است با حمایت و هدایت هوشمندانه و نیز با ایجاد انگیزه، نیل به این اهداف را ممکن ساخت. از این رو، لازم بود دبیرخانه‌ای شکل بگیرد تا فعالیت‌ها و تعامل گروه‌های آموزشی را در سطح استان‌ها و ستاد، راهبری و تقویت کند. دبیرخانه راهبری کشوری با اعلام برنامه‌ها و پیگیری آن‌ها در سطح کشور، تولید ۱۰ شماره فصلنامه الکترونیکی با قابلیت چندرسانه‌ای (شامل مقالات، طرح درس‌ها، مکمل‌های درسی، نمونه تدریس، کلیپ آموزشی و...) از آثار تولیدی همکاران در سراسر کشور و توزیع آن‌ها در گستره کشوری، تولید نرم‌افزارهای آموزشی قرآنی و مکمل‌های درسی، برگزاری جشنواره روش‌های تدریس برتر و طرح درس‌نویسی بر مبنای هوش‌های چندگانه، برگزاری کارگاه‌های نقد و بررسی کتاب‌های درسی با حضور سرگروه‌های آموزشی استان‌های کشور و مؤلفان کتاب‌های درسی، فعال‌سازی ارتباطات الکترونیکی و وبگاه و نیز گزارش‌گیری و ارزیابی آن‌ها، در حد مقدرات همت کرده است و تا زمانی که وجود این پل ارتباطی (گروه‌های آموزشی) ضرورت داشته باشد (که به اذعان صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی و آموزشی وزارت چنین است)، وجود دبیرخانه‌ای برای هماهنگی و سامان‌دهی فعالیت‌ها ضروری می‌باشد.

### ● آیا بر آورد دبیرخانه با نظر گروهی از دبیران درس دینی و قرآن مبنی بر اینکه در دوره تلفیق، قرآن در حاشیه قرار گرفته است و خواهان تغییر در شیوه کارند، همخوانی دارد؟

○ مهم‌ترین دلیل برای تفکیک درس قرآن از کتاب دین و زندگی در نظر موافقان آن است که به روان‌خوانی و قرائت آیات توجه ویژه شود و مهم‌ترین دلیل بر تلفیق درس قرآن با درس دین و زندگی آن است که هم‌زمان با روان‌خوانی و قرائت آیات، به ترجمه و تدبیر آن توجه و مباحث کتاب بر پایه پیام آیات تدریس و تبیین شود.

با توجه به این نکته که درباره «آموزش قرآن و معارف دینی در دوره متوسطه» گفت‌وگو می‌کنیم، به نظر می‌رسد از دلیل تفکیک که ناظر است به دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، فاصله گرفته‌ایم. باید توجه به آموزش قرآن را در دو دوره قبل از متوسطه متمرکز کنیم و با پی‌جویی راهکارهای آموزشی، روخوانی، روان‌خوانی و قرائت را در این دو دوره دنبال کنیم و در پی این باشیم که دانش‌آموزان در



دوره متوسطة با معانی، مفاهیم و پیام قرآن آشنا شوند.

● می‌دانیم که دانش‌آموزان درباره موضوع‌های دینی (شامل قرآن و مباحث آن) هم پرسش دارند و بعضاً هم شبهه ایجاد می‌کنند (آگاهانه یا ناآگاهانه، مستقیم یا با واسطه). تدارک پاسخ مقتضی و مناسب برای پرسش‌ها الزامی است؛ همان‌طور که باید با دقت و درایت و به شکل درست و منطقی شبهه‌ها را رفع کرد.

برای این بخش قطعی کار، دبیرخانه چه کاری توانست بکند تا به دبیران برای مواجه‌شدن منطقی با دانش‌آموزان یاری رساند؟

○ عمرانی: نیاز امروز جامعه آموزشی در بخش انتقال مفاهیم قرآنی، به روزرسانی دانش و بینش و استفاده از زبان متناسب با نسل حاضر است. پیشنهاد این است که برای دبیران دینی و قرآن فرصت مطالعاتی در نظر بگیریم تا به ارتقای علمی بپردازند و برای پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهه‌ها خود را آماده کنند. این گونه نیست که یک دبیر دینی و قرآن را در مقطعی با دانشی مشخص استخدام کنیم، او به صورت کارمند در کلاس درس حاضر شود و از همان دانش و روش، به مدت سی سال در فضای آموزشی بهره بگیرد و در نهایت در آموزش به نتیجه مطلوب برسیم. این دغدغه‌ای جدی است که در دبیرخانه و گروه‌های آموزشی با آن مواجهیم. روشن است که این دغدغه‌مند بودن باید فراگیر شود تا در نظام برنامه‌ریزی آموزشی به گونه‌ای مناسب دیده شود.

حوزه‌های علمیه و نهادهای مرتبط باید ارتباط خود را با دبیران دینی و قرآن بازتعریف کنند و این که فضای مناسبی را در این جهت در فرصت‌های مناسب تدارک ببینند. این موضوع که نسل جوان امروز، درس دینی و قرآن را چگونه آموزش می‌بیند، باید دغدغه فراگیر تمام نهادهای مرتبط باشد.

● همکاران درس دینی و قرآن از «ساعات کم تدریس» و حجم کتاب ناراضی هستند. پیشنهاد دبیرخانه برای ایجاد تناسب بین ساعات تدریس و حجم کتاب‌های درسی چیست؟

○ ساعات تدریس درس دینی و قرآن در مجموع ساعات آموزشی قابل قبولی است. الزاماً اختصاص ساعت بیشتر به درس دینی و قرآنی توفیق بیشتر در جهت آموزش‌های لازم دینی و قرآنی را رقم نمی‌زند. آنچه مهم است، داشتن فرصتی مناسب برای آشناسازی و ایجاد علاقه به منظور مطالعه و تفکر قرآنی است. کاهش حجم کتاب متناسب با

حوزه‌های علمیه و نهادهای مرتبط باید ارتباط خود را با دبیران دینی و قرآن بازتعریف کنند و این که فضای مناسبی را در این جهت در فرصت‌های مناسب تدارک ببینند. این موضوع که نسل جوان امروز، درس دینی و قرآن را چگونه آموزش می‌بیند، باید دغدغه فراگیر تمام نهادهای مرتبط باشد

زمان پیش‌بینی شده و توجه به اولویت‌ها و نیز راهکارهای بهره‌مندی از ظرفیت‌های آموزشی دینی و قرآن در سطح جامعه، ضروری به نظر می‌رسد. مثلاً اگر کارگاه‌های مهارتی در دروس فنی و حرفه‌ای مکمل مباحث نظری‌اند، در درس دینی و قرآن نیز حضور در جلسات عمومی، اردوهای علمی و مسابقات کتاب‌خوانی و مفاهیم قرآنی، راهکارهای مکمل آموزش تلقی می‌شوند.

● فکر می‌کنید دبیرخانه باید به شکل کنونی به کارش ادامه دهد یا نیازمند تحول است؟

○ تحول و تغییر در جهت مثبت، ضرورت همه مراکز، نهادها، سازمان‌ها و دفاتری است که به ارتقای فعالیت‌ها نظر دارند. دبیرخانه راهبری درس دینی و قرآن امیدوار است با فراهم شدن بسترهای لازم بتواند اولاً به ارتباط حوزه‌های ستادی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی با حوزه صف مدد برساند؛ ثانیاً ایده‌ها و دیدگاه‌ها و مشکلات آموزشی همکاران در کلاس درس را به مدیران و تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان آموزشی در آموزش و پرورش منتقل کند و انتظارات همکاران را تا حصول نتیجه پیگیری نماید.

● درباره فصل نامه رشد آموزش قرآن و محتوای آن چه نظری دارید؟ لطفاً پیشنهادهای و انتقادهایتان را با توجه به کمک آموزشی بودن مجله مطرح نمایید.

فصلنامه رشد قرآن همواره در جهت هموارسازی مسیر آموزش قدم برداشته است و مثبت ارزیابی می‌شود. به نظر می‌رسد، در حال حاضر ضرورت آن است که ساختار مکتوب به ساختار الکترونیکی منتقل شود و قابلیت صوت و آموزش‌های نرم‌افزاری مورد توجه قرار گیرد تا در دورترین موقعیت جغرافیایی و کلاس درس نیز قابل استفاده باشد. سرگروه‌های درسی و دبیرخانه راهبری کشوری درس دینی و قرآن در الکترونیکی شدن فصلنامه و بهره‌گیری از آن، یاری‌رسان خواهند بود.

از شما برای شرکت در این گفت و گو تشکر می‌کنیم.

# تأملات در معانی تفسیر و تأویل

دکتر علی نجار پوریان  
دکترای علوم قرآن و حدیث و مدرس دانشگاه فرهنگیان تهران

اشاره

در این نوشتار بر آنیم تا به ژرف کاوی کوتاهی درباره معانی «تفسیر و تأویل» و فرق آن دو با یکدیگر بپردازیم. ابتدا در بخش اول، معانی لغوی واژه‌های مذکور را می‌آوریم و آنگاه در بخش دوم، به تعاریف اصطلاحی آنها نگاهی خواهیم افکند. سپس فرق‌هایی را که میان «تفسیر» و «تأویل» وجود دارد، بیان می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: معانی، معانی تفسیر و تأویل، تفسیر، تأویل

## الف) معانی لغوی واژه تفسیر

اصحاب لغت گفته‌اند: کلمه تفسیر در لغت به معنی «روشن کردن و تبیین» است. اهل ادب معتقدند، کلمه تفسیر از ماده «فسر» و یا از ماده «سفر» و مقلوب سفر است که هر دو به معنی «کشف» به کار می‌روند: مانند: «أَسْفَرَ الصُّبْحُ»: یعنی صبح روشن شد و مانند «أَسْفَرَتِ الْمَرْأَةُ عَنْ وَجْهِهَا»: یعنی زن روی باز نمود و صورتش نمایان شد [شیخ طبرسی،

سال ۱۳۷۸: ۱۳]. تفاوت این دو آن است که «سفر» به معنی کشف ظاهری و مادی «فسر» به معنی کشف باطنی و معنوی به کار می‌رود، چنان‌که راغب در مفردات می‌گوید: «الفسر: اظهار المعنی المعقول» [راغب اصفهانی، سال ۱۳۷۰: ۳۹۴]. برای نمونه، نظرات چند تن از بزرگان لغت عرب را درباره واژه تفسیر می‌آوریم:

این منظور می‌گوید: «الفسر: البیان و کشف المغطی»: فسر به معنی بیان و کشف کردن چیز پوشیده است [ابن منظور، سال ۱۳۶۵: ۵۸۷].

ابن فارس گفته است: «الفسر تدل علی بیان شیء و ایضاحه» [ابن فارس، سال ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۰۴]. فسر دلالت می‌کند بر آشکار نمودن چیزی و روشن ساختن آن.

صاحب «قاموس المحيط» می‌نویسد: «... الفسر: الابانه و کشف المغطی و هو کشف المراد عن المشکل» [فیروزآبادی، سال ۱۳۷۲: ۵۸۷].

در «المنجد» آمده است: «التفسیر الکشف، الايضاح، البیان»



تفسیر در اصطلاح دانشمندان زبان عرب و  
قرآن پژوهان، همان «علم فهم قرآن» است. این واژه  
در قرآن مجید تنها در یک مورد به کار رفته که به  
معنی «شرح و تفصیل» است. و «لا یأتونک بمثل الا  
جئناک بالحق و احسن تفسیرا» (فرقان/ ۳۲)، واژه  
تفسیر با مشتقات آن در احادیث اعم از عامه و امامیه  
بسیار دیده می شود

عبارت اند از: ۱. مرجع و عاقبت؛ ۲. سیاست کردن؛ ۳. تفسیر  
و تدبیر؛ ۴. انتقال از معنای ظاهری لفظ به معنای غیر ظاهر.  
در میان این معانی، در کلام قدما، بیش از همه معنای اول  
و سپس معنای دوم و سوم قابل ذکر است و معنی چهارم را  
بیشتر در معاجم متأخر می یابیم.

### الف) تعریف اصطلاحی تفسیر

تفسیر در اصطلاح دانشمندان زبان عرب و قرآن پژوهان،  
همان «علم فهم قرآن» است. این واژه در قرآن مجید تنها در  
یک مورد به کار رفته که به معنی «شرح و تفصیل» است. و  
«لا یأتونک بمثل الا جئناک بالحق و احسن تفسیرا» (فرقان/  
۳۲)، واژه تفسیر با مشتقات آن در احادیث اعم از عامه و امامیه  
بسیار دیده می شود.

نظرات برخی از قرآن پژوهان را در این باره می آوریم:  
۱. بدرالدین زرکشی در تعریف تفسیر گفته است: «تفسیر  
علمی است که با آن، کتاب خداوند که بر پیامبرش نازل  
شده است، فهمیده می شود و بیان معانی و استخراج احکام  
و حکمت های آن انجام می گردد.» [زرکشی، سال ۱۳۷۶، ج  
۱: ۱۳].

۲. بعضی گفته اند: «تفسیر بیان کلام الله و بیان الفاظ قرآن  
و مفهومات آن است.» [ذهبی، سال ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۵].

۳. زرکانی می گوید: «تفسیر عبارت از دانشی است که  
بحث می کند از مراد الله در قرآن به قدر طاقت بشری.» [زرکانی،  
سال ۱۳۶۰، ج ۲: ۴].

۴. ابو حیان در بحرالمحیط می گوید: «تفسیر علمی است

سیوطی در الاتقان می گوید: «التفسیر تفعلیل من الفسر و  
هو البیان و الكشف و يقال هو مقلوب السفر» [سیوطی، سال  
۱۳۷۸، ج ۲، ۱۷۳].

واژه تفسیر چه از ماده «فسر» و چه از «سفر» مشتق شده  
باشد، به معنای کشف کردن، برملا ساختن، تبیین و توضیح  
است. مفسر، کلامی را که برای شنونده نامأنوس است، با  
جملات مأنوس و روش تر بیان می کند تا به معنای مورد نظر  
راهنمایی شود. پس می توان گفت: «با عمل تفسیر، متن یا  
گفتار شفاف می شود و معنای خود را نشان می دهد.»

### ب) تعاریف لغوی واژه تأویل

کلمه تأویل از ماده «أول» به معنی رجوع است. صاحب  
قاموس گفته است: «أَلَّ اليه: رَجَعَ، و عنه إِرْتَدَّ؛ أَلَّ اليه یعنی  
به سوی او برگشت و با «عن» متعدی می شود! راغب گوید:  
«تأویل برگرداندن چیزی است به پایان و نتیجه ای که از آن  
مراد است؛ خواه گفتاری باشد، خواه کرداری، دلیل این سخن،  
این قول از قرآن است: «ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً»  
[ذهبی، سال ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶؛ به نقل از قاموس، ج ۳: ۱۳۳].  
ابن فارس در «مقایس اللغة» آورده است: «أَوَّلَ»، دارای دو  
اصل است: ۱. ابتدای امر. واژه أول، به معنای ابتدا، از این اصل  
است؛ ۲. انتهای امر. تأویل کلام به معنای عاقبت و سرانجام  
کلام، از این باب است [ابن فارس، سال ۱۳۶۵، ج ۱: ۹۷].  
جوهری در صحاب می نویسد: «أَلَّ یعنی رَجَعَ و التأویل  
تفسیر ما یوول اليه الشیء» [حماد جوهری، سال ۱۳۴۴، ج ۱:  
۲۹]. در مجموع چهار معنا برای تأویل ارائه شده است که

بنابراین تعریف، میان تأویل و تفسیر فرقی نیست و این دو «مترادف» هستند. این تعریف در نزد علمای متقدم مطرح بوده، چنان که مجاهد و طبری در تفسیر خود هر جا که می‌گوید تأویل آیه این است، مرادش همین معنی است؛ یعنی تفسیر آیه چنین است.

علاوه بر این نظر است که تأویل قرآن که مستند تمام مضامین قرآن است، در جایگاهی است که خداوند آن را «کتاب حکیم» نامیده است [المیزان، سال ۱۳۷۰، ج ۳: ۵۴]! ایشان در آیات زیر «ام‌الکتاب»، «لوح محفوظ» و «کتاب مکنون» را جایگاه تأویل قرآن می‌داند:

– انه فی ام‌الکتاب لدینا لعلی حکیم [زخرف/ ۴].

– بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ [واقعه/ ۷۷].

مرحوم طباطبایی از آیه «کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر» استفاده می‌کند که قرآن قبل از نزول و مفصل شدن به صورت آیات و سوره، از حقیقتی واحد و بسیط برخوردار بوده است! مرحوم آیت‌الله معرفت با دیدگاه علامه طباطبایی مخالفت کرده و آنها را نظریاتی بدون دلیل انگاشته است. ایشان برای تأویل دو معنا ارائه می‌دهد که یکی به آیات متشابه اختصاص دارد و دیگری به همه آیات قرآن مربوط می‌شود. آن دو معنا عبارت‌اند از: ۱. توجه متشابه به یک وجه صحیح؛ ۲. معنای دوم برای کلام که در طول معنای اول قرار دارد و از آن به بطن تعبیر می‌شود.

ایشان نیز معتقد است، مراد از آنچه در قرآن تحت عنوان «لوح محفوظ»، «کتاب مکنون» و «ام‌الکتاب» آمده، علم ازلی و مکنون پروردگار است. در فرض پذیرش این مطلب که ورای این کتاب، کتاب دیگری در ام‌الکتاب وجود دارد که «علی» و «حکیم» است، دلیلی وجود ندارد که تأویل قرآن، همان حقیقت «علی و حکیم» باشد.

براساس دیدگاه آیت‌الله معرفت – که مختار ما نیز هست – اگر تأویل از قبیل حیق خارجی باشد، به حقایقی منتهی

که در آن بحث می‌شود از چگونگی تلفظ قرآن و مدلولات و احکام فردی و ترکیبی و معانی آنها که در حال ترکیب به معانی آنها حمل می‌شود و تتمه‌هایی بر اینها» [ابوحیان، سال ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۴ و ۱۳].

## ب) تعریف اصطلاحی تأویل

برخلاف تعریف اصطلاحی «تفسیر» که تقریباً همه آنها قابل برگشت به یک معنی بود، «تأویل» از واژه‌هایی است که در ادبیات قرآنی اهمیت به‌سزایی دارد و امروزه در اکثر حوزه‌های معرفت دینی هم‌چون تفسیر، کلام، اصول، فقه، فلسفه و عرفان، جایگاه ویژه‌ای یافته است. در میان متفکران غربی، تأویل با عنوان «هرمنوتیک» شناخته شده است. این واژه نخستین بار در کتاب «هرمنوتیک مقدس» اثر جی. سی‌دانهان و سر – که در سال ۱۶۵۴ میلادی تألیف شده [احمدی، سال ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۹۸] آمده است. معمولاً متفکران غربی، تأویل را با علوم باطنی یکسان انگاشته‌اند و چه بسا این در اذهان برخی از اندیشه‌وران مسلمان نیز اثر گذاشته و تأویل قرآن را به معنای تفسیر باطنی قرآن پنداشته‌اند. این در حالی است که واژه تأویل علاوه بر معنای لغوی، در هر یک از حوزه‌های معرفت دینی، اصطلاحی خاص شده است. خلط میان معنای لغوی و اصطلاحی تأویل سبب اشتباه در تفسیر متون دینی می‌شود. این جاست که تحقیق در «معناشناسی تأویل» در هر یک از حوزه‌های معرفت دینی ضرورت می‌یابد. این کلمه شانزده بار در قرآن آمده که سه مورد آن درباره قرآن است. در اینجا، ابتدا اهم تعاریف تأویل و آن‌گاه تعریف مورد قبول را می‌آوریم.

۱. تفسیر کلام و تبیین معنای آن، اعم از اینکه موافق ظاهر کلام باشد یا مخالف آن [ذهبی، ج ۱: ۱۵؛ طبرسی، سال ۱۳۹۴، ج ۱: ۴۰۸].

۲. تأویل مراد اصلی کلام است. اگر گفته شود: «طلعت الشمس» تأویل آن نفس طلوع شمس است.

۳. حمل لفظ دارای معانی گوناگون بر یکی از آن معانی است؛ معنایی که ادله بر مراد بودن آن دلالت دارد.

۴. معنای مخالف با ظاهر لفظ را گویند. این معنا نزد متأخران شایع است.

درباره تأویل، در میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. علامه طباطبایی این نظریه‌ها را که بیش از ده مورد است، نقد و بررسی کرده و در نهایت نظریه خود را به‌طور مستدل بیان کرده است. مرحوم علامه رأی خود را این‌گونه طرح کرده است.

**مرحوم طباطبایی از آیه «کتاب احکمت آیاته**

**ثم فصلت من لدن حکیم خبیر» استفاده**

**می‌کند که قرآن قبل از نزول و**

**مفصل شدن به صورت آیات**

**و سوره، از حقیقتی واحد**

**و بسیط برخوردار بوده**

**است**



می‌شود که از دسترسی عموم خارج است و البته دارای اجزا و فصول است. برای چنین تأویل و قرآنی که بسیط و فاقد اجزاست و فهمیدنی نیست، چه فایده‌ای مترتب است؟ به هر حال تفسیر و تأویل، هر دو فرایندی هستند برای دستیابی به مدالیل و معانی کلام؛ منتهی ابهاماتی را که در خود لفظ وجود دارد، برطرف می‌سازند؛ مثلاً «فاکسه و آبا» اما تأویل، برطرف‌کننده انگیزه‌های شک و اشتباه از پیرامون کلام است. تأویل «عبارت از واقعیتی است که تکیه‌گاه و مستند بیانات قرآنی است؛ از حکم و مواظظ گرفته تا آیاتی که متضمن بیان حکمت است، تمامی بر آن استناد دارد [طباطبایی، سال ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۳]. علاوه در جای دیگر می‌نویسد: «تأویل قرآن نه از نسخ الفاظ است و نه از نسخ معانی و مدلولات الفاظ، بلکه از امور خارجی و عینی است [همان، ج ۳: ۲۷]. ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «تأویل قرآن، مدلول الفاظ قرآن نیست، بلکه بالاتر از آن است که شبکه الفاظ بتواند بدان دست یابد. علامه بر این تأکید دارد که همه آیات قرآن دارای تأویل است [همان، ص ۴۹]. او معتقد است، ماورای این قرآن، که آن را می‌خوانیم و معانی‌اش را می‌فهمیم، امر دیگری است که نسبت آن با قرآن، نسبت روح به جسد و ممثل با مثل است.

## فرق تفسیر با تأویل

عده‌ای از محققان معتقدند که تفسیر عبارت است از: «شرح و گزارش لفظی که صرفاً متحمل یک وجه باشد. ولی تأویل توجیه لفظی است که متحمل وجوه و معانی مختلف باشد و مؤول لفظ را با استفاده و استمداد از شواهد، به یکی از آن وجوه حمل کند. به هر حال، در فرق تفسیر و تأویل، اقوال و نظرهای گوناگونی وجود دارد که برخی از آنها را می‌آوریم:

۱. راغب اصفهانی گفته است: تفسیر اعم از تأویل است. تفسیر بیشتر در الفاظ به کار می‌رود و هم در کتاب‌های الهی و

هم در سایر کتاب‌ها واقع می‌شود اما تأویل بیشتر در معانی و جملات به کار می‌رود و اکثراً در کتاب‌های الهی انجام می‌گیرد [راغب اصفهانی، سال ۱۳۷۷: ۳۱].

۲. ابوعلی‌عده و عده‌ای گفته‌اند: «تفسیر و تأویل به یک معنی هستند».

۳. عده‌ای گفته‌اند: «تفسیر تعیین کردن آن است که مراد از الفاظ همین معنی است و شهادت‌دادن به اینکه خداوند همان منظور را از آن لفظ داشته است. پس اگر دلیل قطعی بر آن باشد، صحیح، وگرنه تفسیر به رأی است که از آن نهی شده است (تفسیر غیرمجاز) و تأویل ترجیح‌دادن یکی از احتمالات است بدون قطع و شهادت بر خداوند نسبت به آن [ابن تیمیه، سال ۱۳۷۱: ۸].

۴. برخی گفته‌اند: تفسیر فقط از پیروی و روایت به دست می‌آید و تأویل به استنباط انجام می‌شود [همان، ص ۱۰].

۵. عده‌ای معتقدند، تفسیر بیان وضع الفاظ است به‌طور حقیقت یا مجاز، مانند تفسیر صراط به طریق و تفسیر صیب به مطر. تأویل بیان باطن لفظ است که از اول، یعنی بازگشت به عاقبت امر، گفته شده است. بنابراین، تأویل خبردادن از حقیقت مراد و تفسیر خبر دادن از دلیل مراد است. مانند اینکه خداوند فرموده: «ان ربک لبالمرصاد»، تفسیرش چنین است: مرصاد از «رصد» گرفته شده. رَصَدْتُه یعنی رقبته (آن را زیرنظر گرفتم و مراقبش بودم) تأویل آن چنین است: هشدار از مسامحه در امر خداوند و بر حذر داشتن از غفلت در آمادگی و مهیا بودن برای عرصه بر خداوند [همان، ص ۱۰].

۲. علامه طباطبایی تأویل را مرحله‌ای بالاتر از تفسیر و تنزیل می‌داند. او مراد از تأویل را همان حقایق غیرمحسوس می‌داند که در قالب بیان لفظی بشری نمی‌گنجد.

### منابع

۱. علامه طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ج ۳
  ۲. شاکر، محمدکاظم، روش‌های تأویل آیات
  ۳. ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱
  ۴. راغب اصفهانی، مفردات
  ۵. سیوطی، جدال الوین، الاتقان، ج ۲
  ۶. ابن‌فارس، مقاییس اللغی، ج ۴، ۱۳۶۵
  ۷. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۶، ۱۳۷۸
  ۸. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۸، ۱۳۸۰
  ۹. جوهری، صحاح‌اللغی، ج ۱، ۱۳۷۳
  ۱۰. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ۱۳۷۶
  ۱۱. زرقانی، مناهل‌العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ۱۳۶۰
  ۱۲. معرفت، التمهیر فی علوم القرآن، ج ۱، ۱۳۷۷
  ۱۳. ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ۱۳۷۹
- عده‌ای از محققان معتقدند که تفسیر عبارت است از: «شرح و گزارش لفظی که صرفاً متحمل یک وجه باشد. ولی تأویل توجیه لفظی است که متحمل وجوه و معانی مختلف باشد و مؤول لفظ را با استفاده و استمداد از شواهد، به یکی از آن وجوه حمل کند**

بالندگی و حیات هر عقیده و اندیشه‌ای، به حضور پویا در عرصه‌های فرهنگ و جهت‌دهی به افکار عمومی منوط است. چنین ایده و فکری باید با شناخت مخاطب، هم‌زبانی با او و درک نیازهای عاطفی، معرفتی و رفتاری‌اش تحقق یابد و لازمه آن حضوری مقتدرانه، روشمند، منسجم و برخاسته از پشتوانه عظیم علمی است. مقابله با افکار انحرافی و پاسخ به شبهات و سؤالات مردم رویه‌ای است که در سیره معصومین (علیهم‌السلام) همواره به چشم می‌خورد. هم‌اکنون با توجه به شرایط خاص زمان حاضر که عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات است، ضرورت پرداختن به این موضوع و استفاده از شیوه‌های به روز و کارآمد در این باره بیش از پیش احساس می‌شود. فعالیت‌های وسیع دشمنان در شبیه‌پراکنی که از میان آن‌ها می‌توان به هزینه بالای هفتاد میلیارد دلاری وهابیت علیه تشیع و راهاندازی سایت‌های ضداخلاقی و شبکه‌های ماهواره‌ای مستهجن برای ترویج عقاید فرقه‌های جدید و انحراف نسل جوان اشاره کرد، حکایت از آن دارد که شبهات علیه قرآن در عصر کنونی بی‌سابقه و ضرورت پاسخگویی به آن‌ها انکارناپذیر است.

کلیدواژه‌ها: مراکز یا پایگاه، پاسخگویی سنتی، پاسخگویی اینترنتی، مؤسسات فرهنگی

# سؤال‌انترق پاسخ‌انزمن



## آشنایی با مراکز و پایگاه‌های پاسخگویی به شبهات دینی و قرآنی



- درگاه پاسخگویی به مسائل دینی  
www.porsojoo.com  
- معاونت آموزش و تبلیغ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها  
www.porseman.org  
- واحد پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
www.pasokhgoo.ir  
- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه  
www.andisheqom.com  
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن  
www.maarefquran.com

### مراکز پاسخگویی قدیمی

مراکز و مؤسساتی که به صورت مکتوب، تلفنی یا حضوری فعالیت دارند. از مهم‌ترین آن‌ها مرکز تلفنی پاسخ به سؤالات دینی است که در سال ۱۳۸۵ در قم راه‌اندازی شده است فهرست موضوعی این مراکز نیز در ادامه آمده است.

آثار و کتاب‌های مکتوب و الکترونیک  
- ۲۵ جلد کتاب دانشجویی حاوی سه هزار پرسش و پاسخ برگزیده. نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها.

از زمان انقلاب اسلامی تا به حال تلاش‌های زیادی برای پاسخگویی به شبهات صورت گرفته است و در عین حال، نیاز و عطش موجود در جامعه نه تنها باقی مانده، بلکه در برخی محورها تشدید هم شده است. زیرا از یک سو، حوزه معارف دینی و قرآنی بسیار گسترده‌تر شده و این موضوع مسائل و سؤالات جدیدتری از حیث شکل یا محتوا را باعث شده است. از سوی دیگر، ابزار و رسانه‌های ارائه مطالب بسیار متنوع شده‌اند. در این شرایط، با تأکید علما و مراجع و اهتمام مسئولان، مراکز و مؤسساتی برای گردآوری شبهات مطرح در حوزه قرآن و دین و پاسخ به آن‌ها ایجاد شده است. در این نوشتار قصد داریم مراکز پاسخگویی به شبهات دینی و قرآنی را به‌طور مختصر معرفی کنیم.

## شیوه‌های پاسخگویی به شبهات در عصر ارتباطات

### مراکز پاسخگویی مجازی

مؤسسات و نهادهایی که به صورت مجازی و در فضای اینترنت به فعالیت در این حوزه می‌پردازند، در زمره این دسته مراکز قرار دارند. از میان آن‌ها، پایگاه‌هایی که نسبت به سایر مراکز از کمیت و کیفیت بهتری برخوردارند، عبارت‌اند از:



- پرسمان قرآنی معاد، پرسمان علوم قرآنی، پرسمان قرائت قرآن. مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

- پرسمان حجاب‌شناسی. بخش فرهنگی دفتر آیت‌الله فاضل لنکرانی. انتشارات امیرعلم.

- از تو سؤال می‌کنند، مجموعه سؤالات قرآنی از پیامبر اکرم (ص)، سلسله مباحث تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی. گردآوری ابوالقاسم علیان‌نژادی دامغانی، انتشارات امام علی بن ابی‌طالب (ع).

- «با گام‌های سبز انتظار»، مؤسسه رواق حکمت. دفتر اول از مجموعه «یک دنیا سؤال».

- مجموعه دو جلدی «پاسخ به شبهات وهابیت در پرتو شریعت». نهاد نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

- «گفتمان مهدویت»، مؤسسه فرهنگی انتظار نور. انتشارات بوستان کتاب.

- «پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی»، حجت‌الاسلام محسن قرائتی. مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- شفاعت و زیارت، برگرفته از آثار آیت‌الله جعفر سبحانی. کانون اندیشه جوان.

- «اجوبه شبهات قنایه المستقله»، پاسخ به شبهات وهابی‌ها.

## نشست‌ها و همایش‌ها

برگزاری نشست‌های پرسش و پاسخ در سال‌های اخیر از روند رو به رشدی برخوردار بوده است. از آن‌جا که این جلسات نوعاً با محوریت یک موضوع خاص انجام می‌شود، صرفاً به صورت موردی می‌تواند به پروژه مورد نظر کمک کند. نمونه‌های این جلسات از این قرارند:

- جلسات پرسش و پاسخ دینی در دانشگاه‌ها

- برنامه‌های صدا و سیما

- پرسش‌ها و مشاوره‌های قرآنی در بخش پژوهش

نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم

- سلسله کارگاه‌های تمرین اجرای پاسخگویی به

شبهات دینی در دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان

- نشست‌های علمی همایش قرآن، انسان و پرسش

- سلسله نشست‌های پرسش و پاسخ «گفتمان

دینی» در حرم رضوی.

پاسخگویی به سؤالات نوجوانان و جوانان از ظرافت خاصی برخوردار است و ادبیاتی خاص را می‌طلبد. تمییز بین شبهات و سؤالات نکته دیگری است که باید به آن توجه شود. به بیان دیگر، سطح سؤالات از شبهات پایین‌تر است و با در نظر گرفتن میزان دشواری سؤالات و شبهات، حتی در خود این دو قسمت نیز با طیفی از سؤالات روبه‌رو هستیم.

## بررسی مراکز پاسخگویی به شبهات دینی و قرآنی

مراکز پاسخگویی به شبهات و سؤالات مرتبط با حوزه عمومی دین و حوزه خاص قرآن، در فضای مجازی اینترنت، از تعداد کمی و کیفی خوبی برخوردارند. طبقه‌بندی این پایگاه‌ها چنین است:

(الف) مراکز، پایگاه‌ها و وبلاگ‌های پاسخگویی؛

(ب) پایگاه‌های مناظره و گفت‌وگو؛

(ج) پایگاه‌های بانک پرسش و پاسخ؛

(د) پایگاه‌های مرتبط: وبگاه‌های شخصیت‌ها، مجلات، کتاب، مراکز آموزشی و پژوهشی، مراجع و علما، و سایت‌های موضوعی.

### الف) مراکز، پایگاه‌ها و وبلاگ‌ها

معاونت آموزش و تبلیغ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

www.porseman.org

اداره مشاوره و پاسخ مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها از سال ۱۳۷۳ تاکنون در زمینه مشاوره فعالیت دارد. این اداره ماهانه به ۳۰۰ تا ۴۰۰ سؤال کتبی و ۸۰ تا ۱۰۰ سؤال اینترنتی پاسخ می‌دهد و تاکنون ۸۰۰۰ شبهه و سؤال را از کتاب‌های شیعه و سنی استخراج و در ۱۲ موضوع اصلی طبقه‌بندی کرده است. ۶۰۰۰ پرسش و پاسخ در آرشیو دارد و تعداد ۲۲۰۰۰ پرسش و پاسخ را در نرم‌افزار وارد کرده است.



پرسش و پاسخ برگزیده در بانک پرسش‌ها، بیش از صد مقاله برگزیده در حوزه پاسخگویی در بخش مقالات و آثار و کتاب‌های منتشر شده این مرکز در بخش کتابخانه قرار گرفته است و روز به روز بر حجم آن‌ها افزوده می‌شود.

## ب) پاسخگویی اینترنتی آنلاین

گفت‌وگوی دینی و قرآنی در سایت اسک دین: [www.askdin.com](http://www.askdin.com)  
این سایت که در سال ۱۳۸۸ در راستای پاسخ‌دهی به سؤالات و شبهات در جوامع مجازی راه‌اندازی شد، تحت نظارت مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی و قرآنی است. براساس آمار سایت الکسا، که یکی از معتبرترین سایت‌های آمارگیری جهانی به شمار می‌رود، این سایت یکی از پربازدیدترین سایت‌های مذهبی ایران است.

گفت‌وگوی دینی و قرآنی در سایت اسک قرآن: کانون گفت‌وگوی قرآنی، محیطی برای تبادل نظر در مباحث قرآنی است که در حوزه پاسخگویی تخصصی و عمومی قرآن فعالیت می‌کند.

ب) پاسخ‌گویی زنده آنلاین. با سابقه حضور در پالتاک از سال ۷۹: این مرکز در اواخر سال ۸۵ وارد عرصه جدید پاسخگویی در اینترنت به صورت مستقیم (آن‌لاین) شده و از طریق سایت، یاهو‌مستجر و... به صورت زنده به پرسش‌های مخاطبان پاسخ می‌دهد.

پاسخ‌گویی رسانه‌ای: امروزه اهمیت، گستردگی و تأثیر رسانه‌ها امری واضح و غیرقابل انکار است. مرکز در این حوزه فعالیت‌هایی چون ارائه موضوعات، طراحی محتوا و حتی اجرای برنامه‌های رسانه‌ای به صورت مکتوب، شنیداری و دیداری را با همکاری رسانه‌ها انجام می‌دهد و برنامه‌هایی نیز برای توسعه این بخش در نظر دارد.

## واحد پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

[www.pasokhgoo.ir](http://www.pasokhgoo.ir)  
این واحد در ۱۳۶۲ خورشیدی به همت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تأسیس شد و ماهانه به ۳۵۰ سؤال کتبی و تعداد زیادی سؤال تلفنی پاسخ می‌گوید و تاکنون به حدود ۱۵۰/۰۰۰ سؤال پاسخ گفته است.

واحد بیش از ۲۰۰ جزوه در زمینه پرسش و پاسخ تهیه کرده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: نگاهی گذرا به زندگی‌نامه حضرت زهرا(ع)؛ قلب و حالات آن؛ همسران پیامبر(ص)، فلسفه تعدد زوجات؛ جبر و اختیار و... غیر از کتابخانه عمومی، کتابخانه اختصاصی دارد.



## مرکز ملی پاسخگویی تلفنی به سؤالات دینی

[www.porsojoo.com](http://www.porsojoo.com)

این مرکز بزرگ‌ترین مرکز پاسخگویی شیعه (از لحاظ وسعت موضوعات تخصصی و گستره مخاطبان) در جهان اسلام است که با هدف پاسخگویی تخصصی به سؤالات و شبهات، توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تأسیس شده است و با همکاری استادان و فضلاء حوزه علمیه قم در چهار حوزه پاسخگویی، به پرسش‌های مراجعان پاسخ می‌گوید. در این مرکز، پاسخگویی به سؤالات و شبهات به صورت‌های زیر است:

× پاسخگویی کتبی: با سابقه بیش از سه دهه پاسخگویی، از طریق نامه و ایمیل به سؤالات هموطنان پاسخ مکتوب ارائه می‌دهد. تاکنون به بیش از ۱۰۰۰۰۰ پرسش، پاسخ داده شده است.

× پاسخگویی تلفنی: این واحد با هدف دسترسی آسان و سریع پرسشگران به پاسخ‌ها، از سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را آغاز کرده و با بهره‌گیری از رمز خدماتی (۰۹۶۴۰) به صورت زنده پاسخگوی پرسش‌های مخاطبان است. این بخش با استفاده از ۱۵۰ خط مستقل و بهره‌گیری از ۲۰۰ محقق و متخصص حوزوی در قالب ۱۰۰ کرسی، روزانه به بیش از ۳۵۰۰ تماس تلفنی، که در بردارنده حدود ۸۰۰۰ سؤال است، پاسخ می‌دهد.

## \* پاسخگویی اینترنتی الف) وبگاه پاسخگو

به منظور ارتباط سریع و گسترده با مخاطبان کشوری و جهانی و بهینه‌سازی اطلاعات و استفاده از بایگانی پاسخ‌های موجود در مرکز، راه‌اندازی شده است. تاکنون بیش از ۱۵۰۰



# علل گرایش قرآن به قصه

اشاره

در این مقاله، بعد از بحث لغوی معنای قصه از کتاب‌های گوناگون، به بیان مسئله و اهمیت شیوه داستان‌سرایی قرآن می‌پردازیم. همچنین، اهداف قصه در قرآن، ویژگی‌های قصه‌های قرآنی، علل گرایش قرآن به قصه به صورت اجمالی اما بسیار کاربردی و تأثیر انتقال مفاهیم از قرآن به طور خاص را بررسی می‌کنیم. با این امید که این اثر به مربیانی که در تربیت اخلاقی و قرآنی می‌کوشند، یاری برساند.

مقدمه

طراح قصه‌های قرآن، خداوند حکیم است و بیان آن‌ها به وسیله کتاب با عظمت قرآن صورت گرفته است. این موضوع بسیاری از محققان را بر آن داشته است که از زاویه‌های گوناگون به تحقیق و بررسی قصه‌های قرآنی بپردازند. یکی از روش‌هایی که خداوند در قرآن برای بیان و تفهیم سخنان خود به کار برده، قصه‌گویی است. امتیاز قصه‌های قرآن این است که قصه‌گوی آن خداوند است، خدایی که حکیم است و همه امورش (از جمله خلقت و امر و نهی‌اش) حکیمانه است و قطعاً هدف‌های متعالی الهی را دنبال می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، قصه، کودک، مفاهیم قصه و تربیت

نسرین سجادی‌پور  
بازنویسی: مهدی مروجی





## بحث لغوی

قصه در لغت: واژه «قصه» مفرد «قصص»، کلمه‌ای عربی است که هم به صورت مصدر و هم به صورت اسم آمده است. لغویون این معانی را برای آن برشمرده‌اند: پی‌گرفتن<sup>۱</sup>، روایت کردن<sup>۲</sup>، خبر و سرگذشت<sup>۳</sup> (نحن نقص عليك أحسن القصص...) (یوسف/۳).

قصه در اصطلاح: «قصص» جمع قصه است. گزاره‌هایی از پیشینیان است که با زبان وحی بر پیامبر اسلام (ص) بازگو شده است تا برای بازماندگان مایه عبرت و پندآموزی باشد.<sup>۴</sup>

## مفاهیم قرآنی

واژه‌های کلیدی قرآن همچون «ایمان»، زیربنای مسلمانی هستند و مقوله‌هایی چون کفر، نفاق، توحید، شرک، هدایت و ضلالت، ولایت و برائت، خیر و شر، ثواب و عقاب، عذاب و... دیدگاهی از کلیت مکتب و تفکر قرآنی به خواننده می‌دهند.<sup>۵</sup>

## انواع قصه‌های قرآنی

- قصه‌های پیامبران: مانند قصه‌های نوح، ابراهیم، موسی، هارون، عیسی (علیهم‌السلام)، محمد (صلی‌الله علیه و آله) و انبیای دیگر که شامل دعوت به توحید توسط انبیاء معجزات انبیاء، موضع مخالفان آن‌ها و مراحل دعوت است.
- قصه‌های حوادث گذشته: مانند طالوت و جالوت، فرزندان آدم، اصحاب کهف، ذی‌القرنین و...
- قصه‌های حوادث زمان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله). تنها قصه‌ای که در قرآن به صورت منسجم، هماهنگ و پیوسته آمده، قصه یوسف است که به فرموده خود قرآن، «حسن‌القصص» است. این موضوع موجب شده است که پژوهشگران و قرآن‌شناسان اهتمام خاصی به تفسیر این سوره داشته باشند.

## علل گرایش قرآن به قصه

مقصود از بیان قصه در قرآن کریم، فراهم شدن زمینه‌های سؤال (آیات للسائلین)<sup>۶</sup> و عبرت‌گیری از جریان قصه برای خردمندان است.<sup>۷</sup> خداوند در قرآن، با توجه به ویژگی‌های روحی و روانی انسان و خصایص قصه، معرفت دینی و تبیین حقایق هستی را که هدف و فلسفه بعثت انبیاست، از طریق قصه‌های حقیقی و جذاب بیان کرده است. (حقیقت آفرینش در داستان حضرت آدم، توحید در داستان ابراهیم، و سنت‌های الهی در داستان موسی (ع) و اقوام نوح، لوط، عاد و ثمود تبیین می‌شوند).

## ویژگی‌های قصه‌های قرآن

**واقع‌گرایی:** این گونه نیست که قصه‌های قرآنی تصویرگر تخیلات، آرزوها و امیالی باشند که انسان‌ها در پی آن‌ها هستند. قرآن از راه قصه، در پی سامان‌بخشی به زندگی انسان، حوادثی را بیان می‌کند که با واقعیت‌های معمول همه اعصار هم‌خوانی دارند.

**حقیقت‌جویی:** آنچه در قرآن بازگو شده، حقایق عینی است که هیچ‌گونه وهم و اشتباهی در آن‌ها نیست. قرآن حتی آنجا که مثلی هم می‌زند، بر واقعیت‌های سپری‌شده زندگی انگشت می‌نهد تا از آن‌ها درس‌آموزی شود.<sup>۸</sup>

**پرورش صفات والای انسانی:** حرکت در مسیر تکامل، پس از عقیده به خدا و فرستادگان او و باور داشتن به جهان آخرت، بر پایه اخلاق استوار است. بر این اساس، داستان‌های قرآن دارای گرایشی اخلاقی- تربیتی و در پی رشد و پرورش ایمان به خدا، عمل صالح و رفتار نیک در منش فرد و جامعه هستند.

**حکمت‌آموزی:** قرآن با هدف پرورش انسان، از تجربه‌های تاریخی و واقعیت‌های زندگی او بهره می‌گیرد و از حقایقی که انسان را به سوی حکمت و کمال رهنمون می‌شود، پرده برمی‌دارد. این گونه است که قصه‌های قرآن، حکایت زندگان و پر از آموزه‌های زندگی‌سازند، نه حکایت رفتگان و آشنایی با زندگی‌های سپری‌شده؛ و از این رو برترین سخن است.

**گزینشی بودن و رعایت اجمال:** در قصص قرآن، خداوند حکیم با ظرافت خاصی تنها نکاتی را که برای هدایت و تربیت خواننده مؤثر دانسته، گلچین نموده و به زیبایی در کنار هم قرار داده است. مثلاً در داستان هابیل و قابیل، حسد از زبان قابیل یا هابیل مطرح نشده، بلکه خواننده به حال خود واگذاشته شده است تا این مفهوم را درک کند که حسد، شخص را به کجا می‌کشاند. سپس به اشاره‌ای، نشان می‌دهد که ضروری است انسان تقوا پیشه کند.

**پیام‌داری:** وقتی حضرت یوسف وارد زندان می‌شود و دو صاحب زندانی او، خواب‌های خود را با وی درمیان می‌گذارند و از او تعبیر می‌خواهند، در حالی که خواننده منتظر است حضرت به تعبیر خواب بپردازد، ایشان ترجیح می‌دهند اول از آیین توحید و خداپرستی خود و پدرانش پرده بردارند. سرانجام سؤالی مطرح می‌فرمایند: «یا صاحبی السجن أأرأب متفرقون خير أم الله الواحد القهار» نظیر این مطلب در «سوره نمل» نیز دیده می‌شود. همداد از میان تمام صفات پروردگار، روی عالم بودن خداوند تکیه کرد. ممکن است این انتخاب برای آن باشد که نشان دهد، حضرت سلیمان با همه توانایی و قدرتش از وجود کشور «سبأ» بی‌خبر بود.

**شخصیت‌پردازی:** در داستان‌پردازی مراد از شخصیت، در

خداوند معماری نیست که هر چیزی را بیافریند و در جای خودش بگذارد و آن‌گاه دست بشوید. به همین دلیل، موضوع ربوبیت خداوند در همه قصه‌های قرآن حضور دارد

درجه اول قهرمان داستان است که نقش‌های دیگر به تبع او اجرا می‌شوند و یا حتی حوادث حول محور او به‌وجود می‌آیند. قرآن در شناسایی شخصیت داستان‌ها، نهایت عنایت را به کار برده و به شیوه‌های متفاوت از عهده این مهم برآمده است.

**توصیفی بودن:** باید گفت قسمت بیشتری از شخصیت‌های قرآنی، اعم از شخصیت‌های مثبت یا منفی، به طرز زیبا و به شکل تجسمی و با بیانی غیرمستقیم معرفی شده‌اند. خداوند در معرفی شخصیت‌های مثبت داستان، در مقام تجلیل از شخصیت آنان است. برای مثال، مواعظ لقمان، دعوت به مسائلی است که خداوند بارها از زبان خود، بندگان را به آن‌ها سفارش کرده است.

شخصیت‌های منفی نیز در قرآن به طرز زیبایی توصیف شده‌اند. مثلاً از خصوصیات بارزی که نشان داده شده، یکی این است که آن‌ها خود را در عرض اراده الهی می‌پنداشتند و صریحاً ادعای خدایی می‌کردند: «انا ربکم الاعلی» (نازعات / ۲۴). و یا برای خود استقلال قائل می‌شدند و ثروت را حاصل دانش خود می‌دانستند: «إنما اوتیناه علی علم عندی» (قصص / ۷۸).

## فواید قصه‌های قرآن

- بیان بنیان‌های دعوت و اصول شریعت‌های پیشین. (و ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی می‌فرستادیم که خدایی جز من نیست، پس مرا بپرستید.)
- تقویت روحیه پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) و امت ایشان تا دین او را حق بدانند و نیز اطمینان‌بخشی به مؤمنان درباره شکستن باطل و استعلا حق.
- تصدیق نبوت پیامبران پیشین و زنده کردن نام و یاد آن‌ها.
- تصدیق ادعای محمد (صلی‌الله‌علیه و آله) مبنی بر اینکه آنچه آورده، سخن قاطع است و هزل نیست.
- تحت تأثیر قرار دادن اهل کتاب و بیان تحریف در کتب آسمانی‌شان.
- به‌کارگیری بهترین قالب ادبی برای نفوذ در نفوس مؤمنان همه اعصار.

## اهداف قصه در قرآن

هدف اصلی قرآن از نقل قصه‌ها و داستان‌ها، عبور دادن انسان از گذرگاه‌های تاریک و ترسناک و رساندن او به سرزمین روشنایی‌ها و هدایت است؛ منتها نه براساس خیال‌پردازی و قصه‌آفرینی، بلکه براساس ابتکار و آفرینش هنری در چگونگی گزارش و با اتکا به واقعیت‌های قاطع و تردیدناپذیر. قرآن قصه را برای اثبات یگانگی خدا، وحی و نبوت، نشان دادن نمودهای قدرت الهی، و معرفی سنت‌های تاریخی و اجتماعی به‌کار

می‌برد که در ادامه به بررسی مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

**اثبات نبوت:** یکی از اهداف قصه‌های قرآنی اثبات پیامبری حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه و آله) و وحیانی بودن قرآن است. زیرا کسی که نمی‌خوانده و نمی‌نوشته و هیچ‌کس او را با عالمان یهودی و مسیحی هم‌نشین ندیده است، این‌گونه دقیق و نیکو سرگذشت پیشینیان را بازگو می‌کند. این خود دلیلی استوار است بر اینکه آنچه می‌گوید، سروش غیبی است و از جهان ملکوت بر او وحی شده است و نمی‌تواند برگرفته از کتاب‌های تحریف‌شده و داستان‌های ساخته شده باشد.

**نشان دادن یکپارچگی ادیان آسمانی:** داستان‌های قرآن، از گروهی از انبیا به دنبال هم و با شیوه‌ای خاص و تقریباً یکسان یاد می‌کنند و این حقیقت را آشکار می‌سازند که میان اسلام و دیگر شریعت‌های آسمانی پیوندی استوار برقرار است و اسلام ادامه راه آن‌هاست؛ با این تفاوت که اسلام آخرین و کامل‌ترین دین الهی است (معرفت، ۱۳۸۵: ۵۲۴).

**ترسیم ریشه تاریخی اسلام:** آنچه اسلام آورده است و مردم را به آن فرامی‌خواند، نوآوری و بدعت در امور دین نیست، بلکه اسلام ادامه ادیان توحیدی است و ریشه‌ای کهن و عمیق به درازای تاریخ بشر دارد (همان: ۵۲۵).

**امیدآفرینی در دل پیامبر اسلام:** خداوند در قصه‌های قرآن به فرجام پیامبران که همراه با پیروزی است، اشاره می‌کند و سرانجام تکذیب‌کنندگان دین خدا را نابود می‌خواند. این مطلب سبب آرامش خاطر پیامبر و مؤمنان و استحکام وضع آنان می‌شود.

**بازگویی الطاف حق بر پیامبران:** بیان نعمت‌های خداوند بر بندگان برگزیده و خالص او نیز از اهداف قصص قرآنی است. قرآن گاه به گوشه‌ای از داستان زندگی انبیا و امم آن‌ها اشاره می‌کند تا سنت خداوند را بین بندگان خود روشن سازد و کسانی که مشمول عنایت الهی شده و توفیق کرامت او را یافته‌اند، از آن پند گیرند و برای دیگران نیز اتمام حجت شود.

**نشان دادن محور بودن قصه‌های قرآن:** قصه‌های قرآن از مهم‌ترین قالب‌های بیان‌کننده معارف الهی هستند؛ چنان‌که خداوند در «سوره یوسف» می‌فرماید: «لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثاً یفتی و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمه لقوم یؤمنون» (یوسف / ۱۱۱). علامه طباطبایی در «المیزان» می‌گویند: «تفصیل کلی شیء یعنی بیان هر چیزی که مردم در دین خود برای سعادت دنیا و آخرت، بدان نیاز دارند.»<sup>۱۲</sup>

## شیوه داستان‌سرایی قرآن

**آزادی هنری در داستان‌سرایی:** قرآن کریم بیان خود را به بیان وقایع تاریخی و سایر عواملی که در قصه‌های دیگر

هدد از میان تمام  
صفات پروردگار،  
روی عالم بودن  
خداوند تکیه کرد.  
ممکن است این  
انتخاب برای آن  
باشد که نشان  
دهد حضرت  
سلیمان با همه  
توانایی و قدرتش  
از وجود کشور  
«سبأ» بی‌خبر بود

**ربوبیت الهی:** انبیای الهی همواره کوشیده و بر این پای فشرده‌اند که «خالقیت» و «ربوبیت» جدانشدنی هستند. خداوند معماری نیست که هرچه را بیافریند و در جای خودش بگذارد و آن گاه دست بشوید. به همین دلیل، مسئله ربوبیت خداوند در همه قصه‌های قرآن حضور دارد.<sup>۱۶</sup> آنجا که در قصه حضرت موسی، فرعون می‌پرسد: «رب همه هستی که تو از آن سخن می‌گویی کیست؟» حضرت موسی پاسخ می‌دهد: «رب السماوات و الأرض و ما بینهما» (شعرا/ ۴۲).

در جای دیگری حضرت در برابر سؤال فرعون که پرسید: پروردگار تو کیست؟ می‌گوید: «ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه ثم هدی». پروردگار من کسی است که وجود هر موجودی را (با تجهیزات مخصوص و قوای لازم به خودش) آفرید و سپس او را به سوی هدفش هدایت کرد.

**توکل بر خدا:** هیچ‌کس را قدرتی نیست، مگر قدرتی که خداوند به او داده است. کسی که این اعتقاد را داشته باشد، به غیر از خدا توجهی ندارد. این موضوع به بهترین صورت در قصه‌های قرآنی به تصویر کشیده شده است. مادر حضرت موسی به الهام الهی اعتماد و به خدا توکل کرد و فرزند شیرخواره‌اش را به دریا سپرد. حضرت ابراهیم (ع) نیز به خداوند اعتماد کرد و با توکل به خدا، پسرش اسماعیل را برای قربانی کردن در محضر الهی آماده کرد.<sup>۱۷</sup>

**توجه دادن به معاد:** قرآن مجید در قصه‌ها قسمت مهمی از مسائل تربیتی را از طریق ایمان به معاد و توجه به حساب و کتاب قیامت تعقیب می‌کند. قصه عزیر، پیامبری که پس از ۱۰۰ سال مرد و سپس حیات دوباره یافت، قصه ابراهیم (ع) و زنده شدن مرغ‌های چهارگانه او، و قصه اصحاب کهف، نمونه‌های بارزی از تصویرگری از معاد هستند.<sup>۱۸</sup>

**بیداری وجدان:** قرآن کریم از «وجدان»، با عنوان نفس لوامه (ملامتگر) نام برده و به اهمیت آن در ارشاد و راهنمایی رفتار انسان سوگند یاد کرده است: «و لا اقسم بالنفس اللوامة» (قیامت/ ۲): (چنین نیست که کافران پنداشتند!) قسم به نفس لوامه! در قصه «آدم و حوا»<sup>۱۹</sup> و قصه حضرت یونس (ع): «فالتقمه الحوت و هو ملیم» (صافات/ ۱۴۲)، بیداری وجدان انسان، توأم با ندامت و استغفار به درگاه خدا، به بهترین شکلی به تصویر کشیده شده است.<sup>۲۰</sup>

**امر به معروف و نهی از منکر:** در دیدگاه اسلام، بر همه مردم (چه زن و چه مرد) واجب است که با همه توان، یکدیگر را به نیکی‌ها ترغیب و از منکر نهی کنند. این موضوع در قصه‌های قرآنی به بهترین صورت هنری به تصویر کشیده شده است.<sup>۲۱</sup>

حکمت تکرار در قصه‌های قرآن: برخی از قصه‌های قرآن مانند حضرت موسی (ع) در سوره‌های متفاوت تکرار شده‌اند.

مشاهده می‌شوند، محدود نمی‌کند، بلکه تنها چیزی که به آن توجه دارد، بیان مسائلی است که در هدایت و راهنمایی انسان مؤثرند و راهی را که درست است، به انسان نشان می‌دهند.

**نادیده انگاشتن عناصر تاریخی:** هیچ قصه‌ای در قرآن وجود ندارد که در آن، زمان مورد توجه باشد. در این قصه‌ها به کلی به مکان نیز پرداخته نشده است (مگر مکان‌های پراکنده چندی که آن هم مورد توجه نیست). شخصیت‌ها نیز مد نظر نیستند؛ مگر آنجا که شناخت آن‌ها نقش سازنده و آموزنده‌ای داشته باشد. گزینش عناصری از حادثه که در راستای هدف دخالت مستقیم دارند، خود یکی از اصول و پایه‌های بلاغت است.<sup>۱۳</sup>

**گزینش حادثه‌ها:** قرآن همه حوادثی را که برای یک شخص یا در تاریخ یک امت روی داده است، بازگو نمی‌کند، بلکه تنها به ذکر رویدادهایی که در راستای هدفش قرار می‌گیرد، بسنده می‌کند. به این ترتیب، ذهن مخاطب را درگیر اتفاقاتی می‌کند که زمینه پندآموزی و هدایتی در آن وجود دارد.<sup>۱۴</sup>

**آزادی در گزینش صحنه‌ها:** در داستان‌های قرآنی، حوادث و صحنه‌ها به ترتیب زمانی و مکانی روایت نشده‌اند و سخن به گونه‌ای آراسته شده است که انسان را مجذوب داستان می‌سازد و او را به اندیشیدن و درس‌آموزی وامی‌دارد.<sup>۱۵</sup>

**ترسیم حقایق در قالب داستان:** بسیاری از داستان‌های قرآن کریم ترسیم‌کننده حالت‌های واقعی و حکایتگر امور عینی در جهان هستی هستند؛ چرا که قرآن نازل شده است تا همه چیز را روشن سازد و مایه هدایت و رحمت برای جهانیان باشد.

**رعایت کوتاهی و ایجاز:** از ویژگی‌های قصه‌های قرآن، کوتاهی و ایجاز آن‌هاست. قرآن کریم مستقیم سراغ قلب داستان می‌رود و نقطه اصلی، حساس و حیاتی آن را گزارش می‌کند.

قرآن در بیشتر موارد هنگام نقل قصه، حقایق و موضوعات اعتقادی و اخلاقی، سنت‌های حاکم بر جهان، و یا تشریع و قانون‌گذاری را ذکر می‌کند. به علاوه، احکام شرعی، موعظه و ارشاد، و بیم و امید، همه را با هم می‌آمیزد و از عاطفه، احساس، عقل و ادراک به یک اندازه بهره می‌گیرد. از این رو قصه‌های قرآن سبک ویژه خود را دارند و این سبک خارج از شیوه‌های مرسوم در قصه ادبی است.

**نکات تربیتی قصه‌های قرآن کریم:** در قصه‌های قرآن پند و اندرزهای فراوانی نهفته است. هر کدام از قصه‌ها نیز شامل نکات تربیتی ظریفی هستند که با دقت در آن‌ها می‌توان به برخی پیام‌های آن‌ها دست یافت. در این قسمت به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

علامه طباطبایی  
در «المیزان»  
می‌گویند:  
«تفصیل کلی  
شیء یعنی  
بیان هر چیزی  
که مردم در  
دین خود برای  
سعادت دنیا و  
آخرت، بدان نیاز  
دارند



زیرا ممکن است با یکبار گفتن، پیام‌های هدایتی و تربیتی آن‌ها پایان نیابد. از این‌رو، در مناسبت‌های متفاوت هر بار بخشی از آن تکرار می‌شود و در هر موردی، یکی از اهداف مورد نظر مطرح می‌گردد. گویا خداوند در هر تکرار می‌خواهد نکته‌ای از زندگی این پیامبر بزرگ را بیان کند. علاوه بر این، دعوت اسلامی سیری طولانی داشته و مراحل متفاوتی را پشت‌سر گذاشته است. قرآن نیز هماهنگ با روند این دعوت، به‌صورت تدریجی نازل شده و در نتیجه بنا به ضرورت‌هایی برای رسیدن به اهداف خود به ذکر قصه‌های متعدد و تکرار برخی از آن‌ها پرداخته است. البته انگیزه اصلی تکرار در قصه‌های قرآن، تکمیل تصویرها و افزودن به قدرت تجسم و عینیت، از طریق آوردن عناصر نو به تناسب‌ها فضای بازگویی هر قصه است.<sup>۲۴</sup>

**اثبات اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت:** شیوه قصه‌پردازی در قرآن کریم نمایانگر فصاحت و بلاغت آن، و نشانه نیرومندی کلامی و هنر والای قرآن در صحنه بیان است (صادق‌پور مقدم، ۱۳۷۹: ۱۴۳ و ۱۴۵). قصه‌های قرآن در همان حال که واقعیت‌های تاریخی را بیان می‌کنند، بیش از یک قصیده یا رمان یا نمایش‌نامه بر مخاطب اثر می‌گذارند و او را برمی‌انگیزند.<sup>۲۵</sup>

## نتیجه‌گیری

قرآن کریم کتاب قصه‌گویی نیست، اما در آن از قصه‌گویی برای رسیدن به اهداف الهی استفاده شده که روشی کاملاً بی‌نقص است. خداوند با توجه به مخاطبان

قرآن کریم که همه انسان‌ها هستند، از روش‌هایی در قصه‌های قرآن استفاده کرده است تا معانی و مفاهیم همه فهم باشند.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ترجمه تفسیر المیزان. سید محمدباقر موسوی همدانی. کانون انتشارات محمدی. ۱۳۶۳.
۳. حسینی دشتی، مصطفی. معارف و معارف (دایرةالمعارف جامع اسلامی). مؤسسه فرهنگی آرایه. تهران. ۱۳۷۹.
۴. حسینی (ژرفا)، سید ابوالقاسم. مبانی هنرهای قصه‌های قرآن. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما. تهران. ۱۳۷۹.
۵. حسینی، محمد. ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن. ققنوس. تهران. ۱۳۸۲.
۶. حکیمی، محمود و کاموس، مهدی. مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان. آرون. تهران. ۱۳۸۳.
۷. رهگذر، رضا. قلمرو ادبیات کودکان. حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. تهران. ۱۳۶۹.
۸. صادق‌پورمقدم، محمدحسین. پژوهشی نو در قصص قرآن. دانشگاه علوم اسلامی رضوی. مشهد. ۱۳۷۹.
۹. محدثی، جواد. واژه‌ها و مفاهیم قرآنی. جامعه‌القرآن کریم. ۱۳۸۳.
۱۰. معرفت، محمدهادی. نقد شبهات پیرامون قرآن کریم. ترجمه حسن حکیم‌باشی، علی‌اکبر رستمی علیزاده و حسن خرقانی. چاپ اول. انتشارات تمهید. قم. ۱۳۸۵.
۱۱. معین، محمد. فرهنگ فارسی. امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۹.
۱۲. مهدوی، سید سعید. نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن. مؤسسه بوستان کتاب. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. قم. ۱۳۸۱.
۱۳. نفیسی، علی‌اکبر. فرهنگ نفیسی. خیام. (بی‌جا)، (بی‌تا).



# العالم المبر

## گلچینی از جلوه‌های جمال در سوره‌های قرآن، سوره حمد

علی چراغی

دبیر ادبیات زبان عربی

اشاره

شاید در کلاس‌های درسی مورد استفاده قرار گیرد و فرزندان ما بیش از پیش برای انس با قرآن انگیزه پیدا کنند. در شماره‌های قبل بخشی از این مقاله تقدیم شد و اینک ادامه آن پیش روی شماست.

کلیدواژه‌ها: حمد، قرآن، ام‌الکتاب، سوره، سبع المثانی

قرآن، کتاب خدا و معجزه جاودانه اوست. با آن انس و جن را به تحدی طلبید تا اگر می‌توانند نظیر آن یا سوره‌ای چون آن را بیاورند. اما هیچ‌کس را یارای آن نبود که با آن هم‌وردی کند؛ از بس شکوهمند و متعالی است و در آن، لفظ و مضمون به گونه‌ای بی‌نظیر در خدمت یکدیگرند.

مراد از اعجاز قرآن و تحدی در زمان نزول آن، قطعاً اعجاز علمی نبوده اگر چه برای دوره‌های بعد تحدی علمی هم می‌باشد، بلکه اعجاز از نظر لغت و بیان که سخت مورد توجه عرب‌زبانان است بوده زیرا جامعه بی‌سواد عرب را با علوم دیگر آشنایی نبوده است تا خداوند اعجاز علمی قرآن را به رخ آنان بکشد. این بعد از اعجاز قرآن، برای عصر ما و دوره‌های بعد از ماست که بشر توانسته است بر مختصری از علوم غیرادبی دست یابد.

خداوند متعال تمام سخن‌دانان و سخن‌سنجان را برای آوردن نظیر قرآن به مبارزه طلبیده است، چون می‌داند هیچ سخنوری را یارای مقابله با آن نیست و هرگاه گام در این راه نهاد، خود را رسوا ساخت.

به راستی چرا کسی را توانایی آوردن همسان قرآن نیست؟ پاسخ به این پرسش کاملاً روشن است. زیرا در قرآن مجید، دقت در اختیار مفردات شگفت‌انگیز است و هر واژه‌ای در جایی قرار گرفته است که باید باشد. اگر آن را با کلمه مترادف دیگری جای‌گزین کنند یا آن را مقدم و مؤخر کنند یا هر تغییر دیگری در آن به وجود آورند، دیگر معنای مورد نظر را القا نخواهد کرد. هدف از این مجموعه مقالات آن است که اگر خدا توفیق دهد، حتی‌المقدور گوشه‌هایی از این بُعد از اعجاز قرآن را در تمام سوره‌ها به عرض دبیران ارجمند قرآن، دینی برسانم؛

۱. «رب العالمین» بودن مفهوم برخوردار بودن از همه صفات حسنی الهی را می‌رساند و مناسب‌ترین عبارتی است که می‌تواند بعد از «الحمد لله» آورده شود، هیچ عبارتی نمی‌تواند جای آن را بگیرد و همین مفهوم را برساند، زیرا «رب» هم مالک است و هم سیتد، مربی، منعم و قیّم؛ و از این جهت، بیش از هر کس دیگری سزاوار «حمد» است.

۲. در لغت، جمع «عالم»، «عوالم» است و اینکه آن را به صورت «العالمین» آورده، بدان سبب است که جمع مذکر سالم بر عقلای مکلف دلالت دارد و غیرعقلا را شامل نمی‌شود. در تأیید این مطلب می‌توان آیه زیر را استشهد نمود: «تبارک الذی نزل علی عبده الفرقان لیكون للعالمین نذیراً» (فرقان/ ۱): (بزرگ و خجسته است کسی که بر بنده خود فرقان را نازل فرمود تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد) تأکید این هشدار نمی‌تواند چهارپایان، جمادات و امثال آنان باشد، بلکه مقصود از «العالمین» عاقلان مکلف است و «عوالم» بر موجوداتی اطلاق می‌شود که قطعاً «بشر» و عقلای مکلف جزو آن‌ها نیستند، بلکه بر موجوداتی چون جمادات، حشرات و حیوانات اطلاق می‌گردد.

۳. آوردن لفظ «العالمین» که بر عقلای مکلف دلالت دارد، از نظر معنی با ادامه آیات سوره (یاک نعبد و یاک نستعین، إهدنا الصراط المستقیم) که به عقلای مکلف اختصاص دارند، متناسب است.





در برخی قرائت‌ها «مَلِكِ یوم الدِّین» آمده است اما چندان مهم نیست؛ زیرا در مورد انسان‌ها است که «مالک» و «مَلِكِ» تفاوت دارند. بدین معنی که هر «مَلِکی» مالک هم هست اما هر «مالکی» الزاماً «مَلِكِ» نیست

۴. در این سوره تا حد زیادی «عبادت» با «الله» قرین و «رب» با «مرئی» مقتن شده و این رویه در کُلِّ قرآن لحاظ گردیده است؛ مثل: طه/ ۱۲۲؛ الأعلى/ ۱-۳؛ أنعام/ ۱۶۱؛ کهف/ ۲۴؛ شعراء/ ۶۲؛ صافات/ ۹۹؛ قصص/ ۲۲.

## الرحمن الرحیم

پیش از این درخصوص «الرحمن الرحیم» توضیح لازم داده شده است و در اینجا فقط یادآور می‌شویم که «رحمن» و «رحیم» از اسماء حسناى الهی هستند و اسماء الله عین ذات اویند؛ از این رو می‌توان فهمید که خداوند با آوردن «الرحمن» و «الرحیم» پس از «رب العالمین» خواسته است این معنا را القا کند که مرئی چه در مقام «مرئی» باشد و چه در مقام «سید»، «قیّم» و... باید پیوسته متّصف و آراسته به «رحمت» باشد نه «قسوت».

## مالک یوم الدین

۱. در برخی قرائت‌ها «مَلِكِ یوم الدِّین» آمده است اما چندان مهم نیست؛ زیرا در مورد انسان‌ها «مالک» و «مَلِكِ» تفاوت دارند. بدین معنی که هر «مَلِکی» مالک هم هست اما هر «مالکی» الزاماً «مَلِكِ» نیست اما در مورد خداوند متعال، «مَلِكِ» بودن او عین «مالک» بودن و «مالک» بودنش عین «مَلِكِ» بودن اوست؛ زیرا مراد از «یوم الدِّین» در این آیه «روز قیامت» است که هیچ انسانی در عالم هستی زندگی نمی‌کند تا «مالک» یا «مَلِكِ» باشد و همه موجودات زنده، از جمله انسان‌ها، با صور اول اسرافیل (ع) به مردگان می‌پیوندند تا اینکه برای رسیدگی به حسابشان، در صور دوم دمیده می‌شود تا همه مردگان زنده و محشور شوند و در آن روز کسی جز ذات اقدس باری تعالی «مالک» و «مَلِكِ» نیست.

۲. ممکن است سؤال شود که چرا خداوند متعال فرمود: «مالک الدین و الدنیا»؟

پاسخ به این سؤال روشن است؛ زیرا «الحمد لله رب العالمین» در آیه قبل، پادشاهی و مالک بودن خداوند را در دنیا القای کند و آیه «مالک یوم الدِّین»، مفهوم مالکیت خدا را بر دنیا و آخرت می‌رساند. بنابراین دیگر نیاز به آوردن لفظ «دنیا» با «یوم الدین» نیست.

۳. به جای «مالک یوم الدین» فرموده است: «مالک یوم القیامه»؛ چون:

واژه «دین» هم به معنی «جزاء» است، هم «حساب»، هم «طاعت» و هم «قهر». از این رو، هم با «رب العالمین» تناسب بیشتری دارد و هم با عقلای مکلفی که «یوم الدین» به سرنوشت آن‌ها تعلق دارد. از طرف دیگر، در «یوم القیامه» اموری هست که با «جزاء» و مآلاً با عقلای مکلف ارتباطی ندارد اما تمام معانی «دین» به عقلای مکلف تعلق دارد.

۴. با توجه به امکان نداشتن تملک «یوم»، چرا فرموده است: «مالک یوم الدین»؟

بلی، «یوم» را فرموده اما مراد هر که و هر چیزی است که در روز است نه خود روز؛ بدین معنی که خداوند بر همه موجودات و حوادث آن روز مالکیت و ملکیت مطلق دارد. از طرف دیگر، آوردن لفظ «یوم» با «الحمد لله رب العالمین» پیوستگی عجیبی پیدا می‌کند و این مفهوم را می‌رساند که پروردگار از ازل تا ابد شایسته حمد و ستایش است.

پی‌نوشت

۱. برخی بر این باورند که «العالمین» مفرد از جنس خود را ندارد.



پای صحبت محمدرضا عاقل‌زاده،  
معاون ستاد اقامه نماز آموزش و پرورش

## اقامه نماز یا اقامه نماز جماعت؟

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
یونس باقری

ما با ستاد مرکزی اقامه نماز هم ارتباطی داریم. طبق مصوبه هیئت دولت، بالاترین مقام هر دستگاه، مسئول اقامه نماز در آن دستگاه است. بدین ترتیب، مسئول اقامه نماز در وزارت آموزش و پرورش هم وزیر است. این مصوبه طبق تبصره‌ای به وزیر اجازه می‌دهد یکی از معاونان خود را به عنوان جانشین خود و مسئول ستاد اقامه نماز معرفی کند. در آموزش و پرورش معمولاً معاون پرورشی به این سمت منصوب می‌شود. اکنون با ابلاغ وزیر، معاون پرورشی، مسئول ستاد مرکزی، اقامه نماز است.

● شما چگونه به ترویج و توسعه فرهنگ نماز می‌پردازید؟ آیا مبحث و موضوع مشخصی دارید؟ آیا این کار در اوقات خاصی صورت می‌گیرد؟

بامحمدرضا عاقل‌زاده، معاون ستاد اقامه نماز وزارت آموزش و پرورش درباره برنامه‌ها، هدف‌ها و دستاوردهای اقامه نماز در مدراس به گفت‌وگو نشستیم. ضمن اینکه برخی از نارسایی‌ها نیز مطرح شد. حاصل این گفت‌وگو را پیش رو دارید.

● ستاد اقامه نماز با اداره‌های کل استان و مدارس چه رابطه‌ای دارد و این رابطه بر چه اساسی برقرار می‌شود؟  
○ این ستاد، متناظر تشکیلات خود، در استان‌ها همکارانی را به عنوان کارشناس مسئول و کارشناس اقامه نماز دارد. در تمام استان‌ها هم در گروه قرآن، نماز و عترت همکارانی داریم. مسئولیت نماز، قرآن و عترت با رئیس گروه است. ارتباط ما در ستاد اقامه نماز وزارتخانه با مناطق از طریق کارشناس مسئول و کارشناس اقامه نماز برقرار می‌شود.



## تا گفته می‌شود: «باید بخوانی»، «باید امتحان

بدهی»، دافعه به وجود می‌آورد.  
اگر داوطلبانه باشد، علاقه‌مندان با میل و  
رغبت می‌آیند. اکنون فعالیت ستاد اقامه  
نماز در وزارت آموزش و پرورش، حداقل  
در حوزه فعالیت معاونت پرورشی،  
فعالیتی فوق برنامه است

در برنامه ستاد اقامه نماز مقرر است که ان شاء الله  
دانش آموزان در دوره ابتدایی نماز را به صورت کامل یاد بگیرند  
و قدم به پایه‌های بالاتر بگذارند.

■ آشنا کردن دانش آموزان با مرجعیت و تقلید؛ به اعتقاد  
ما اگر دانش آموزان با موضوع مرجعیت آشنا شوند و با مرجعیت  
پیوند بخورند، به فرایض و مسائل دینی‌شان توجه می‌کنند.  
به نظر می‌رسد، در حال حاضر در مسائل تربیتی کشور،  
حلقه مفقوده بزرگی داریم. موضوع مرجعیت دینی در کتاب  
درسی دانش آموزان آمده است. برای آشنایی با این موضوع،  
طرحی را آماده کرده‌ایم با عنوان «در مسیر شکوفایی»، برای  
دانش آموزانی که در آستانه سن تکلیف قرار دارند. کتابی هم با  
همین عنوان چاپ می‌شود که در آن فلسفه تقلید و مرجعیت،  
علت وجود مرجعیت، و اهمیت و ضرورت تقلید از مرجع دینی  
آمده است. همچنین به سؤال‌های مربوط در این حوزه پاسخ  
لازم و در سطح درک دانش آموزان داده شده است. این کتاب  
هر سال با شمارگان یک میلیون و ۲۰۰ هزار نسخه چاپ و  
رایگان به دانش آموزان در سن تکلیف اهدا می‌شود.

■ برگزاری «جشن شکوفایی» یا «جشن عبادت»؛ این  
جشن برای دانش آموزان دختر سوم ابتدایی و دانش آموزان  
پسر سوم راهنمایی برگزار می‌شود؛ گرچه زیاد گسترده نیست.  
سعی ما این است که آن را از حالت تشریفاتی کنونی درآوریم  
و متوجه هدف‌هایی کنیم که از روز اول برای جشن عبادت  
تعریف شده است.

■ اجرای سه مسابقه در میان دانش آموزان؛ الف) مسابقه  
اذان؛ ویژه پسران؛ ب) مسابقه احکام؛ ج) مسابقه انشای نماز.  
این سه مسابقه در طول سال برای دانش آموزان دو دوره  
راهنمایی و متوسطه برگزار می‌شود. آخرین آمارها نشان  
می‌دهند که بین ۲ تا ۲/۵ میلیون دانش آموز در مرحله  
آموزشگاهی در این مسابقه‌ها شرکت می‌کنند.  
هر مسابقه هم در چهار مرحله برگزار می‌شود؛

○ فعالیت‌های معاونت پرورشی فوق برنامه است. برای  
مثال، در حوزه قرآن - که حوزه تخصصی مجله رشد آموزش  
قرآن است - در آموزش و پرورش دو بخش داریم؛ بخشی جزو  
متن برنامه است که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی،  
در فضای آموزش رسمی دنبال می‌شود و بخش دیگر، در حوزه  
فعالیت‌های پرورشی قرار می‌گیرد که در فوق برنامه‌های مربوط  
به حوزه قرآن پیگیری می‌شود. من اصرار دارم که فعالیت‌های  
پرورشی، فوق برنامه بماند؛ زیرا ایجاد جذابیت می‌کند. تا  
گفته می‌شود: «باید بخوانی»، «باید امتحان بدهی»، دافعه  
به وجود می‌آورد. اگر داوطلبانه باشد، علاقه‌مندان با میل  
و رغبت می‌آیند. اکنون فعالیت ستاد اقامه نماز در وزارت  
آموزش و پرورش، حداقل در حوزه فعالیت معاونت پرورشی،  
فعالیتی فوق برنامه است.

بدین ترتیب تمام مسابقات، برنامه‌های آموزشی و  
طرح‌های ملی اقامه نماز با عنوان «فعالیت فوق برنامه» اجرا  
می‌شوند.

● لطفاً درباره «برنامه ملی» اقامه نماز هم توضیح دهید.  
ما شش برنامه ملی تعریف کرده‌ایم که همکاران ما در  
سطوح متفاوت اجرای آن را به صورت وظیفه به عهده دارند.  
در کنار این شش برنامه ملی، امکان دارد برنامه‌های ابتکاری و  
پراکنده زیادی نیز اجرا شود.  
شش برنامه ملی عبارت‌اند از:

■ آموزش عملی نماز در دوره ابتدایی؛ در این طرح  
ستاد اقامه نماز در میان آموزگاران پایه‌های ابتدایی فراخوان  
داده است که نماز را به صورت عملی به دانش آموزان یاد  
بدهند. معلمان داوطلبانه برای اجرای این برنامه ثبت‌نام  
می‌کنند و در پایان سال، پس از ارزیابی، به آنانی که عملکرد  
بهتری داشته‌اند، هدایایی به همراه لوح تقدیر تقدیم می‌شود.  
البته ادعا نمی‌کنیم که در تمام مدارس آموزش عملی  
نماز رواج دارد. در این برنامه، معلمان آنچه را درباره نماز در  
کتاب درسی دارند، به صورت کامل اجرا می‌کنند. مثلاً بچه‌ها  
را کنار شیر آب مدرسه می‌برند و وضو گرفتن را با رعایت  
ترتیب کار یاد می‌دهند.

چگونگی خواندن نماز در کتاب‌های درسی اول ابتدایی تا  
کلاس‌های بالاتر آمده است که همان آموزش نظری است. اما  
در کار عملی، معلم دانش آموزان را به نمازخانه مدرسه - در  
صورت وجود - و در غیر این صورت به مکان مناسبی می‌برد  
و اگر هیچ کدام از این فضاها را ندارد، در همان کلاس درس  
و با پهن کردن سجاده، نماز را به طور عملی آموزش می‌دهد.  
ابتدا خودش نماز را با ترتیب کامل انجام می‌دهد و بعد، از  
دانش آموزان می‌خواهد نماز را برگزار کنند.

حوزه اقامه نماز اجرا می کنند و جلسه پرسش و پاسخ در کنار اقامه نماز مدارس برگزار می شود.

● در چند مدرسه نماز جماعت به صورت مرتب برگزار می شود؟ چه تعداد از نماز جماعت ها را روحانیون اقامه می کنند؟

○ در حال حاضر در طول سال تحصیلی، بیش از ۱۸ هزار نفر امام جماعت با آموزش و پرورش همکاری دارند. علاوه بر این عده، ۳۵ هزار نفر معلم نیز در مدارس امامت جماعت دانش آموزان را به عهده دارند. این عده از همکاران فرهنگی در مدارس نماز را اقامه می کنند که امام جماعت روحانی نداریم. بیش از ۳۵ هزار باب از مدارس نمازخانه دارند. در سال ۱۳۸۸ بیش از ۱۰ هزار باب از نمازخانه ها بهسازی و تجهیز شده اند. برای امامان جماعت و معلمان مجری طرح آموزش عملی نماز، دوره های آموزشی در مجموعه آموزش های ضمن خدمت برگزار کرده ایم. تاکنون پنج دوره آموزش ضمن خدمت با موضوع نماز تعریف و تشکیل شد. این راه هایی هستند که برای ترویج و توسعه فرهنگ نماز در سطح آموزش و پرورش کشور دنبال می شوند.

● شما شرکت در نماز جماعت را تشویق و ترویج می کنید یا اقامه نماز را؟  
○ در درجه اول شرکت در نماز جماعت را ترویج می کنیم.

آموزشگاهی، منطقه ای، استانی و کشوری. مسابقه در دو رشته احکام و انشای نماز را در مرحله کشوری، در قالب جشنواره برگزار می کنیم و رقابتی نیست، اما مسابقه اذان رقابتی است و دانش آموزان مؤذن از رتبه اول تا پنجم انتخاب و معرفی می شوند.

■ طرح پیوند مدارس با مساجد و نمازهای جمعه؛ این طرح از گذشته در خیلی از مدارس اجرا شد. جاهایی که مدارس در جوار مسجد قرار دارند، مدیران علاقه مند، بچه ها را به مسجد می بردند، اما براساس پیام سال گذشته مقام معظم رهبری به اجلاس نوزدهم اقامه نماز که فرمودند پیوند بین مدرسه و مسجد دقیق تر و عمیق تر شود، دستورالعملی تهیه کرده و به مدارس فرستاده ایم که در آن چگونگی پیوند مدرسه و مسجد و نماز جمعه مشخص تر تعریف شده است.

■ برگزاری جلسات گفت و گوی دینی؛ این جلسات به صورت پرسش و پاسخ برگزار می شود و موضوع آن ها نیز دینی و با شبیه ها و پاسخ به آن ها همراه است. حوزه های علمیه سراسر کشور در برگزاری این جلسات همکاری خوبی با آموزش و پرورش دارند. این برنامه ها رسمی و ملی اند. برای اجرای برنامه گفت و گوی دینی، اعتبار تعریف شده است و ابلاغ اعتبار می شود.

این برنامه مراحل مختلف دارد؛ مرحله کشوری آن را ستاد مستقر در وزارتخانه برگزار می کند. از استان ها هم گزارش کار می خواهیم. در استان ها، مناطق و مدارس، این برنامه را در



## بر اساس

### پیام مقام معظم رهبری

#### به اجلاس نوزدهم اقامه نماز که

#### فرمودند پیوند بین مدرسه و مسجد

#### دقیق تر و عمیق تر شود، دستورالعملی تهیه

#### کرده و به مدارس فرستادیم که در آن

#### چگونگی پیوند مدرسه و مسجد و نماز جمعه

#### مشخص تر تعریف شده است

باید در نظر داشت که امام جماعت‌ها هم در جذب نمازگزاران تأثیر دارند. این موضوع به مدرسه و بیرون از آن ربطی ندارد. بلکه باید ویژگی هر امام جماعتی باشد که در هر مکانی اقامه نماز می‌کند؛ اگر امام جماعت قادر به برقراری رابطه حسنه با نمازگزاران و به طور کلی افراد اجتماع باشد و بتواند به پرسش‌ها و شبهه‌های احتمالی آن‌ها به صورت منطقی، مستدل و همراه با صبر و حوصله و براساس فهم هر کس پاسخ بگوید، به طور قطع در جذب نمازگزاران برای اقامه نماز جماعت و رجوع افراد بیشتر به مسجد موفق تر خواهد بود.

#### ● استاد اقامه نماز در آموزش و پرورش چه ویژگی‌هایی

را برای انتخاب امام جماعت‌ها در نظر می‌گیرد؟ و با چه شرط‌هایی آنان را برای اقامه نماز وارد مدارس می‌کند؟

طرحی را با عنوان «طرح ساماندهی ائمه جماعت مدارس» نوشته‌ایم. در این طرح مشخص است که امام جماعت دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در مدارس دخترانه و پسرانه باید چه کسی و با چه سابقه و توانایی‌ها باشد. بعد هم از همه همکاران در تمام سطوح خواسته‌ایم ضوابط را رعایت کنند. البته درصدی از مدارس این ضوابط را رعایت نمی‌کنند و نادیده می‌گیرند.

#### ● مفادی از ضوابط را بیان فرمایید.

○ برای نمونه، روحانی جوانی که قدرت قصه‌گویی دارد و برای دوره ابتدایی مناسب است، نباید برای رفتن به متوسطه انتخاب شود. نیز آن روحانی که توانایی پاسخگویی به شبهات را دارد، باید در متوسطه پسرانه اقامه نماز کند. روحانی صاحب اثر یا محقق در زمینه‌ای خاص مناسب متوسطه است. ما طلبه‌ها و روحانیون آشنا با زبان خارجی و رایانه داریم. اینان نباید به دوره ابتدایی بروند. بلکه باید در دوره متوسطه اقامه نماز کنند؛ زیرا داشتن این ویژگی‌ها خود ایجاد جاذبه می‌کند.

#### ● به نظر شما این روش، رویکرد مناسبی است؟

○ اساس کار، نهادینه کردن اقامه نماز است، ولی باید از جایی شروع کرد که پیامبر اکرم (ص) آغاز کرد. پیامبر خدا (ص) تبلیغ علنی خود را ابتدا از نماز جماعت شروع کرد. برای اینکه بچه‌ها با نماز مأنوس شوند و انس با نماز در آن‌ها نهادینه شود، باید بچه‌ها را در فعالیت‌های عمومی اقامه نماز ببینید. با حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت است که انس با نماز نهادینه می‌شود.

#### ● در حقیقت، شما جمع‌گرایی را در ترویج و تثبیت

اقامه نماز در بین دانش‌آموزان (نسل جوان به طور کلی) مؤثر می‌دانید.

○ قطعاً! در بچه‌ها جمع‌گرایی و شرکت در جماعت ایجاد انگیزه می‌کند. خداوند سبحان هم مشوق اقامه نماز جماعت است و اصل اقامه نماز هم برگزاری به جماعت است. رویکرد آموزش و پرورش همین است؛ توجه به اقامه نماز به جماعت و ایجاد انس با آن در درجه اول. اگر کسی با نماز جماعت خو گرفت، آیا در جایی که نماز به جماعت ممکن نشد، نمازش را فرادا نمی‌خواند؟ حتماً می‌خواند. «چون که صد آید نود هم پیش ماست.» اما معلوم نیست فردی که فرادا نماز می‌خواند، در نماز جماعت شرکت کند.

#### ● آمارهایی که برخی از مدیران مدارس می‌دهند، خیلی

مطمئن نیست. آیا ستاد اقامه نماز پژوهش آکادمیک، مدون و مستقلی در رابطه با تعداد دانش‌آموزان شرکت‌کننده در نماز جماعت مدارس انجام داده است؟

#### ○ عاقل‌زاده: بفرمایید پژوهش مدون چیست؟

● یعنی ستاد اقامه نماز، پس از پژوهش میدانی، نتیجه بگیرد این تعداد از دانش‌آموزان در نماز شرکت می‌کنند. چقدر از دوره راهنمایی و چند نفر از متوسطه. نسبت میان پسران و دختران نمازگزار چنین است و آمار دقیق بدهد.

شما را به بانک تحقیقات ستاد مرکزی اقامه نماز ارجاع

می‌دهم.

#### ● آیا آمار مربوط به مدارس را هم دارند؟

○ اکثر آمارها به آموزش و پرورش مربوط است. ستاد مرکزی اقامه نماز، بانکی به نام «بانک پژوهش‌های نماز» دارد. حجم بسیار وسیعی آمار از دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، از پسران و دختران دانش‌آموز، در مناطق گوناگون، به تفکیک ذخیره شده است.



اجباری به نماز) سه بار تکرار شود، مسئولان اداره باید با مدیر آن مدرسه برخورد کنند. ستاد اقامه نماز منتقد جدی چنین روش‌هایی است.

## تأکید می‌کنیم که دانش‌آموزان را اجباری

به نماز نبرند. بر آگاهی‌بخشی،  
فرهنگ‌سازی و تشویق و ترغیب تأکید  
داریم. همکاران ما در استان‌ها و مناطق  
موظفانند اگر تشخیص دادند که غیر از این  
در جایی اتفاق می‌افتد با خاطی برخورد کنند

● از امامان جماعت زن هم در مدارس استفاده می‌کنید؟  
○ بله! حدود ۲۰۰۰ نفر از امامان جماعت مدارس،  
طلبه‌های خواهرند. در مناطقی که طلبه روحانی مرد نیست،  
از طلبه‌های حوزه‌های علمیه خواهران برای اقامه نماز مدارس  
دخترانه دعوت می‌کنیم. برای این کار، ستاد اقامه نماز از  
مراجع عظام تقلید، استفتا کرده است. خیلی از مراجع با  
شرایطی اقامه نماز از سوی خواهران را پذیرفتند و چند نفر  
هم گفتند اگر روحانی مرد نیست، اشکالی ندارد.

● می‌توانید داشتن امام جماعت خانم را به دوره  
متوسطه دخترانه تعمیم بدهید.  
○ در بعضی از مدارس دخترانه امام جماعت خانم را  
نمی‌پذیرند. برای این که اقتدا به امام جماعت خانم فرهنگ  
نشده و به آن عادت نکرده‌اند. البته بیشتر به مشی امام  
جماعت بستگی دارد.

● در مسابقه اذان چند نفر شرکت می‌کنند؟  
○ در مرحله آموزشگاهی بین ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر.

● یعنی از هر مدرسه یک نفر به منطقه معرفی می‌شود؟  
○ این کار می‌شود، اما اجباری در آن نیست؛ زیرا فعالیت  
فوق برنامه به حساب می‌آید.

● احساس می‌کنم در سطح مدرسه مسابقه برگزار  
نمی‌شود. مربی تربیتی یکی دو نفر را که صدای خوب دارند،  
معرفی می‌کند.  
○ بنده به این کار نقد دارم، ولی این کار هم بشود عجیب  
نیست.

● خب! هر سال این کار تکرار می‌شود.  
○ این اتفاق نمی‌افتد. امسال بیستمین دوره مسابقه اذان را  
در مشهد با عنوان یادواره مرحوم آقاسی برگزار کردیم. خیلی  
از متخصصان، اذان آقاسی را نمی‌شناسند. یک کلیپ هم  
درباره ایشان ساخته نشده است. می‌توان گفت بعد از مرحوم  
مؤذن زاده، ایشان دومین مؤذن ایران است. اذان وی در حرم  
حضرت امام رضا(ع) پخش می‌شود.

● مناطق به اصطلاح توسعه یافته، مدارس با امکانات  
بیشتر دارند، اما در مناطق دور و محروم، محرومیت‌ها

ما سن و سال امام جماعت را هم در طرح ساماندهی  
تعریف کرده‌ایم تا روحانی مسن را به پایه ابتدایی نفرستیم.  
یادآور شوم برای امام جماعت‌های مدارس، سه دوره  
آموزشی (مقدماتی، تکمیلی و پیشرفته) تعریف کرده‌ایم. تا  
به حال ۲۰۰۰ نفر از امام جماعت‌های مدارس در دوره‌های  
آموزشی که در مشهد برگزار شده است، شرکت کرده‌اند.  
از ۱۸۰۰۰ نفری که در سلک روحانی، نماز جماعت  
را در مدارس برگزار می‌کنند، ۴۰۰۰ هزار نفرشان رسمی  
آموزش و پرورش‌اند، یعنی مثلاً هم معلم عربی و هم امام  
جماعت هستند. فقط برای روحانیانی که آموزش و پرورشی  
نیستند و اقامه نماز را به عهده دارند، این سه سطح آموزش  
را تعریف کرده‌ایم. تا به حال ۲۰۰۰ نفر از این گروه، آموزش  
دوره مقدماتی را دیده‌اند. ۸۰۰ نفر هم در دوره تکمیلی شرکت  
کرده‌اند، اما تا به حال دوره پیشرفته برگزار نشده است. در  
این دوره‌ها قصد این است که توان طلاب و روحانیان را به  
سطح نیازهای آموزش و پرورش نزدیک کنیم. اینان متخصص  
در علم دین‌اند. پس بهتر است با فضا و نیازهای محیط  
آموزش و پرورش هم آشنا شوند تا عملکردشان موفق‌تر باشد.

● آیا فکر کرده‌اید که چگونه می‌توانید عده‌ای از  
مسئولان مدارس را که دانش‌آموزان را به اجبار به نماز  
می‌برند از این کار بازدارید؟

○ ما در تمام دستورالعمل‌ها، گرهمایی‌ها و همایش‌ها  
تأکید می‌کنیم که دانش‌آموزان را اجباری به نماز نبرند. بر  
آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی و تشویق و ترغیب تأکید داریم.  
همکاران ما در استان‌ها و مناطق موظفانند اگر تشخیص دادند  
که این اتفاق در جایی می‌افتد با خاطی برخورد کنند.  
در شیوه‌نامه‌ای که امسال به استان‌ها ابلاغ شد، کاملاً بر  
این نکته که نماز دانش‌آموزان باید بدون اجبار و اکراه اقامه  
شود، تأکید شده است؛ اما اگر در مدرسه‌ای این اتفاق (بردن

## اولین استانی که برای ساختن نمازخانه اعلام بی‌نیازی کرده است، استان یزد است. این استان بالاترین سرانه نمازخانه را در کشور دارد و استان تهران پایین‌ترین را

### ● برنامه‌ریزی متمرکز ندارید؟

○ نداریم! برنامه‌های ملی برنامه متمرکز ماست. از موضع ستاد وارد جزئیات کار استان‌ها نمی‌شویم.

● به نظر شما چه ضعف‌هایی در آموزش و پرورش وجود دارد که ستاد اقامه نماز را در رسیدن به اهدافش با مشکل مواجه می‌کند؟

○ ترویج و گسترش فرهنگ نماز دغدغه همه نیست و این مهم‌ترین مشکل است.

● جناب عالی به حضور داوطلبانه ۱۵ درصد از دانش‌آموزان در نماز اشاره کردید. این آمار به چند سال پیش مربوط است؟

○ دو سال پیش؛ سال ۱۳۸۸.

● برای تعیین تغییرات حضور دانش‌آموزان در نماز، هر چند سال می‌خواهید آمار بگیرید؟

○ ما باید برای تعیین اثربخشی فعالیت‌ها برنامه‌ای را تعریف کنیم.

### ● ستاد اقامه نماز نشریه هم دارد؟

○ فقط پایگاه اطلاع‌رسانی داریم که زیرمجموعه پُرتال وزارتخانه است. سایت فعال و به روزی است. همکاران ما در استان‌ها در رساندن اخبار به ما کمک می‌کنند. نشانی پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد اقامه نماز چنین است:

W W W . N A M A Z . M E D U . I R

من از مخاطبان عزیز مجله وزین رشد آموزش قرآن استدعا دارم بیش از گذشته به حوزه اقامه نماز آموزش و پرورش عنایت داشته باشند. بهترین ذخیره‌ای که برای ما می‌ماند، همین است که دانش‌آموزان عزیز را هر چه بیشتر و بهتر با خدا و نماز آشنا کنیم. این کار هم فقط از راه رفتار احسن عملی می‌شود.

به مدارس هم تسری می‌یابد. آیا برای این مناطق برنامه ویژه‌ای دارید؟

○ کاملاً! عرض کردم که برنامه ملی اعتبار دارد. اگر برخی اعتبارها را به شهر تهران اختصاص بدهیم، دردی از آن دوا نمی‌کند. با دو میلیون تومان هر برنامه ملی، در تهران چه می‌توان کرد؟ اما اگر همین اعتبار را به ایلام، یاسوج، خراسان شمالی، خراسان جنوبی بدهید، خوب است.

ما در بخش تخصیص اعتبار، برخی از پول‌ها را به برخی از مناطق برخوردار اصلاً نمی‌دهیم. در موضوع فرش در سال ۸۸ که مطرح کردم، به برخی از استان‌ها و مناطق یارانه‌ای اختصاص ندادیم. اما در برخی از استان‌ها، کل هزینه فرش نمازخانه‌های مدارس را آموزش و پرورش تأمین کرد. یعنی بخشی را ستاد اقامه نماز و بخشی را اداره کل استان تأمین کرد. ما باید جدول پلکانی داشته باشیم و با توجه به طیفی از محرومیت‌ها که با آن‌ها مواجهیم و اساس این جدول، به مناطق محروم برسیم. ما برنامه‌ای را مهیا کرده‌ایم - گرچه اعتراف می‌کنم تا به حال فعال برخورد نکرده‌ایم - اما اجرای این برنامه را به ویژه در استان هرمزگان شروع کرده‌ایم.

### ● آیا از تعداد نمازخانه‌هایی که در مناطق دورافتاده و

محروم شهری و روستایی دایر کرده‌اید، آماری دارید؟

○ در تأسیس نمازخانه، اولویت اول ما ساختن نمازخانه در دوره‌های متوسطه پسرانه با جمعیت بالاست. تا وقتی چنین مدارسی وجود دارند، کمتر نوبت به غیر آن‌ها می‌رسد؛ به ویژه که روستاها کمتر دوره متوسطه را دارند. بیشتر مجتمع‌های آموزشی و پرورشی در روستاها، ابتدایی‌اند و جمعیت دانش‌آموزی آن‌ها هم زیاد نیست. در این وضعیت، نوبت به روستاها نمی‌رسد.

### ● منظور من فقط روستاها نیست، بلکه هدف مناطق

محروم؛ اعم از شهری و روستایی؛ شهرهای کوچک یا بزرگ مورد نظر هستند.

○ برای اطلاع می‌گویم که با آمارگیری، رتبه استان‌ها را در نیاز آن‌ها به نمازخانه مشخص کرده‌ایم. اولین استانی که برای ساختن نمازخانه اعلام بی‌نیازی کرده است، استان یزد است. این استان بالاترین سرانه نمازخانه را در کشور دارد و استان تهران پایین‌ترین را. لذا ما به این نیازها توجه می‌کنیم.

● همه از معلمان دینی و قرآن انتظار دارند که در زمینه اقامه نماز و ترویج فرهنگ نماز پیشتاز باشند. آیا در کارهایتان از جمله نماز، با این گروه از معلمان ارتباط دارید؟

○ این موارد در حوزه استان‌ها تعریف می‌شود.



سعید حسام پور  
عظیم جبارہ  
دبیران درس دینی و قرآن



# شماره

چکیده

گفت و گو درباره موسیقی در قرآن، از مباحث بحث انگیزی است که همواره موافقان و مخالفان زیادی داشته است؛ به گونه ای که در نتیجه این مباحث دو گروه با دو شیوه فکری کاملاً متفاوت پدید آمده اند. درباره قرآن و علوم قرآنی تاکنون پژوهش های زیادی انجام شده اما آن چه تا کنون کمتر به آن پرداخته اند، مقامات قرآنی و پیوند آن با آیات قرآن است.

در این جستار، کوشیده ایم با نگاهی تازه و با بررسی نظام تلاوت استاد برجسته فن قرائت شحات انور پیوند میان مقامات با معانی و مفاهیم آیات تاثیر آن در تلاوت مشخص شود.

گفتنی است در این پژوهش، تلاوت های مجلسی استاد یاد شده مبنای بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: شحات انور، تلاوت، قاریان، مقامات، بیات،

رست

اشاره

تلاوت: شیوه تلاوت استاد شحات انور از دیدگاه مقام شناسی این گونه است که ابتدا قرار و جواب مقام بیات را تلاوت می کند. سپس در بیشتر موارد وارد مقام رست می شود و قرار و جواب این مقام را اجرا می کند و یا وارد مقام سه گاه می شود و در این مقام تلاوت می کند. پس از سه گاه وارد حجاز می شود. سپس گوشه هایی از مقام بیات را تلاوت و آن گاه به مقام صبا منتقل می شود. وی معمولاً سه گاه و چهارگاه را به شکل ترکیبی تلاوت می کند و بالاخره با تلاوت جواب جواب مقام بیات تلاوت خویش را به پایان می برد.

ویژگی های تلاوت: اگر قاریان را از لحاظ پسند مخاطبان به سه دسته قاریان خواص پسند، قاریان عامه پسند و قاریانی که مورد توجه خواص و عوام هستند، تقسیم کنیم، استاد شحات انور، با قدری مسامحه، در زمره گروه سوم قرار می گیرد. وی در زمره



## در مقام مقایسه می‌توان شحات انور را با حافظ سنجید؛ چرا که هر دو از مواد خام و اولیه معجونی سحرآمیز می‌سازند؛ یکی با کلام خویش و دیگری با صدای خویش

از وی قاری کم‌نظیری ساخته است. در مقام مقایسه می‌توان وی را با حافظ سنجید؛ چرا که هر دو از مواد خام و اولیه معجونی سحرآمیز می‌سازند؛ یکی با کلام خویش و دیگری با صدای خویش.

### تناسب میان مقام و مفهوم آیات

مطلب بسیار مهم در تلاوت ایشان آن است که «دستگاه‌های موسیقی و حتی نواختن آن‌ها را در مدت دو سال فرا گرفته است» (قاسم احمد، ۱۳۷۴: ۸۰). بنابراین، بر مقامات موسیقی اشراف داشته و به رعایت تناسب میان مقام و مفهوم پایبندند. یکی دیگر از رموز زیبایی تلاوت ایشان که نادیده انگاشته می‌شود، این است که ایشان حافظ قرآن نیز هست. همین امر موجب اشراف بیشتر در تلاوت می‌شود. او خود در این باره می‌گوید: «شرط اساسی برای قاری شدن، حافظ بودن است و با این شرط درواقع انسان اهمیت قاری بودن را می‌یابد» (قاسم احمد، ۱۳۷۴: ۸۰).

حال یکی از زیباترین تلاوت‌های ایشان از آیات ۷ تا ۱۳ سوره طه را بررسی می‌کنیم: آیات ۷ تا ۱۳ سوره طه: وهل اناک حدیث موسی (۹) اذ رآنا را فقال لاهله امکنوا ائی ءانست نارا لعلی ءاتیک منها بقبس أو أجد علی النار هدی (۱۰) فلما أتاها نودی یا موسی (۱۱) ائی أنارک فأخلع نعلیک اناک بالواد المقدس طوی (۱۲) و انا اخترک فاستمع لما یوحی (۱۳).

و آیا خبر موسی به تو رسیده است (۹) هنگامی که [از دور] آتشی مشاهده کرد و به خانواده خود گفت [آندکی] درنگ کنید که من آتشی دیدم، شاید شعله‌ای از آن برای شما بیاورم یا به وسیله آن راه را پیدا کنم (۱۰). هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که ای موسی (۱۱) من پروردگار توام. کفش‌هایت را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس (طوی) هستی (۱۲) و من تو را [برای مقام رسالت] برگزیدم. اکنون به آنچه بر تو وحی می‌شود گوش فرا ده. (۱۳).

از آیه ۹ سوره طه داستان حضرت موسی آغاز می‌شود و در بیش از ۸۰ آیه بخش‌های مهمی از زندگی پرماجرایی او به تصویر کشیده می‌شود. داستان با یک سؤال آغاز می‌شود: آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ «بدیهی است که این استفهام برای کسب خبر نیست که او از همه اسرار آگاه است، بلکه به تعبیر معروف استفهام تقریری است یا به تعبیر دیگر استفهامی است که مقدمه بیان خبری مهم

قاریان حرفه‌ای به شمار می‌رود. تکنیک‌های لحنی و صوتی در تلاوت وی نقش اساسی و عمده دارد. یکی از فنونی که همواره از آن بهره می‌گیرد، ترکیب خوانی است. برای مثال، بیات شوری را با رمل، به صورت ترکیبی می‌خواند و یا سه گاه را با چهار گاه.

از دیگر فنونی که استاد از آن بهره می‌گیرد، تحریرهای بسیار زیباست. نکته مهم درباره تحریرهای ایشان این است که آن‌ها را متناسب با معنا و مفهوم آیات اجرا می‌کند. هر چند خاصیت تحریر به گونه‌ای است که حتی بدون رعایت تناسب هم می‌تواند زیبا و دل‌نشین باشد، اما رعایت این تناسب می‌تواند زیبایی تلاوت را دوچندان کند. برای نمونه، شحات انور در تلاوت آیه ۱۴۵ سوره نساء (ان المنافقین فی الدرك الاسفل من النار ولن تجد لهم نصیرا)، با تحریر پلکانی معکوس، به طرز بسیار زیبا در کات دوزخ را به تصویر می‌کشد. به بیانی روشن‌تر، با پلکانی کردن صدا، در کات دوزخ را به شکلی ملموس برای شنونده ترسیم می‌کند.

از دیگر ویژگی‌های بارز تلاوت وی متنوع خوانی است. وی متناسب با حال و مقام (جایگاه) از ساده‌خوانی (صدای ممتدی که دخالتی در تغییر حالت قاری ایجاد نمی‌کند)، موجی خوانی (ایجاد حالتی موج‌وار در صدای ممتد)، تحریر خوانی (اجرای تحریر در صدای موجی یا ممتد)، جهش خوانی (پرتاب یکباره صوت به طبقات بالای صوتی)، معکوس خوانی (حرکت پایین رونده صوت از موقعیت کنونی به سمت طبقات پایین صوتی) و نهفت خوانی (استفاده از پایین‌ترین طبقه صوتی در تلاوت) که همگی از ابزار تنوع لحن هستند، بهره می‌گیرد. این عامل باعث شده است که تلاوت وی متنوع و پرتبوتاب و بی‌قرار باشد.

به طور کلی، تلاوت وی از لحاظ فنی تلاوتی است پرتحریر، سه حرکتی (قرار، جواب، جواب جواب) پرتحرک و در یک کلام ممتاز. صدا: از لحاظ تقسیم‌بندی صداها، صدای وی در زمره صداها می‌تواند متوسط به بالا قرار می‌گیرد و کیفیت آن به گونه‌ای است که می‌تواند زیرترین صداها و بم‌ترین آن‌ها را تلاوت کند. دیگر این که صدای وی قدرت مانور بسیار بالایی دارد؛ به گونه‌ای که طبقات صوتی بالا را به راحتی اجرا می‌کند. خاصیت دیگر صدای وی طنین و حجم بالای آن است که شنونده را مسحور خویش می‌سازد. در نوعی تقسیم‌بندی، قاریان به دو دسته قاریان صاحب سبک و قاریان مقلد تقسیم می‌شوند که دسته دوم، خود به دو گروه یکی مقلدان صرف و دیگری کسانی که به تقلید و تألیف می‌پردازند، تقسیم می‌شوند.

شحات انور در دسته دوم جای می‌گیرد، اما از آن گروهی هست که به تألیف می‌پردازند. بدین معنا که آنچه را از دیگران می‌گیرد، در کارگاه تلاوت خویش بازآفرینی و با کیفیتی وصف‌ناشدنی و کاملاً متفاوت به شنونده ارائه می‌کند. پرداخت عالی او به گونه‌ای است که

است؛ همان گونه که در زبان روزمره نیز هنگام شروع به یک خبر مهم می‌گوییم آیا این خبر را شنیده‌ای؟ (مکارم شیرازی، جلد ۱۳: ۱۶۶). از دیدگاه معانی و بیان، شروع یک داستان یا حکایت به صورت پرسشی، نه تنها بر فصاحت و بلاغت کلام می‌افزاید بلکه هم ذهن و روح شنونده را متوجه کلام می‌سازد و هم طرح پرسش موجب ایجاد حس کنجکاوی و بی‌قراری در مخاطب می‌شود. شروع داستان موسی با این پرسش که «آیا خبر موسی به تو رسیده است، نه تنها ذهن و روح مخاطب را به تسخیر خویش درمی‌آورد، بلکه نوعی حس کنجکاوی و بی‌قراری در او ایجاد می‌کند که خود منشأ پرسشی دیگر در ذهن مخاطب می‌شود. ماجرای موسی چیست؟ پیامد این پرسش تلاش ذهنی مخاطب برای یافتن پاسخ پرسش خویش است. نوع چینش کلمات در آیه و کوتاه بودن پرسش این معنا را تقویت می‌کند. تأکید و تفریر خبر برای مثال وقتی گفته می‌شود: خبر داری از خسروان عجم؟ که کردند بازبردستان ستم

با شنیدن مصرع اول مخاطب متوجه کلام می‌شود و با مصرع دوم که در حکم جواب مصرع اول است موضوع در ذهن او با تأکید بیشتری جانشین می‌شود. دیگر اینکه موجب استیناس (انس گرفتن مخاطب و سر صحبت را باز کردن) می‌شود. در ادامه خداوند داستان موسی را باز می‌گوید. بی‌شک داستانی چنین پررمزوراز، نیازمند راوی توانایی است؛ کسی که بتواند از عهده روایت آن به خوبی برآید. قاری، هنگام تلاوت یک داستان قرآنی، علاوه بر اینکه در مقام قاری قرآن است، باید ایفاگر نقش قصه‌گو نیز باشد.

پارهای از قاریان بدون در نظر گرفتن نقش دوم (قصه‌گویی) به تلاوت آیات می‌پردازند.

قاری قصه‌گو همچون مادر بزرگ دلسوزی است که با صبر و حوصله بسیار و بعضاً با تأکید جملات، با لحنی آرام و عاری از تکلف، تک‌تک کلمات را در ذهن فرزند خویش جای می‌دهد. حضور فیزیکی مادر بزرگ در کنار کودک، عامل مهمی در لذت بردن کودک از قصه است. قرائت‌کننده‌ای که نقش دوم را نادیده می‌گیرد، همچون نوار ضبط شده‌ای است که ممکن است برای دقایقی کودک را سرگرم کند، اما هرگز نمی‌تواند معنا و مفهوم کلام را در جان او زنده کند. برای فهم بهتر این موضوع کافی است تلاوت شحات انور از سوره طه را بشنویم.

## ویژگی‌های این تلاوت

۱. انتخاب مقام رسست: همان گونه که پیش از این گفته شد، رسست، ناله انسان دست از همه چیز شسته برای رسیدن به بهشت است. اجرای این مقام موجب برانگیخته شدن حس مردانگی و شجاعت، جسارت و حرکت برای کشف حقیقت می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌نویسد: «سیاق آیه و آیات بعدی شهادت می‌دهد بر اینکه این جریان در مراجعت موسی به

سوی مصر اتفاق افتاده و اهلش نیز با او بوده و این واقعه نزدیکی‌های وادی طور سینا، در شبی سرد و تاریک اتفاق افتاده است، در حالی که راه را گم کرده بودند» (طباطبایی، جلد ۱۴: ۱۹۰).

موسی به دنبال آتشی است تا در پرتو آن گرم شود و یا هدایتگری که راه را به او بنماید. موسی به دنبال گرمای دنیوی است؛ آتشی که بتواند در آن شب وی را از سرما برهاند یا راهنمایی که راه دنیوی را به وی نشان دهد. غافل از آنکه گرمابخش حقیقی و هدایتگر جاوید در انتظار اوست.

شحات انور برای تلاوت این آیات مقام رسست را برمی‌گزیند؛ چون بهترین شیوه برای روایت سرگذشت انسان‌های حقیقت‌جوست و روایت داستانی چون داستان موسی که پر از فراز و نشیب است به مقامی نیاز دارد که قدرت مانور بالا و قابلیت انعطاف‌پذیری داشته باشد؛ به گونه‌ای که قاری بتواند با توجه به معنا و مضمون آیه، گوشه مناسب را برگزیند و به تلاوت بپردازد. همچنین، رسست مقامی است بسیار گسترده که قاری می‌تواند در بخش‌های مختلف تلاوت خود از آن بهره‌گیرد. کیفیت لحنی این مقام به گونه‌ای است که شخص را به حرکت و تلاش فرا می‌خواند و نوعی حس بی‌قراری و اضطراب را در او پدید می‌آورد. با توجه به آنچه ذکر شد، رسست، بهترین قالب برای تلاوت این آیات است.

آیات ۹ تا ۱۳ سوره طه، همچون فیلم کوتاهی است و هر آیه یک سکانس را تشکیل می‌دهد. تفاوت قاری با کارگردان فیلم کوتاه این است که کارگردان بر شیوه عملکرد عوامل اجرایی مانند: تصویردار، صدابردار و بازیگران نظارت می‌کند، اما قاری علاوه بر کارگردانی، کارگردانی هنری، صدابرداری و... را نیز بر عهده دارد.

تلاوت تمام عیار، همچون فیلم کوتاهی است که تمامی عناصر آن در بالاترین سطح قرار دارند.

شحات انور با گزینش مقام رسست برای تلاوت این آیات، ابتدا فضا و قالب مناسب را برای روایت برمی‌گزیند. سپس دست در دست موسی به سوی آتش رهسپار می‌شود.

سبک روایت: شحات انور آیات را به گونه‌ای تلاوت می‌کند که گویی حادثه‌ای را که به چشم خویش دیده است برای شنونده باز می‌گوید. راوی چیره‌دست، پیوسته مخاطب را تشنه نگاه می‌دارد و کام او را برنمی‌آورد؛ همچون ساقی‌ای که آب در دست ایستاده و جرعه جرعه به فرد تشنه می‌نوشاند. وی با تأکید و تکرار آیه اول، ابتدا حس تشنگی را در شنونده ایجاد می‌کند و سپس به تدریج کام او را برمی‌آورد.

گذر از مواضع وقف و ابتدا: به این معنا که ایشان علاوه بر موضعی که در قرآن برای وقف مشخص شده است، آنجا که خود لازم می‌داند (با توجه به معنا و سیاق کلام) وقف می‌کند. برای مثال، روی لفظ «بقیس» وقف می‌کند؛ حال آنکه روی آن هیچ کدام از علائم وقف وجود ندارد.

این امر درباره پارهای از قاریان نقص به شمار می‌رود؛ چرا که

شاید بتوان گفت ایشان به دو دلیل بر لفظ «بقبس» وقف می‌کند: ۱. معنای کلام کامل است و نقصی در ابلاغ معنای کلام ایجاد نمی‌کند. ۲. با توجه به اینکه کلمه بعد از «بقبس» او، است، شنونده را در حالت انتظار نگه می‌دارد تا بقیه ماجرا را برایش روایت کند

قاری به دلیل تنظیم نکردن تنفس خود دچار کمبود نفس می‌شود و به ناچار، بی آنکه دلیلی بلاغی یا معنایی داشته باشد، وقف می‌کند. در حالی که برخی دیگر همچون شحات انور، از این موضوع مانند فنی فوق‌العاده مؤثر در القای بهتر معنا و مفهوم استفاده می‌کنند. برای نمونه، در همین تلاوت، شاید بتوان گفت ایشان به دو دلیل بر لفظ «بقبس» وقف می‌کند: ۱. معنای کلام کامل است و نقصی در ابلاغ معنای کلام ایجاد نمی‌کند. ۲. با توجه به اینکه کلمه بعد از «بقبس» او است، شنونده را در حالت انتظار نگه می‌دارد تا بقیه ماجرا را برایش روایت کند.

در تلاوت آیه ۱۳ از همین سوره (وانا اخترتک فاستمع لما یوحی) نه تنها روی لفظ «فاستمع» که هیچ یک از علائم وقف را ندارد، وقف می‌کند، بلکه سه بار این آیه را تا همین لفظ می‌خواند و سپس در مرتبه چهارم آیه را به صورت کامل تلاوت می‌کند. باید توجه داشت که تأکید روی هر سه لفظ «انا، اخترتک و فاستمع» است.

برای فهم بهتر دلیل این وقف و تأکید به تفسیرالمیزان رجوع می‌کنیم. وقتی موسی ندای «یا موسی انی انا ربک» را شنید به طور یقین از آن فهمید که صاحب ندا پروردگار او و کلام، کلام اوست. چون کلام مذکور وحی از خدا بود به او، که خدای تعالی تصریح کرده بر اینکه خدا با احدی جز به وحی یا از ورای حجاب یا به ارسال رسول تکلم نمی‌کند، هر چه بخواهد به اذن خود وحی می‌کند... میان خدا و کسی که خدا با او تکلم می‌کند، در صورتی که به وسیله رسول یا حجاب کسی نباشد و تنها وحی صورت گیرد، هیچ واسطه‌ای نیست و وقتی هیچ واسطه‌ای نبود، شخص مورد وحی کسی را جز خدا هم کلام خود نمی‌یابد و در همتای خطور نمی‌کند و غیر کلام او کلامی را نمی‌شنود» (ترجمه المیزان، ج ۱۴: ۱۹۱).

بنابراین، تأکید بر «انا» تأکید بر این امر است که مرجع ضمیر انا، خداوند متعال است و تأکید بر برگزیده شدن موسی به پیامبری است.

درباره تأکید بر «فاستمع» نیز اولین نکته، ایجاد حس بی‌تابی و کنجکاوی در شنونده است. کنجکاوی برای اینکه بداند خداوند چه چیزی را به موسی خواهد گفت.

شحات انور با نوع تحریری که در تلاوت «فاستمع» به کار می‌گیرد (تحریر پلکانی به سمت پایین)، نه تنها در شنونده شور و هیجان به وجود می‌آورد، بلکه اهمیت موضوع (اینکه خداوند به موسی چه خواهد گفت) را نیز به ذهن شنونده القا می‌کند.

پرداختن به تمام تلاوت‌های ایشان از این دیدگاه مجال گسترده‌تری می‌خواهد و خود نیازمند کتابی است حجیم و مستقل. در پایان، برخی از تلاوت‌های ایشان را که از لحاظ ارتباط مقام و مفهوم در اوج هستند، با ذکر مقام و محدوده آن برمی‌شماریم:

قرار مقام بیات: سوره آل عمران، آیه ۲۶، تلاوت مجلسی.

قرار مقام بیات: سوره کهف، آیات ۱۰۷ الی ۱۱۰، تلاوت مجلسی.

قرار مقام بیات: سوره احزاب، آیات ۳۸ الی ۴۰، تلاوت مجلسی.

جواب مقام بیات: سوره کهف، آیات ۱۱۰، ۱۰۸، ۱۰۷، تلاوت

مجلسی.

جواب جواب مقام بیات: سوره انعام، آیه ۱۰۷، تلاوت مجلسی.

جواب جواب مقام بیات: سوره ماعون، تلاوت مجلسی.

\*\*\*

جواب مقام رست: سوره تین، آیات ۳-۱، تلاوت مجلسی.

جواب مقام رست: سوره علق، آیات ۳-۱، تلاوت مجلسی.

جواب مقام رست: سوره یس، آیه ۴۷، تلاوت مجلسی.

جواب جواب مقام رست: سوره تین، آیات ۷-۸، تلاوت مجلسی.

قرار مقام رست: سوره الزلزله، آیات ۳-۱ و آیه ۸، تلاوت مجلسی.

\*\*\*

قرار مقام عجم: سوره علق، آیات ۵-۲، تلاوت مجلسی.

جواب مقام عجم: سوره تکوین، آیات ۸-۵، تلاوت مجلسی.

جواب جواب مقام عجم: سوره المائده، آیه ۱۱۴، تلاوت مجلسی.

xxx

قرار مقام سه گاه: سوره شمس، آیات ۶ الی ۱۵، تلاوت مجلسی.

جواب مقام سه گاه: سوره بینه، آیه اول، تلاوت مجلسی.

جواب جواب مقام سه گاه: سوره قریش، آیات ۲-۱، تلاوت مجلسی.

تقطیع: سوره آل عمران، آیه ۲۰، تلاوت مجلسی.

\*\*\*

قرار مقام صبا: سوره عادیات، آیات ۸-۱، تلاوت مجلسی.

قرار مقام صبا: سوره نازعات، آیات ۳۳-۳۱، تلاوت مجلسی.

جواب جواب مقام صبا: سوره عادیات، آیه ۱۰، تلاوت مجلسی.

تقطیع: سوره نازعات، آیه ۳۵، تلاوت مجلسی.

عجم: سوره عادیات، آیه ۹، تلاوت مجلسی.

\*\*\*

جواب مقام حجاز: سوره فاطر، آیه ۱۵، تلاوت مجلسی.

جواب مقام حجاز: سوره فیل، آیات ۱-۲، تلاوت مجلسی.

\*\*\*

قرار مقام نهانند: سوره طه، آیه ۴۸-۴۵، تلاوت مجلسی.

جواب جواب مقام نهانند: سوره طه، آیات ۵۰، ۴۶ و ۴۹، تلاوت

مجلسی

جواب مقام نهانند: سوره یس، آیات ۴۴ و ۴۳، تلاوت مجلسی.



# راهنمای برنامه درسی

## درس آشنایی با مفردات قرآن

رشته علوم و معارف اسلامی - دوره متوسطه



مقدمه

قد جاءكم من الله نور و كتاب مبين  
يهدى به الله من اتبع رضوانه سبيل السلام  
و يخرجهم من الظلمات الى النور باذنه  
و يهديهم الى صراط مستقيم (مائده / ۱۵ و ۱۶).

قرآن یک سفره‌ای است که انداخته شده است برای همه طبقات. یعنی یک زبانی دارد که این زبان، هم زبان عامه مردم است و هم زبان فلاسفه است و هم زبان عرفای اصطلاحی است و هم زبان اهل معرفت به حسب واقع.  
امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۵۶

سپاس بی‌کران خدای رحمان را که کتاب مبین و نور و رحمت خویش را بر ما ارزانی داشت؛ کتابی که پیوندگان مسیر رضوان الهی را به راه‌های امن و سلامت هدایت می‌کند و از ظلمت‌های نفس و شیطان‌های می‌بخشد و به حقیقت صراط مستقیم هدایتشان می‌کند.  
قرآن کریم بزرگ‌ترین هدیه الهی برای انسان‌هاست که ایشان را به سوی سعادت جاودانی راه می‌نماید.

قرآن مهم‌ترین دلیل بر حقانیت اسلام و رسالت پیامبر گرامی (ص) است که با بیان اعجاز آمیزش حجت را بر همه آدمیان تمام می‌کند.  
قرآن معتبرترین سند برای اثبات معارف و احکام اسلامی است که خدای متعال بقای آن را ضمانت فرموده و از تحریف مصونش داشته است.

قرآن برترین و آخرین پیام خداوند، یکی از دو گوهر گران‌بهای به جامانده از پیامبر گرامی اسلام (ص)، سرچشمه جوشان معارف اسلامی و مدار و محور اتحاد مسلمانان است. این اقیانوس بیکران که به ژرفای حقایق آن نمی‌توان رسید و شگفتی‌هایش را پایانی نیست، پایه‌ای زمان همانند خورشید و ماه بر همه ملت‌ها، در طول زمان، می‌تابد و راه‌گشای انسان‌های تشنه حقیقت می‌شود.

نخستین گام برای ورود به دریای بی‌کران قرآن و نوشیدن معارف حیات‌بخش آن، داشتن این باور است که این کتاب حاوی هدایت الهی و کلید رستگاری است و هر انسانی که بر فطرت الهی خویش باشد، یعنی از کفر، ظلم، فسق، گناه و زشتی دوری گزیند، به میزان ظرفیت خویش از این هدایت بهره‌مند می‌شود. بدیهی است که بهره‌مندی از لایه‌های عمیق و گسترده بی‌پایان قرآن کریم به شرایط خاصی وابسته است.

کلیدواژه‌ها: راهنمای برنامه درسی، مفردات قرآن، رشته علوم و معارف اسلامی، دوره متوسطه



## اهمیت و عظمت قرآن

قرآن کلام خدا و ودیعهٔ پیامبر اکرم (ص) است. کتابی است که خداوند در آن بر بندگانش تجلی کرده (فتجلی لهم سبحانه فی کتابه...) و پیامبر آن را به همراه عترت پاک خویش به عنوان دو ثقل گران بها برای ما به یادگار نهاده است (انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی...).

کتابی است که نه در انتسابش به خالق شک و ریب راه دارد و نه در صدق دعوی و داعیهٔ هدایتگری اش.

شفای تمام دردهاست (و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین<sup>۱</sup>). لذا سرلوحهٔ تمام نعمت‌هاست؛ چرا که وقتی در سوره الرحمن نعم و آلاء الهی را شمارش می‌کند، قبل از همهٔ نعمت‌ها، تعلیم قرآن را یادآور می‌شود «الرحمن، علم القرآن...»

این کتاب چنان ارزشمند و عظیم است که پدیدآورنده‌اش به آن سوگند یاد می‌کند «یس و القرآن الحکیم»<sup>۲</sup> و اگر بر کوه‌ها نازل شده بود، آن‌ها را متلاشی می‌کرد «لأریته خاشعاً متصدعاً من خشیه الله»<sup>۳</sup>. پس بر ماست که با بهره‌مندی مستمر از آن، کرامت انسانی خویش را پاس داریم و شکر این نعمت بی‌مثال را به جای آوریم.

## ارزش و مقام معلم قرآن

معلم قرآن به جهت عظمت و جایگاه قرآن، مقام رفیع و ارزشمندی دارد و باید به‌خاطر این نعمت بزرگ، صمیمانه شاکر درگاه الهی باشد و به دلیل بهره‌مندی از نعمت عظمای هدایت و ولایت سپاس خویش را به محضرش تقدیم دارد؛ نعمتی که همهٔ مؤمنان حقیقی بدان مفتخرند اما جمعی از موهبتی ویژه برخوردارند؛ آن‌ها که «قرآن» را پس از فراگرفتن به دیگران نیز می‌آموزند و مصداق این سخن رسول اکرم (ص) هستند که «خیرکم من تعلم القرآن و علمه». از این‌رو باید گفت که معلم قرآن اولاً وظیفهٔ شکرگزاری ویژه از محضر ربوبی را دارند و ثانیاً امانت گران‌سنگی را بر دوش می‌کشند. پس باید بسیار تلاش کنند تا امر خطیر آموزش قرآن را به خوبی به انجام رسانند؛ زیرا همه با این سؤال مهم روبه‌رو هستیم که آیا نسل نورستهٔ امروز، فردایی قرین با قرآن خواهد داشت؟

مثبت‌بودن پاسخ این پرسش در گرو اهتمام و تلاش همهٔ دست‌اندرکاران برنامهٔ آموزش قرآن در سطح ملی است اما سهم معلمان قرآن از این خوان دوچندان و بلکه چندین برابر است؛ زیرا آنان در خط مقدم‌اند.

## ضرورت و جایگاه دروس تفسیر و علوم قرآنی در رشتهٔ علوم و معارف اسلامی

قرآن پیام روشن الهی است که همهٔ انسان‌ها را به راستی و رستگاری دعوت می‌کند. از صدر اسلام تاکنون، آموزش این پیام جاودانهٔ الهی از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت در میان مسلمانان بوده است.

مهم‌ترین رویکرد برنامهٔ آموزش قرآن، به‌ویژه برای دانش‌آموزان رشتهٔ علوم و معارف اسلامی که اهداف و سایر بخش‌های این آموزش را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، جامعیت آن است؛ یعنی آموزش قرآن باید به نحوی باشد که از یک‌سو همهٔ حیطه‌های یادگیری را شامل شود و به‌ویژه بر حیطهٔ عاطفی - که متکفل ایجاد و تقویت انس و علاقهٔ دانش‌آموزان به قرآن و یادگیری آن است - تأکید ورزد و از سوی دیگر تمامی موضوعات ضروری آموزش قرآن مانند روخوانی، روان‌خوانی، صحت قرائت، توانایی درک معنای عبارات و آیات سادهٔ قرآن، آشنایی با معارف انسان‌ساز آن و تدبیر در آیات الهی را در حد امکان شامل می‌شود. دانش‌آموزان پیش از ورود به این رشتهٔ تحصیلی، در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، همچون سایر دانش‌آموزان، به اهداف مقدماتی آموزش قرآن یعنی توانایی خواندن قرآن کریم و درک معنای عبارات و آیات سادهٔ قرآن دست می‌یابند و از آنجا که در دورهٔ متوسطه در رشتهٔ علوم و معارف اسلامی تحصیل می‌کنند، باید با اهداف میانی آموزش قرآن، یعنی آشنایی بیشتر با قرآن کریم و معارف انسان‌ساز آن، چگونگی تدبیر در آیات الهی و شیوه‌های تفسیر این کتاب آسمانی نیز آشنا شوند.

برای رسیدن به این هدف، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، در رشتهٔ معارف و علوم اسلامی، پس از تصویب سه عنوان درسی «تفسیر و علوم قرآنی»، «آشنایی با مفردات قرآنی» و «قرائت و تجوید قرآن»، براساس ابلاغ شورای عالی آموزش و پرورش، به تدوین و تألیف متون آموزشی این دروس اقدام کرد.

## رویکرد حاکم بر برنامهٔ درسی آشنایی با مفردات قرآن

رویکرد حاکم بر برنامهٔ این درس عبارت است از:

- بهره‌گیری از متن قرآن کریم

در این درس توانایی دانش‌آموزان در درک مفهوم واژه‌های قرآنی و معناکردن آیات و عبارات قرآنی ارتقا می‌یابد ولی محتوای دروس و سازماندهی آن‌ها به گونه‌ای است که دانش‌آموزان می‌آموزند که به‌طور مستقیم از قرآن کریم بهره بگیرند و آموزه‌های دینی را از متن آیات و ارتباط آن‌ها با یکدیگر استخراج کنند. این امر فایده‌های جانبی دیگری همچون انس با قرآن کریم و عادت کردن در ارجاع مسائل به قرآن کریم نیز دارد.

## تکمیل حلقه‌های آموزشی قرآن کریم

درس آشنایی با مفردات قرآن به دنبال دروس آموزش قرآن در دورهٔ ابتدایی و راهنمایی و ضمن تقویت و توسعهٔ اهداف آن‌ها، ویژه ارتقای توانایی معناکردن آیات و عبارات قرآنی، برای ورود به حوزهٔ تدبیر و تفسیر قرآن نقش واسطی و آلی دارد. از این‌رو، اهداف، محتوا و سازماندهی این درس و روش تدریس و ارزشیابی آن به گونه‌ای تدوین می‌شود که این نقش را به خوبی ایفا کند و

پرداخته شده است. از این رهگذر می‌توان به مفاهیم برخی از آیاتی که در زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی مورد نیاز دانش‌آموزان است، دست یافت.

## اهداف درس آشنایی با مفردات قرآن

### (پایه دوم متوسطه)

#### (الف) حیطه شناخت=

– توسعه آشنایی با معنای کلمات پر کاربرد قرآنی و مشتقات رایج آن‌ها

– آشنایی با ریشه برخی از واژه‌های کلیدی قرآن و کاربردهای آن‌ها به منظور زمینه‌سازی برای تفکر، تدبر و تفسیر آیات

– شناخت ویژگی‌های صرفی برخی از لغات و واژه‌های کلیدی قرآن کریم با استفاده از آموخته‌های درس عربی.

#### (ب) حیطه مهارتی

– تقویت توانایی درک معنای عبارات و آیات قرآنی

– توانایی درک صحیح مفهوم واژه‌های کلیدی قرآن کریم

– توانایی بهره‌گیری از شناخت واژه‌ها در تفسیر آیات قرآن.

#### (ج) حیطه عاطفی

– انس و علاقه به قرآن کریم با شناخت مفاهیم واژه‌های کلیدی آن

– شوق و رغبت بیشتر به قرائت قرآن کریم به وسیله ارتقای توانایی درک معنای آیات و عبارات قرآنی

– علاقه به تدبر در آیات قرآن کریم.

## معیارهای گزینش محتوای کتاب آشنایی با مفردات قرآن کریم

### «رشته علوم و معارف اسلامی»

#### ● رعایت اهداف آموزشی

گزینش محتوا باید با توجه به اهداف آموزشی شامل اهداف کلی آموزش و پرورش، اهداف کلی دوره تحصیلی، اهداف کلی رشته علوم و معارف اسلامی و اهداف برنامه درسی این درس صورت گیرد. با توجه به اهداف خاص این درس، در انتخاب محتوا بر آیات و عبارات پر کاربرد قرآن کریم تأکید می‌شود.

● مأخذ و مستند محتوای آموزشی کتاب آشنایی با مفردات قرآن کریم

(الف) تمام آموزش‌های دینی باید مستقیم یا غیرمستقیم از قرآن کریم، سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت بزرگوار آن حضرت اتخاذ شود. در تدوین و تبیین این آموزش‌ها از منبع غنی علوم و فرهنگ اسلامی، که فرزندان علم و تقوا در طول چند قرن تمدن اسلامی با مجاهدت خود فراهم ساخته‌اند، استفاده می‌شود.

آمادگی لازم را برای درس تفسیر و علوم قرآنی را در دانش‌آموزان فراهم آورد.

## اصول حاکم بر برنامه درس آشنایی با مفردات قرآن

مراحل برنامه‌ریزی درسی عناوین یاد شده در پرتو اصول زیر انجام می‌پذیرد:

● توجه به رعایت توازن بین درک و فهم دانش‌آموزان و موضوعات مطرح شده

از آنجا که علوم و معارف قرآنی در سطوح گوناگون قابل طرح و ارائه است، برای دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی در برنامه‌ریزی این درس، به میزان درک و فهم دانش‌آموزان و علاقه‌مندی آنان به این گونه مباحث توجه ویژه‌ای می‌شود.

● کاربردی‌بودن مباحث با توجه به نیازهای فردی و اجتماعی مخاطبان

با توجه به ضرورت بهره‌مندی دانش‌آموزان و نسل جوان از معارف قرآنی و سرچشمه جوشان وحی، مطالب و مباحث به گونه‌ای گزینش و طرح می‌شوند که پاسخ‌گوی نیازهای فکری و روحی دانش‌آموزان در دوران جوانی و شرایط حاکم بر جامعه باشند.

● اولویت‌بندی مطالب با رعایت تنوع و جذابیت آن‌ها

با توجه به روحیات دانش‌آموزان و اهمیت ایجاد علاقه به استفاده از مفاهیم و معارف قرآنی، موضوعات و شیوه طرح مباحث، تنوع و جذابیت دارند.

● ارتباط طولی و عرضی مباحث با یکدیگر

برای انسجام‌دادن به مفاهیم آموزشی در ذهن دانش‌آموزان، مطالب در کتاب به گونه‌ای طرح می‌شوند که با مطالب دروس بعدی در همان کتاب و با مطالب دیگر در این رشته تناسب و هماهنگی داشته باشند.

● ایجاد انس و علاقه

از آنجا که یکی از شرایط استفاده و بهره‌مندی از معارف قرآنی مأنوس شدن با قرآن کریم است، مطالب این درس به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوان به این هدف نائل شد.

● استفاده از واژه‌های پر کاربرد و کلیدی قرآن کریم

برای دستیابی به اهداف این درس، واژه‌هایی انتخاب می‌شوند که اولاً مشتقات پر کاربرد در قرآن کریم دارند و ثانیاً دربردارنده مفاهیم مهم و مفید برای دانش‌آموزان هستند.

● توجه به لغات هم‌خانواده

در این درس به منظور توسعه توانایی دانش‌آموزان در درک معنای عبارات قرآنی و نیز سهولت در امر آموزش و یادگیری بهتر، به هم‌خانواده‌های هر واژه نیز توجه ویژه‌ای شده است و دانش‌آموزان با کلمات هم‌خانواده و مشتقات آن‌ها آشنا می‌شوند.

● استفاده از واژه‌های کلیدی

با توجه به محدودیت حجم محتوای کتاب، به واژه‌های کلیدی



## تنوع، توازن و تعادل در روش‌های ارائه محتوا

توازن و تعادل در برنامه درسی نظیر تنوع در درس، تقسیم و توزیع مناسب فعالیت‌های گوناگون یادگیری مانند تجزیه، تحلیل و استدلال باید مراعات شود و شیوه نگارش درس‌ها با توجه به محتوا متنوع باشد.

## اهتمام در ارائه گزارش در قالب‌های هنری

در همه سطوح و شئون آموزش، از سبک نگارش و طراحی درس گرفته تا صفحه‌بندی کتاب درسی، و نیز در نحوه آموزش توسط دبیر، از انواع شیوه‌های هنری از قبیل شعر، خط و داستان استفاده می‌شود. همچنین از امکانات سمعی و بصری برای آموزش مؤثرتر کمک گرفته می‌شود.

## رعایت پیوستگی و انسجام طولی و عرضی آموزش

الف) مباحث کتاب آشنایی با مفردات قرآن با توجه به اهداف این درس لزوماً در بخش‌های گوناگون کتاب ارتباط موضوعی خاصی با یکدیگر ندارند ولی سعی می‌شود تقدم و تأخر مطالب از نوعی نظم منطقی پیروی کند.

در عین حال که تقدم و تأخر مطالب با توجه به شرایط سنی و اهداف تأثیرگذاری ضروری است، باید دقت شود که ارتباط اصول با فروع مباحث مراعات گردد.

ب) توالی مطالب در عین توجه به اهداف مختلف آموزش، با توجه به پیش‌دانسته‌ها، باید مراعات شود.

ج) در گزینش محتوا باید به ارتباط طولی و عرضی آن با دیگر کتاب‌های دوره دبیرستان توجه شود تا ضمن جلوگیری از تکرار خسته‌کننده، مباحث کتاب‌ها مکمل یکدیگر باشند.

## تنظیم فعالیت‌های دانش‌آموزان

الف) علاوه بر اینکه متن دروس به گونه‌ای سازماندهی می‌شود که فرایند تدریس بر فعالیت‌های دانش‌آموزان مبتنی باشد، در پایان هر درس نیز باید تکالیف متناسب با توانایی دانش‌آموز، مانند تمرین‌هایی با ذکر منابع و طرح سؤالات مناسب، ارائه شود.

ب) محتوا باید فرصت فعالیت‌های فوق برنامه و خارج از کلاس را برای دانش‌آموز فراهم کند. به این منظور، باید در ضمن درس یا پایان آن، پیشنهادها و تشویق‌های لازم با تعیین برنامه عملی مشخص ذکر شود.

## تناسب محتوا با کلاس درس

الف) محتوا متناسب با ساعت اختصاص داده شده در برنامه تنظیم می‌شود. با توجه به ضرورت تداوم برنامه این درس در طول درس، هر مرحله از کتاب در یک نوبت امتحانی و براساس دو ساعت در هفته تدریس می‌شود.

با توجه به موضوعات مورد بحث و نیز مخاطبان این آموزش، علاوه بر نصوص قرآن کریم، بر مسائل مورد اتفاق قاطبه علمای دین تأکید و از مباحث مورد اختلاف پرهیز می‌شود.

ب) در صورت نیاز به طرح مباحث اجتماعی و سیاسی، علاوه بر بهره‌گیری از آموزه‌های قطعی کتاب و سنت، ملاک انتخاب مطالب، اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری است.

• تناسب محتوا با فهم متوسط گروه سنی  
گزینش محتوا متناسب با گروه سنی و قدرت درک و فهم متوسط دانش‌آموزان صورت گیرد. در عین حال، باید با طراحی فعالیت‌های جانبی و تحقیق، زمینه بروز استعدادهای برتر فراهم شود.

• دوری از افراط و تفریط در بیان محتوای آموزشی  
از افراط و تفریط در آموزش باید اجتناب شود و فقط آنچه مورد نیاز آموزش است، بیان گردد. از طرح مسائلی که متناسب با نیاز نوجوان یا هماهنگ با مرحله آموزش نیست، خودداری شود؛ خصوصاً که افراط و بیش از اندازه و نابجا گفتن خطرناک‌تر است و احیاناً سبب بدفهمی و انحراف فکری دانش‌آموزان می‌شود.

• بهره‌گیری از مطالب جذاب و مفید  
برای تأثیرگذاری بیشتر بر روان دانش‌آموز، از مطالب جذابی که به صورت‌های شعر، داستان، و سایر نوشته‌های تخیلی و... بیان شده‌اند و هیچ‌گونه بدآموزی ندارند، استفاده شود.

## سازماندهی محتوای کتاب درسی آشنایی با مفردات قرآن

• عنوان و تعداد کتاب‌ها  
برای درس آشنایی با مفردات قرآن، کتابی در نظر گرفته شده است. این کتاب با نام آشنایی با مفردات قرآن در پایه دوم تدریس می‌شود.

## نحوه پردازش مباحث

الف) اولویت دادن به بیان امور مثبت: مقدم داشتن آموزش امور مثبت مثل توحید و فضائل اخلاقی بر امور منفی مانند شرک و ظلم، تا بدین وسیله روح دانش‌آموز از حقایق دینی و قرآنی بهره‌مند و آثار انوار الهی در شخصیت او ظاهر شود.

ارائه تصویری مثبت از جهان، انسان و جامعه موافق فطرت دانش‌آموز است. وقتی او با چنین تصویری خو گرفت، غیر آن را نفی می‌کند.

ب) تکیه بر فطری بودن اصول دین و غیرطبیعی بودن انکار آن‌ها: از آنجا که اصول اعتقادی با فطرت انسان و نیز برهان و استدلال هماهنگ است و نقیض آن‌ها باطل و غیرعقلانی است، طرح درس تا حد امکان باید به گونه‌ای باشد که طرح سؤال بر ناحیه مقابل این اصول وارد شود تا ناسازگار بودن افکار این اصول با فطرت و عقل انسانی و غیرعادی بودن چنان برداشت‌هایی آسان‌تر تعلیم و تفهیم شود.

# قرآن و نام امامان (ع)

روش آموزشی قرآن، بیان کلیات و اصول عمومی است. تشریح مصادیق و جزئیات، غالباً برعهده پیامبر گرامی (ص) است. رسول خدا نه تنها مأمور به تلاوت قرآن بود، بلکه در تبیین آن نیز مأموریت داشت. چنان که می فرماید: انزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیهם و لعلهم یتفکرون: و قرآن را بر تو فرستادیم تا آن چه را برای مردم نازل شده است، برایشان بیان کنی و آشکار سازی. شاید آنان بیندیشند.

در آیه یادشده دقت کنید. می فرماید: «تبیین» و نمی گوید، «لتقرا» یا «لیتلو» و این نشانه آن است که پیامبر علاوه بر تلاوت، باید حقایق قرآنی را روشن کند.

بنابراین، انتظار این که مصادیق و جزئیات در قرآن بیاید، همانند این است که انتظار داشته باشیم همه جزئیات در قانون اساسی کشور ذکر شود. اینک برخی از روش های قرآنی را در مقام معرفی افراد بیان می کنیم:

۱. معرفی به نام: گاهی شرایط ایجاب می کند که فردی را به نام معرفی کنند. چنان که می فرماید: «و مبشرا برسول یأتی من بعدی اسمه احمد»: (عیسی می گوید): من به شما مژده پیامبری را می دهم که پس از من می آید و نامش احمد است.

در این آیه، حضرت مسیح، پیامبر پس از خویش را به نام معرفی و قرآن آن را از حضرتش نقل می کند.

۲. معرفی با عدد: و گاهی شرایط ایجاد می کند که افرادی را با عدد معرفی کند. چنان که می فرماید: «و لقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیبا...»: و خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرگروه برانگیختیم.

## قرآن مردم را به تفکر و دقت در مفاد آیات دعوت می‌کند. بیان قاطع همه مسائل به‌گونه‌ای که همه مردم را راضی سازد، برخلاف این است

می‌آمد، اختلاف از بین می‌رفت، در حالی که این اصل کلیت ندارد. زیرا در موردی تصریح به نام شده، ولی اختلاف نیز حاکم است. بنی اسرائیل از پیامبر خود خواستند تا از جانب خدا فرمان‌روایی برای آنان تعیین کند تا تحت امر او به جهاد بپردازند، زمین‌های غصب شده خود را بازستانند و اسیران خود را آزاد سازند. آن‌جا گفتند: «اذا قالوا لنبی لهم ابعث لن ملکا نقاتل فی سبیل الله: آنان به یکی از پیامبران خود گفتند، برای ما فرمان‌روایی معین کند تا به جنگ در راه خدا بپردازیم.

پیامبر آنان، به امر الهی فرمان‌روا را به نام طالوت معرفی کرد و گفت: «ان الله قد بعث لکم طالوت ملکاً: به راستی که خدا طالوت را به فرمان‌روایی شما برگزیده است. با وجودی که نام فرمان‌روا به صراحت گفته شد، آنان زیر بار نرفتند و به اشکال تراشی پرداختند و گفتند: «انی یکون له الملك علینا و نحن احق بالملک منه و لم یوت سعه من المال...»: از کجا می‌تواند فرمان‌روای ما باشد، حال آن‌که ما به فرمان‌روایی از او شایسته‌تریم و او توانمندی مالی ندارد.

این امر دلالت بر آن دارد که ذکر نام برای رفع اختلاف کافی نیست، بلکه باید شرایط جامعه آمادۀ پذیرش باشد. چه بسا ذکر اسامی پیشوایان دوازده‌گانه سبب می‌شود که آزمندان حکومت و ریاست به نسل‌کشی بپردازند تا از تولد آن امامان جلوگیری کنند. چنان‌که این مسئله درباره حضرت موسی رخ داد و به قول معروف: صد هزاران طفل سر بریده شد تا کلیم الله موسی زنده شد.

درباره حضرت مهدی (عج) هم که اشاره‌ای به نسب و خاندان ایشان شد، حساسیت‌های فراوانی پدید آمد و خانه حضرت عسکری مدت‌ها تحت نظر و مراقبت بود تا فرزندی از او به دنیا نیاید و در صورت تولد، هرچه زودتر به حیات او خاتمه دهند.

۳. معرفی با صفت: بعضی اوقات شرایط ایجاب می‌کند که فرد مورد نظر را با اوصاف معرفی کند. چنان‌که پیامبر خاتم را در تورات و انجیل، با صفاتی معرفی کرده است: «الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التواره و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل لهم الطبیات و یحرم علیهم الخبائث و یرفع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم...» کسانی که از رسول و نبی درس ناخوانده‌ای پیروی می‌کنند که نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، که آنان را به نیک دعوت کرده و از بدی‌ها بازشان می‌دارد، پاکی‌ها را برای آنان حلال و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و آنان را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و بارهای گران و زنجیرهایی را که بر آنان بود، از ایشان برمی‌دارد...

با توجه به این روش، انتظار این که اسامی دوازده امام با ذکر نام و اسامی پدر و مادر در قرآن بیاید، انتظاری بی‌جاست، زیرا گاهی مصلحت در معرفی به آن است و گاهی معرفی به عدد و احیاناً معرفی با صفت.

مسائل زیادی وجود دارد که قرن‌ها مایه جنگ و جدل و خون‌ریزی در میان مسلمانان شده است، ولی قرآن درباره آن‌ها به‌طور صریح و قاطع که ریشه‌کن‌کننده نزاع باشد، سخن نگفته است؛ مانند: صفات خدا عین ذات اوست یا زائد بر ذات؟ حقیقت صفات خبری مانند استواری بر عرش، چیست؟

این مسائل و امثال آن‌ها، هرچند از قرآن قابل استفاده است، ولی چنان شفاف و قاطع که نزاع را یک سره از میان بردارد، در قرآن وارد نشده است. حکمت آن در این است که قرآن مردم را به تفکر و دقت در مفاد آیات دعوت می‌کند. بیان قاطع همه مسائل به‌گونه‌ای که همه مردم را راضی سازد، برخلاف این اصل است.

**معرفی به نام، برطرف‌کننده اختلاف نیست**  
پرسشگر تصور می‌کند که اگر نام امام یا امامان در قرآن



# امام علی (ع) و قرآن

<http://ghorany.blogspotsky.com>

اشاره

این آیات را برای شما می آوریم. همان طور که می دانید، آیاتی که در زمینه امامت خاصه وارد شده است، به دو بخش تقسیم می شود:

۱. آیاتی که به طور مستقیم، مسئله امامت را مورد توجه قرار می دهد و به وضوح از آن بحث می کند.

۲. آیاتی که به طور غیرمستقیم از این مسئله بحث می کند.

گرچه آیات قرآن در هر دو قسمت فراوان است، ولی آیاتی را که روشن تر در هر دو بخش نازل شده است، گزینش می کنیم و نخست به سراغ آیات زیر می رویم (البته برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب، ترجمه آیات را به قرآن رجوع می دهیم):

۱. (آیه تبلیغ: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته، و الله یعصمک من الناس، ان

برخی از دانش آموزان، می پرسند چرا نام امامان و به ویژه نام حضرت علی (ع) و امامت ایشان به صراحت در قرآن نیامده است. در مقاله صفحه ۳۸ و ۳۹ به برخی از دلایل نیامدن اسامی امامان در قرآن پرداخته شد ما در اینجا به برخی از آیاتی که به امامت حضرت علی (ع) اشاره دارند، با مراجعه به یکی از وبگاه های پاسخ گویی، پاسخ می دهیم

کلیدواژه ها: امام علی (ع)، قرآن، آیات امامت.

## آیات امامت امام علی (ع) در قرآن

آیات زیادی در قرآن مجید وجود دارد که به صورت غیرمستقیم به شخصیت و امامت حضرت علی (ع) و خاندان کریم آن حضرت (ع) مربوط است. برای نمونه، تعدادی از

الله لا يهدي القوم الكافرين» [مائدة/ ۶۷].

۲. آیه ولایت: «اتموا وليکم الله ورسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزکاة و هم راکعون» [مائدة/ ۵۵].

۳. آیه اولی الامر: «يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم». (۳)

۴. آیه صادقين: «يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و كونوا مع الصادقين». (۴)

۵. آیه قری: «قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فی القربی». (۵)

## بخش دوم: آیات فضائل حضرت علی (ع)

در این بخش به سراغ آیاتی از قرآن مجید می‌رویم که مستقیماً موضوع خلافت و ولایت را بازگو نمی‌کنند ولی فضیلتی بزرگ از حضرت علی (ع) را در بردارند و در مجموع نشان می‌دهند که حساب علی (ع) از دیگران کاملاً جداست:

۱. آیه مباهله: «فمن حاجک فيه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسااننا و نساانکم و أنفسنا و أنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین» [آل عمران/ ۶۱].

۲. آیه خیر البریة: «انّ الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة» [بینه/ ۷].

۳. آیه لبلة المبيت: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد» [بقره/ ۲۰۷].

۴. آیه حکمت: «یؤتی الحکمة من یشاء و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً و ما یذکر الا اولوا الالباب» [بقره/ ۲۶۹].

۵. آیات سورة هل أتى (انسان): «هل أتى علی الانسان حین من الذهر لم یکن شیئاً مذکوراً» مخصوصاً آیات هفتم تا دهم این سوره

## لحن گفتاری

۶. آیات آغاز سورة براءت: آیات آغاز سورة براءت درباره اعلان جنگ به مشرکان پیمان شکن نازل شده است. تقریباً تمام مفسران و مورخان اتفاق نظر دارند که در سال نهم

هجری، هنگامی که این آیات نازل شد و پیمان‌های این گروه از مشرکان را نقض کرد، پیامبر (ص)، ابوبکر را برای ابلاغ این فرمان انتخاب کرد تا به هنگام حج، در مکه آن را برای عموم مردم بخواند. ولی چیزی نگذشت که آیات را از او گرفت و به علی (ع) داد و آن حضرت را مأمور ابلاغ آن کرد تا در مراسم حج به تمام اهل مکه ابلاغ کند و او چنین کرد.

«وقتی ابوبکر سؤال می‌کند آیا چیزی بر ضد من نازل شده است که من نباید سوره را ابلاغ کنم، پیامبر (ص) می‌فرماید: «أمرت ان لا یبلغه الا انا و رجل منی» مردی که از من است». (۱۱)

۷. آیه سقایة الحاج: می‌فرماید: «أجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لا یستوون عندالله و الله لا یهدی القوم الظالمین» [توبه/ ۱۹].

۸. آیه صالح المؤمنین: «و ان تظاهرا علیه فان الله هو مولاہ و جبریل و صالح المؤمنین و الملائكة بعد ذلک ظهیر» [تحریم/ ۴]. بعضی از همسران پیامبر (ص) را که تخلفی کرده بودند، مخاطب این آیه ساخت.

۹. آیه وزارت: از زبان حضرت موسی (ع) می‌خوانیم: «واجعل لی وزیراً من اهلی - هارون اخی - أشدد به ازری - و أشرک فی أمری» [طه/ ۳۲ - ۲۹].

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز برای پیشبرد اهداف رسالتش، همین خواسته را از خداوند تقاضا کرد تا در امر رهبری مردم، علی (ع) را برادرش و پشتیبان و خلیفه و وزیرش قرار دهد.

۱۰ و ۱۱. آیات سورة احزاب: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً» [احزاب/ ۲۳]. «و رد الله الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیراً و کفی الله المؤمنین القتال و کان الله قویاً عزیزاً» [احزاب/ ۲۵].

۱۲. آیه بینه و شاهد: «افمن کان علی بینة من ربه و یتلوہ شاهد منه و من قبله کتاب موسی اماماً و رحمة اولئک یؤمنون به» [هود/ ۱۱].

۱۳. آیه صدیقون: «و الذین آمنوا بالله و رسله اولئک هم الصّدیقون و الشہداء عند ربهم اجرهم و

نورهم» [حدید/ ۱۹].

۱۴. آیه نور: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نوراً تمشون به و یغفر لکم و الله غفور رحیم» [حدید/ ۲۷].  
۱۵. آیه انذار: «و انذر عشیرتک الاقربین - و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» [شعرا/ ۲۱۵ و ۲۱۴].

۱۶. آیه مرج البحرين: «مرج البحرين یلتقیان - بینهما برزخ لا یبغیان - فبأی آلاء ربکمنا تکذبان - یرج منهنما اللؤلؤ و المرجان» [الرحمان/ ۲۲-۱۹].

۱۷. آیه نجوی: «یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجواکم صدقة ذلک خیر لکم و أطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم» [مجادله/ ۱۲]. این آیه شریفه به مسلمانان دستور داد: اگر می خواهید با پیامبر (ص) نجوا کنید، قبل از این کار، صدقه ای در راه خدا بدهید. این دستور، آمون جالبی به وجود آورد برای مدعیان قرب به پیامبر (ص). همگی جز علی (ع) از دادن صدقه و انجام نجوا خودداری کردند.

۱۸. آیه سابقون: «والسابقون السابقون اولئک المقربون - فی جنات النعیم - ثلثة من الاولین - و قلیل من الآخین» [واقعه / ۱۴ - ۱۰] امام صادق (ع) فرمود: منظور علی بن ابیطالب (ع) است.

۱۹. آیه اذن واعیه: «لنجعلها لکم تذکرة و نعبها اذن واعیه» [حاقه/ ۱۲]. در روایتی هم پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: تو گوش های نگه دارنده علم و دانش منی.

۲۰. آیه مودت: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن وداً» [مریم/ ۹۶].

۲۱. آیه منافقان: «لو نشاء لاریناکهم فلعرفتهم بسیماهم و لتعرفتهم فی لحن القول» [محمد/ ۳۰].

در حدیث مشهوری از ابوسعید خدری، در تفسیر جمله «ولتعرفتهم فی لحن القول» می گوید: بَعْضُهُمْ عَلَیْ بَنِ ابِیطَالِبِ (ع): آنها را می توان از طریق عداوت با حضرت علی (ع) شناخت.

۲۲. آیه ایذاء: «ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الآخرة و أعد لهم عذاباً مهیناً» [احزاب/ ۵۷]. در روایات متعددی از اهل سنت و اهل بیت (ع)

آیه مسئولون: «وقفوهم انهم

مسئولون» [صافات/ ۲۴]. در

روایات متعددی حتی از ابوسعید

خدری، نقل شده است که از

ولایت علی بن ابی طالب (ع) سؤال

می کنند. (۳۱)

رسیده است که پیامبر (ص) فرمود: ای علی! هر که تو را آزار برساند، مرا آزار رسانده است.

۲۳. آیه انفاق: «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرراً و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون». [بقره/ ۲۷۴]. روایات بسیاری در شأن نزول این آیه وارد شده که نشان می دهد.

نخستین بار درباره علی (ع) نازل شده است.

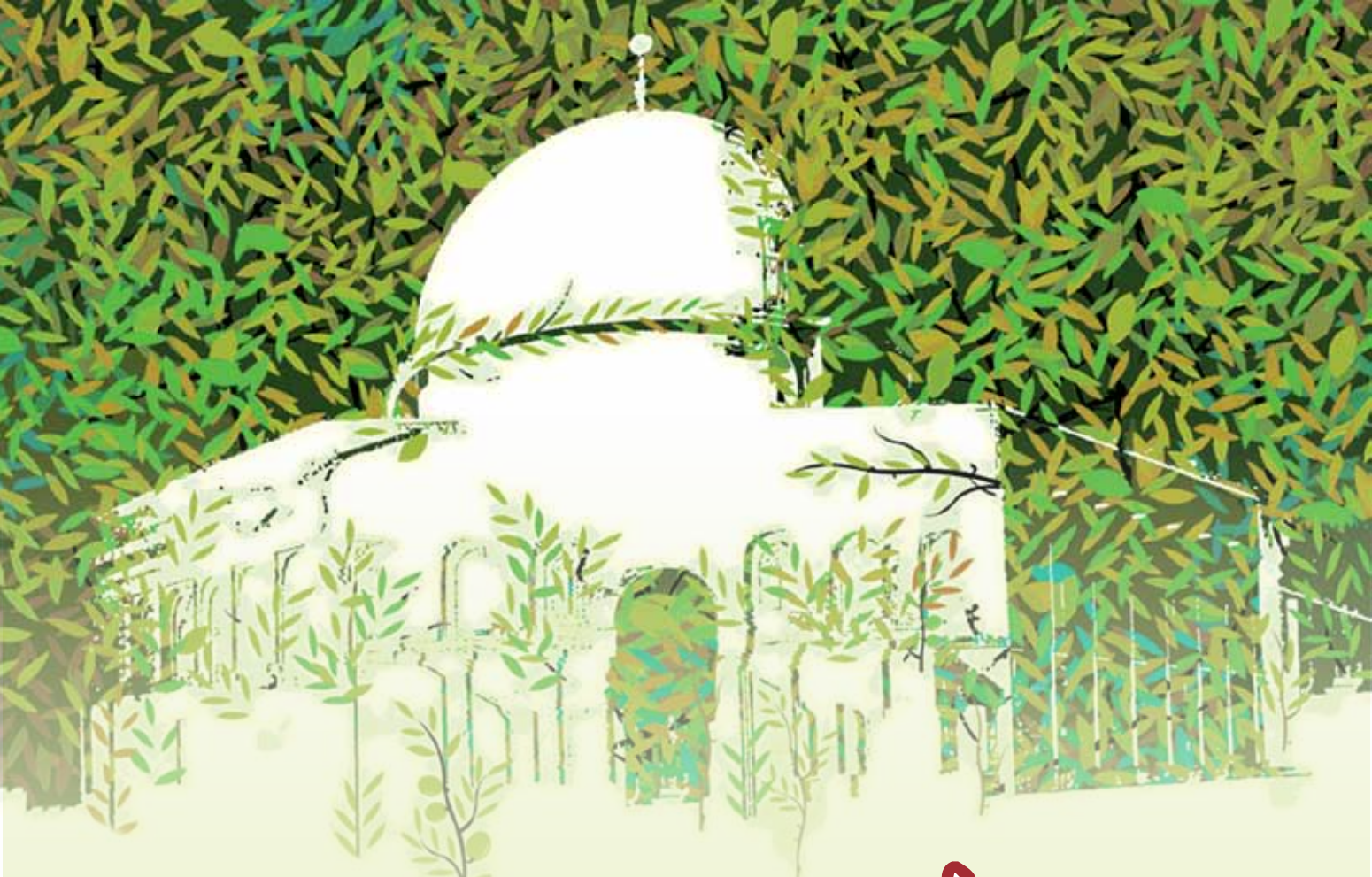
۲۴. آیه محبت: «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه أدلة علی المؤمنین أعزة علی الکافین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم» [مائده / ۵۴]. از مناقب عبدالله شافعی وارد شده که این آیه شریفه درباره علی (ع) نازل شده است.

۲۵. آیه مسئولون: «وقفوهم انهم مسئولون» [صافات/ ۲۴]. در روایات متعددی حتی از ابوسعید خدری، نقل شده است که از ولایت علی بن ابی طالب (ع) سؤال می کنند. (۳۱). شما برای دستیابی به اطلاعات جامع تر، می توانید به کتاب هایی مانند «بحار الانوار مرحوم مجلسی (ره)» و «علی (ع) در قرآن» و نیز «علی (ع) کیست؟ مرحوم کمپانی» و به تفاسیر روایتی قرآن مجید همانند «نور الثقلین» و «تفسیر برهان» مراجعه فرمایید.

پی نوشت

۱. مائده (۵)، آیه ۶۷-۲. مائده (۵)، آیه ۵۵-۳. نساء (۴)، آیه ۵۹. ۴- توبه (۹)، آیه ۱۱۹. ۵- شوری (۴۲)، آیه ۳۳. ۶. آل عمران (۳)، آیه ۶۱-۷. بینه (۹۸)، آیه ۷-۸. بقره (۲)، آیه ۲۰۷-۹. بقره (۲)، آیه ۲۶۹-۱۰. انسان (۷۶)، آیه. ۱۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳، به نقل از آیت الله مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۸۸-۱۲. توبه (۹) آیه ۱۹-۱۳. تحریم (۶۶)، آیه ۴. ۱۴. طه (۲۰)، آیه ۲۹-۳۲. ۱۵. احزاب (۳۳)، آیه ۲۳-۱۶. همان، آیه ۲۵-۱۷. هود (۱۱)، آیه ۱۷-۱۸. حدید (۵۷)، آیه ۱۹-۱۹. همان، آیه ۲۷-۲۰. شعرا (۲۶)، آیه ۲۱۴-۲۱۵. ۲۱. الرحمان (۵۵)، آیه ۱۹-۲۲. ۲۲. مجادله (۵۸) آیه ۱۲. ۲۳. واقعه (۵۶)، آیه ۱۰-۱۴. ۲۴- حاقه (۶۹)، آیه ۱۲. ۲۵. مریم (۱۹)، آیه ۹۶-۲۶. محمد (۴۷)، آیه ۳۰-۲۷. احزاب (۳۳)، آیه ۵۷-۲۸. بقره (۲)، آیه ۲۷۴-۲۹. مائده (۵)، آیه ۵۴-۳۰. صافات (۳۷)، آیه ۳۱-۲۴. آیت الله مکارم شیرازی، پیام قرآن، ص ۱۷۷-۳۹۴ (با اقتباس) و تفسیر القرآن، آیات مربوطه.





# فلسطینیا و فروش زمین ها خود

## برخی سوالات دانش آموزان درباره فلسطین

پرسش ۱:

مگر فلسطینیان ناصبی و کافر نیستند و با امیرالمؤمنین(ع) و اهل بیت -علیهم السلام- به صورت علنی دشمنی نمی ورزند؟ پس چرا ما باید از آن ها حمایت کنیم؟

پاسخ:

۱. تعداد افراد متعصبی که نسبت به اهل بیت -علیهم السلام- بغض دارند و می توان آن ها را ناصبی شمرد، در کل جهان خصوصاً خاورمیانه، بسیار کم و ناچیز است. این حرف که فلسطینیان ناصبی هستند نیز دروغ محض است. اکثریت قاطع مردم فلسطین شافعی مذهباند و اتفاقاً ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی، رهبر این فرقه نیز در غزه تولد یافته است. در میان فرقه های گوناگون اهل تسنن،

نزدیک ترین فرقه به شیعه، هم از نظر میزان علاقه مندی به اهل بیت پیامبر(ص) و هم از نظر اصول و احکام فقهی، فرقه شافعی است.

۲. اگر به نام مساجد آن ها توجه کنید، این ادعا بهتر روشن می شود؛ مسجد «امام علی ابن ابی طالب» واقع در نابلس، مسجد فاطمة الزهرا در جنوب طولکرم، مسجد الحسین بن علی در نوار غزه و ... .

۳. افزون بر گرایش دو تن از رهبران جنبش جهاد اسلامی فلسطین، شهید دکتر فتحی شقاقی و شهید محمود شحاده، به مذهب شیعه، در سالیان اخیر، گرایش مردم فلسطین به تشیع بسیار چشمگیر بوده است؛ چنان که طبق یک آمار، در حال حاضر حدود ۷۰ هزار شیعه فلسطینی در مناطق اشغالی زندگی می کنند. شایان ذکر است که

کتاب جنجال برانگیز «شیعه و سنی، غوغای ساختگی» از مجاهد اهل تسنن فلسطینی شهید فتحی شقاقی است و او در این کتاب به دفاع از تشیع و اثبات ضرورت وحدت اسلامی می‌پردازد.

پس اساساً ادعای ناصبی بودن مردم فلسطین ادعایی جعلی و مبتنی بر وهم است و می‌کوشد با سوءاستفاده از عقاید و احساسات مذهبی مردم ایران، از حمایت بی‌دریغ آنان از مردم فلسطین جلوگیری کند.

## پرسش ۲:

مگر مردم فلسطین با میل خود زمین‌ها و باغ‌هایشان را به صهیونیست‌ها فروخته‌اند؟ حال علت اعتراض آن‌ها و حمایت دیگر کشورها از آنان چیست؟

## پاسخ:

تا سال ۱۲۹۶ هجری شمسی، یهودیان تنها ۶۵۰ کیلومترمربع از ۲۷ هزار کیلومترمربع مساحت کل فلسطین را در مالکیت خود داشتند. در این سال، با شکست دولت عثمانی در جنگ جهانی اول، انگلستان سرزمین فلسطین را اشغال کرد و طی اطلاعیه‌ای به صهیونیست‌ها اجازه داد که در فلسطین «کانون ملی یهود» ایجاد کنند و یهودی‌های غیر فلسطینی را به سکونت در سرزمین‌های سلطنتی متعلق به دولت عثمانی شکست‌خورده تشویق کرد. از آن پس، اشغالگران انگلیسی با وضع انواع و اقسام قوانین، شرایط را برای اشغال زمین‌ها، ساختمان‌ها و باغ‌های فلسطینی توسط یهودیان فراهم کردند. حدود ۵۹۷ کیلومترمربع زمین را نیز خود دولت بریتانیا به‌طور رایگان یا به قیمت ارزان در اختیار آژانس یهود و شرکت‌های صهیونیستی قرار داد. ۶۷۸ کیلومترمربع زمین را نیز خانواده‌های عرب غیرفلسطینی به یهودیان فروختند و ۶۸ کیلومترمربع زمین را یهودیان به دستور وزیر مختار انگلیس به زور از فلسطینیان گرفتند.

به هر حال، در میان ملت فلسطین بسیار کم دیده شده‌اند کسانی که خودشان زمین‌هایشان را فروخته باشند. آن تعداد اندک نیز که زمین‌های خود را فروخته‌اند، اکثراً نه با رضایت

خاطر، بلکه در اثر شرایط به‌وجود آمده از قوانین انگلیس در مورد کشاورزان فلسطینی، مجبور به فروش زمین‌های خود شده‌اند. مثلاً دولت انگلیس مقدار مالیات‌ها را افزایش می‌داد و هم‌زمان از صدور حبوبات و زیتون که عمده محصولات کشاورزی فلسطین بود، جلوگیری می‌کرد. در نتیجه، کشاورزان از عهده مخارج و مالیات‌ها بر نمی‌آمدند و به ناچار ملک خود را می‌فروختند. به علاوه پس از مدتی، اغلب علما فتوایی شرعی مبنی بر حرام بودن فروش زمین به یهودیان و مباح بودن خون کسی که چنین کاری انجام دهد یا واسطه این کار باشد صادر کردند. اولین فتوا را در این زمینه کنگره علمای فلسطین - که در بهمن ۱۳۱۳ شمسی در بیت‌المقدس تشکیل جلسه داد - صادر کرد.

مجموع زمین‌های واگذار شده به صهیونیست‌ها در زمان سلطه انگلیس تقریباً دو هزار کیلومترمربع است که در مقایسه با ۲۷ هزار کیلومترمربع مساحت فلسطین، فقط ۷/۷ درصد است. از این درصد هم چیزی حدود یک‌سوم آن از طریق خرید به صهیونیست‌ها رسیده و مابقی با مساعدت انگلیس در اختیار آن‌ها گذاشته شده است. این به آن معنی است که تنها چیزی حدود ۵/۲ درصد از زمین‌های فلسطین به صهیونیست‌ها فروخته شده است.

پس از خروج انگلیس از فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی، مابقی این سرزمین نه از طریق خرید که با کشتار، غصب، شکنجه، تخریب، فشار و توطئه، با بدترین شکل از فجایع و جنایات به تصرف صهیونیست‌ها درآمده است. از جمله این فجایع، فاجعه «دیر یاسین» در آوریل ۱۹۴۸ م با ۳۶۰ کشته؛ جنایت حیفا با ۱۵۰ کشته، ۳۰۰ کشته اردوگاه‌های «صبرا و شتیلا» تحت نظارت آریل شارون، کشتار الخلیل با ۵۰۰۰ کشته در سال ۱۹۴۸، قتل عام جنین در سال ۱۳۸۱، جنایت غزه با بیش از ۱۴۰۰ کشته، نابودی بیش از ۵۰۰ شهر و روستا و بمب‌گذاری در مسجدالاقصاست. تمامی این موارد صحنه‌های کشتار است نه جنگ؛ یعنی در یک طرف مردم بی‌سلاح و بی‌دفاع و یک روستا یا یک حرم یا نمازگزاران یک مسجد یا بچه‌های پناه گرفته در یک پناهگاه

و... قرار دارد و در سوی دیگر یک ارتش مسلح مجهز وحشی با اندیشه نژادپرستانه صهیونیستی و تعلیم‌دیده برای کشتار و جنایت قرار گرفته است. پس طرح این شبهه نیز امری بی‌اساس و صرفاً مبتنی بر اهداف شوم استکبار است.

## پرسش ۲:

چرا در حالی که ما در داخل کشور

گرفتار مشکلات و مسائل متعدد مالی هستیم، دولت ایران به فلسطین، لبنان، و یا سایر کشورهای اسلامی کمک می‌کند؟

## پاسخ:

به این پرسش با رویکردهای متفاوتی می‌توان پاسخ داد؛ از جمله:

۱. رویکرد اسلامی: به لحاظ بینش اسلامی، امت اسلام امتی واحد است و مرزهای جغرافیایی، زبانی، رنگ و... محدوده‌های اعتباری هستند که سبب جدایی آن‌ها از یکدیگر نمی‌شوند. البته اسلام همه انسان‌ها را در مقابل یکدیگر مسئول و پاسخ‌گو می‌داند. لذا بدیهی است که جمهوری اسلامی ایران که سعی دارد مبتنی بر ارزش‌ها و تکالیف الهی عمل کند، نمی‌تواند و نباید در قبال کشتار مسلمانان بی‌گناه و اشتغال سرزمین‌های آنان بی‌تفاوت باشد و سکوت کند. مضاف بر اینکه از دیدگاه اسلامی، دفاع از مسلمانان و هر مظلومی، بر هر مسلمانی واجب است. ملت مسلمان ایران اگر از حکومت و دولت اسلامی هم برخوردار نمی‌بود، بر این حمایت موظف و مکلف بود و اکنون که از قدرت و دولتی اسلامی برخوردار است، تکلیف مضاعف می‌شود.

۲. رویکرد انسانی: اگر مسلمان هم نباشیم، لااقل انسان که هستیم و انسان آزاده و برخوردار از عقل، شعور و عواطف انسانی، نمی‌تواند در قبال کشتار بی‌رحمانه هم‌نوعان خود بی‌تفاوت باشد، زیرا بی‌تفاوتی در این موارد نوعی همراهی با جلادان ددمنش و گردن‌کشان استعمارگر است و امروزه

## روابط بین‌الملل و حضور فعال و مؤثر در تعاملات سیاسی جهان از شاخص‌ترین و بدیهی‌ترین اصول و ضروریات هر رفتار سیاسی است. جهان امروز، جهانی یکپارچه است و هیچ اتفاقی نیست که در گوشه‌ای از دنیا رخ دهد و بر سرنوشت دیگر ملل تأثیر نگذارد

شاهدیم، بسیاری از انسان‌ها که مسلمان هم نیستند، از حقوق مردم فلسطین دفاع می‌کنند.

۳. رویکرد سیاسی: امروز مسئله فلسطین و اشغال سرزمین‌های اسلامی در قلب خاورمیانه توسط رژیم اشغالگر و صهیونیسم بین‌الملل و نسل‌کشی بی‌رحمانه و به خاک و خون کشیدن زنان و کودکان و فروش اعضای بدن کودکان فلسطینی به

سرمایه‌داران آمریکایی و اروپایی، دیگر مسئله‌ای ملی محسوب نمی‌شود که فقط به یک کشور مربوط باشد، بلکه مسئله‌ای بین‌المللی شده است. لذا تمامی کشورهای جهان از خاور دور مانند ژاپن، چین و کره تا همه کشورهای آسیایی، اروپای غربی تا روسیه و آمریکای مرکزی، آمریکای جنوبی و... در مقابل این مسئله مهم سیاسی، موضع‌گیری «له یا علیه» دارند. حال چرا در میان همه کشورهای دنیا، فقط از جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند موضع حمایت از ستم‌دیدگان فلسطینی نداشته باشد و بر مواضع خود پافشاری نکند؟

۴. روابط بین‌الملل: روابط بین‌الملل و حضور فعال و مؤثر در تعاملات سیاسی جهان از شاخص‌ترین و بدیهی‌ترین اصول و ضروریات هر رفتار سیاسی است. جهان امروز، جهانی یکپارچه است و هیچ اتفاقی نیست که در گوشه‌ای از دنیا رخ دهد و بر سرنوشت دیگر ملل تأثیر نگذارد. لذا همه نظام‌های سیاسی، چه بخواهند و چه نخواهند، چه مواضع عادلانه‌ای داشته باشند و چه ظالمانه، در حوادث و رفتارهای سیاسی کشورهای مختلف دخیل و مؤثر و متقابلاً متأثر هستند. تشکیل سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل، شورای امنیت و اتحادیه عرب به دلیل نقش و تأثیر سرنوشت‌ساز کشورها، نظام‌ها و ملت‌های جهان بر یکدیگر است.

در نهایت، باید توجه داشت که امروزه هیچ نشست سیاسی در جهان وجود ندارد که رژیم اشغالگر قدس، سرزمین و ملت فلسطین یا لبنان، یکی از موضوعات جدی آن نباشد و هر کشور، نظام و دولتی در این مباحث موضعی دارد. پس چرا جمهوری اسلامی ایران نباید موضع حمایت از مردم فلسطین داشته باشد؟



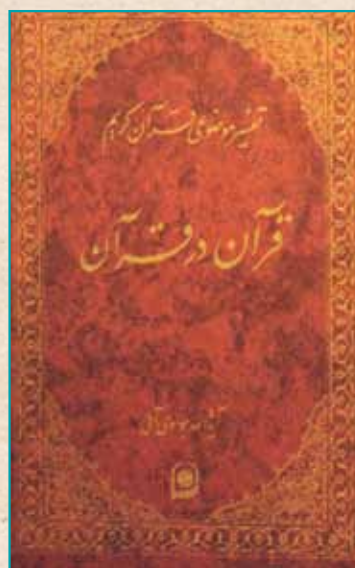
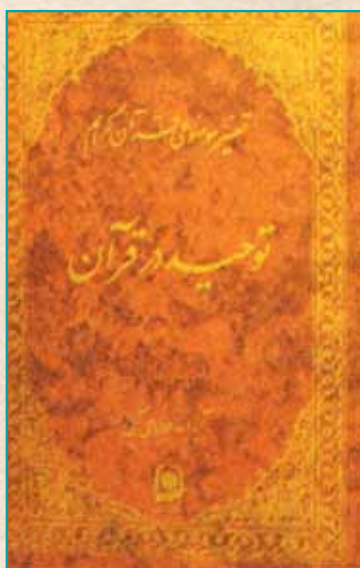


فریبا انجمنی

# آشنایی با سبک جلد اول تفسیر موضوعی حضرت آیت الله جوادی آملی

تفسیر موضوعی، جلد اول، با موضوع قرآن در قرآن

تفسیر موضوعی، جلد دوم، با موضوع توحید در قرآن



یکی از مهم‌ترین بلکه برترین و ضروری‌ترین معرفت‌ها توحید قرآنی است که هم ساحت الهی و جناب ربوبی را به درستی تبیین می‌کند و هم راه قرب و طریق نزدیکی به این جایگاه خطیر را به زیبایی نشان می‌دهد. حضرت استاد که انس با قرآن و حشر با معارف والای آن، حقیقت وجودی و ساختار معرفتی ایشان را تشکیل می‌دهد، اولین اثر بعد از معرفی و شناخت قرآن (تفسیر موضوعی، ج ۱، قرآن در قرآن) را به این اثر ویژه اختصاص داده و بسیاری از مباحث عمده توحید را از منظر قرآن تبیین، تحلیل و تعلیل کرده و منظرهای گوناگون فلسفی و عرفانی را در خدمت معرفت قرآنی آورده است. این کتاب پس از طرح مباحث کلی توحید، در سه بخش و طی فصولی متعدد، مباحث قرآن و راه‌های شناخت، براهین توحیدی قرآن، مراتب توحید، توحید در ذات، توحید در اسما و صفات، توحید افعالی، توحید عملی، موحدان در قرآن، نفی شرک، انواع شرک، گروه‌های مشرک، موجبات و پیامدهای شرک را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است.

مباحث جلد دوم عبارت‌اند از:

۱. خداشناسی؛ ۲. قرآن و راه‌های خداشناسی؛ ۳. راه آفاقی؛ ۴. راه انفسی؛ ۵. از مقصد به مقصود یا سیر در حقیقت هستی؛ ۶. مراتب توحید؛ ۷. توحید ذاتی؛ ۸. توحید اسما و صفات؛ ۹. توحید افعالی؛ ۱۰. توحید عملی؛ ۱۱. موحدان.

این کتاب گران‌سنگ که بهترین نگرش به قرآن را ارائه می‌کند، با بیان ویژگی‌ها و خصایص زنده قرآن، به شرح برترین عطیة الهی پرداخته است و آن را تبیین می‌کند. برخی از ویژگی‌های بارز این نوشتار تفسیری عبارت‌اند از:

۱. سبک تفسیری حضرت استاد؛ در این دوره تفسیری، که هر جلد آن به موضوعی خاص اختصاص دارد، تفسیر قرآن به قرآن است ولی در عین حال، برای تقسیم و تکمیل بحث، از روایات معصومین (ع) نیز استفاده شده است.
۲. هنگام تحقیق و تنظیم، پرسش‌ها و تأملاتی از محضر استاد انجام شده است و حضرت استاد برای پاسخ به پرسش‌ها و رفع شبهات و ابهامات، مطالب ارزنده‌ای را نیز اضافه فرموده‌اند. این اضافات غالباً در پایان بحث هر عنوان و با تعبیر «گفتنی است» یا «تذکر» آمده‌اند و از حیث محتوا و سبک قلم با سایر قسمت‌ها تفاوت دارند که خوانندگان نکته‌سنج می‌توانند این موارد را دریابند.
- مباحث جلد اول درباره این موضوعات مطرح شده‌اند: ۱. حقیقت قرآن؛ ۲. اعجاز قرآن؛ ۳. تعریف اعجاز و ویژگی‌های اعجاز قرآن؛ ۴. رسالت قرآن؛ ۵. جاودانگی قرآن؛ ۶. عصمت و عدم تحریف قرآن؛ ۷. فهم قرآن.





## برگ اشتراک مجله‌های رشد

### نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سده راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

### ♦ نام مجلات درخواستی:

.....

.....

.....

### ♦ نام و نام خانوادگی:

.....

### ♦ تاریخ تولد:

.....

### ♦ تلفن:

.....

### ♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: ..... شهرستان: ..... خیابان: .....

شماره فیش: ..... مبلغ پرداختی: .....

پلاک: ..... شماره پستی: .....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

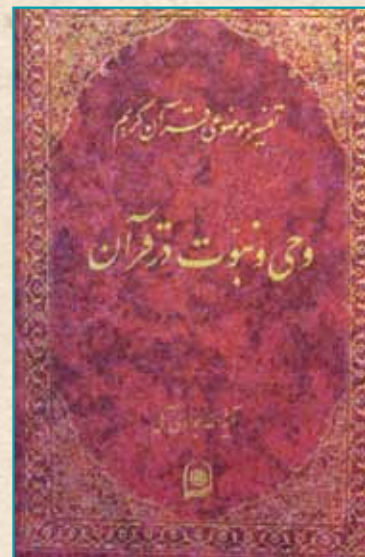
♦ وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

♦ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال

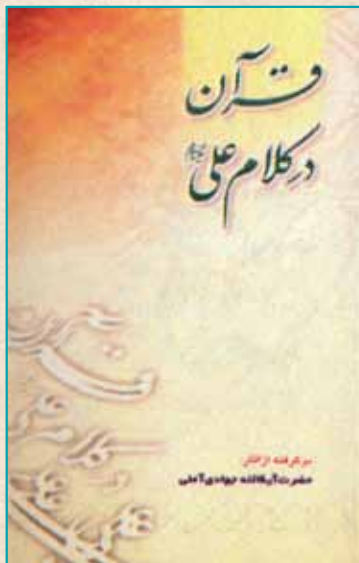
## تفسیر موضوعی، جلد سوم، با موضوع وحی و نبوت در قرآن



شناخت وحی در عصر ما، به‌ویژه در چارچوب نظام و تفکر دینی که حکومت را در بدنه خود دارد، دارای ضرورتی مضاعف است و چالش‌هایی که در راه تبیین و ایمان به آن وجود دارد، از دوران گذشته متفاوت‌تر و پیچیده‌تر است. کتاب وزین «وحی و نبوت در قرآن» به مباحث عمده و اصولی مربوط به وحی، اشکالات، شبهات و سؤالات پیرامون آن می‌پردازد. مباحث این جلد عبارت‌اند از: ۱. ضرورت نبوت؛ ۲. حقیقت وحی؛ ۳. اثر وحی؛ ۴. منکران وحی؛ ۵. نبوت عام؛ ۶. اهداف و فواید نبوت؛ ۷. ویژگی‌های عصمت؛ ۸. اثبات عصمت پیامبران؛ ۹. دیدگاه‌های مختلف درباره عصمت؛ ۱۰. تنزیه پیامبران؛ ۱۱. ادعای نبوت و گواهی خدا؛ ۱۲. معجزات پیامبر اسلام (ص)؛ ۱۳. نوید پیامبران پیشین؛ ۱۴. ویژگی‌های حضرت محمد (ص)؛ ۱۵. خاتمیت.



# قرآن در کلام علی (ع)



در میان موجودات، آنکه به تجلی اعظم نام گرفته و نورالانوار و ظهور المظاهر است، همانا قرآن کریم است. کلام امیرالمؤمنین (ع) از بهترین و کامل‌ترین مظاهری است که می‌تواند قرآن صامت را فرقانی ناطق مصون دارد.

این کتاب که از بیان آشنا با حقیقت قرآنی و دلدادۀ حقیقت علوی حضرت استاد جوادی آملی بهره دارد، در چهار فصل زیر تدوین و به شیفتگان وحی و ولایت تقدیم شده است:

۱. علم انسان کامل؛ ۲. علی بن ابی طالب (ع) معرف قرآن کریم؛ ۳. بررسی نظام فاعلی قرآن؛ ۴. بررسی نظام غایی قرآن؛



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

**رشد کودک** (برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه اول دوره دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

**رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

**رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه)
- رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر
- رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فنی و حرفه‌ای • رشد آموزش پیش‌دستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۲۷۸

